

MADDE YAYIMLANDIKTAN

SELEN DOKÜMAN

02 Temmuz 2018

3365 RIZVI, Sajjad H. & BDAIWI, Ahab. 'Allāma
Tabātabā'ī (d. 1981), *Nihāyat al-ḥikma. The Oxford
handbook of Islamic philosophy*. Ed. Khaled
El-Rouayheb and Sabine Schmidtke. Oxford: Oxford
University Press, 2016, pp. 654-675.

Tabataba'i Mah. Hü.
131248

CHAPTER 29

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN‘ALLĀMA ṬABĀṬABĀ’Ī
(D. 1981), NĪHĀYAT
AL-ḤIKMA

SAJJAD H. RIZVI AND AHAB BDAIWI

Tabatabai Muh. His.
131248

FOR at least a generation, the academic study of Islamic philosophy has recognized the continuity of the tradition beyond the medieval period and even the survival of inquiry into the works of Avicenna, Mullā Ṣadrā, and Neoplatonic classics such as the *Theologia Aristotelis* into the present, especially in the Shīʿī seminaries of Iran and Iraq (Mottahedeh 1986, 134–56, 175–85, 242–43). In this chapter, we discuss the thought of the Iranian Shīʿī philosopher and exegete Sayyid Muḥammad Ḥusayn Ṭabāṭabāʾī (d. 1981), arguably the most important and influential of the twentieth century, for his efforts in establishing the study of philosophy at the heart of the Shīʿī seminary curriculum. He considered philosophy to be the essential toolkit for the informed believer in the modern world that would equip her for the intellectual challenges thrown up by the real threats to faith such as the denial of the reality of existence, of the existence of the immaterial, of different forms of dualism, of the possibility of knowledge, and of a foundationalist ethics entailing the affirmation of an afterlife. Through his works in philosophy and his voluminous exegesis of the Qurʾān, he sought to establish an age-old Shīʿī maxim of the perfect compatibility of reason and revelation (e.g., Ṭabāṭabāʾī, *ʿAlī*).

As we shall see, his philosophy was a product of the intellectual developments in Tehran and in Najaf. While the former has been indicated in a number of studies (e.g., Nasr 2006, 237–56), the latter is far less well known (but see al-Rifāʾī 2010, esp. 170–78, and Bdaiwi, forthcoming). However, we do know that Najaf was a center for the study of logic, philosophy, and philosophical theology going back at least to the Timurid period. At the end of the sixteenth century, two pivotal figures in the teaching of logic and philosophical theology were Mullā ʿAbdullāh Yazdī (d. 981/1573), who completed the marginalia (*ḥāshiya*) in Najaf in 967/1559–60 that are still studied in the seminary on the *Tahdhīb al-manṭiq* of Taftāzānī (d. 792/1390), and Aḥmad *al-muqaddas* Ardabīlī (d. 993/1585), who wrote useful marginalia on the *Sharḥ al-Tajrīd* of Qūshjī (d. 879/1474) (ʿAlī Maḥbūba 1958, 3:385–86; Yazdī, *Ḥāshiya*; Ardabīlī, *Ḥāshiya*). A key figure at the end of

the eighteenth century was Mahdī Narāqī (d. 1209/1795), who wrote extensively in Najaf on Avicenna, including a commentary on the *Metaphysics of al-Shifāʾ* that is highly critical of Mullā Ṣadrā (Narāqī, *Sharḥ*). By the nineteenth century the teaching of philosophy was closely intertwined with jurisprudence. Ṭabāṭabāʾī, in particular, benefited from the scholarship of those who brought together the study of philosophy, jurisprudence, and mysticism into a harmonious synthesis—this was a good example of “philosophy as a way of life” (Chase et al. 2013).

While there is a large (mostly hagiographical) literature on Ṭabāṭabāʾī in Persian on his life, mysticism, philosophy, and exegesis (e.g., Āmulī 2007), there is not much on him in European languages save an article here and there (e.g., Algar 2006) and some sections of works dedicated to contemporary Islamic intellectual history in Iran (e.g., Dabashi 1993, 273–323; Hajatpour 2002, 160–79). A study of his philosophy and an assessment of its significance remains to be written even while we now have all his works in print, including a number of posthumous publications and lecture notes of his students, including the prominent *Principles of Philosophy* penned by his student and leading revolutionary Murtaẓā Muṭahharī (d. 1979), only parts of which were published in his lifetime (Muṭahharī, *Uṣūl*). In his introduction, the student writes that the work is a record of a rather condensed course on philosophy that took in the whole history of comparative Islamic and European philosophy to suggest in the culmination what tools the student might find in the Islamic philosophical heritage, not least in the work of Mullā Ṣadrā, to equip him in making sense of the world and in being able to resist intellectual challenges from various forms of materialism and skepticism—hence it establishes the “principles of philosophy” and what he calls “realism” (Muṭahharī, *Uṣūl*, I, 18–19). As Muṭahharī put it, Islamic philosophy in Iran needed to enter a new phase, to address new audiences, not least the young educated classes, who were much enamored of European philosophy and attracted to dialectical materialism in particular (Muṭahharī, *Uṣūl*, I, 20–21).

One common summary of his contribution is to stipulate that Ṭabāṭabāʾī fundamentally affected four areas of inquiry: first, he reformulated a realist theory of epistemology to combat skepticism; second, he rehearsed the traditional ontological proof for the existence of God (*burhān al-ṣiddīqīn*) for the new theology of postwar Shīʿī intellectual history and showed how philosophy could contribute to a more intellectually rigorous theological response to modernity; third, he made a radical distinction between perception that relates to “real” objects of inquiry and those that are merely mentally posited or “beings of reason” without reference in extramental reality (*ḥaqīqī* vs. *iʿtibārī*) (cf. ʿAlī Ṣafā 2001); and finally, he drew upon the Sadrian notion of motion in substance and the dynamic of the universe to connect traditional Islamic philosophy with new developments in cosmology (al-Rifāʾī 2010, 17).

29.1. ṬABĀṬABĀ’Ī: A PHILOSOPHICAL LIFE

Muḥammad Ḥusayn Ṭabāṭabāʾī was born in Shādābād, a village near Tabriz in 1321/1904 into a sayyid family of prominent scholars, judges of Tabriz, and spiritual guides

654-675

داشته و کوچکترین مقصودی در ایجاد تفرقه یا شکاف بین تشیع و تسنن در نظر نبوده است. علامه بازبانی ساده تقریباً تمام جوانب شیعه را از تاریخ گرفته تا حکمت و عرفان، توضیح داده و در صفحاتی معدود بسیاری از مهمترین حقایق معارف اسلامی و شیعی را بیان کرده است.

تمام مراتب علم و معرفت شیعی در سه بخش کلی جمع آوری گردیده: بخش اول: کیفیت پیدایش و نشو و نماي شیعه از آغاز پیدایش تا قرن چهاردهم هجری مورد بررسی قرار گرفته و سپس اشعاعات شیعه بیان گردیده و در پایان این بخش خلاصه‌ای از تاریخچه شیعه دوازده امامی آورده شده است. در بخش دوم: تفکر مذهبی شیعه از سه طریق: (۱) ظواهر دینی، (۲) بحث عقلی، (۳) طریق کشف، مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش سوم: اعتقادات اسلامی از نظر شیعه دوازده امامی که شامل شناسایی خداوند عالم، رسول اکرم (ص)، معاد و مقام امامت می باشد تشریح شده و اجمالی از تاریخ زندگی دوازده امام بیان گردیده است و در خاتمه جمله «خدا را بشناسید» به عنوان چکیده پیام معنوی شیعه بیان شده است و این همان جمله‌ای است که پیامبر اکرم (ص) برای نخستین بار دعوت جهانی خود را با آن آغاز نمودند.

نام و مشخصات انگلیسی کتاب مزبور عبارت است از:

Shiite Islam by Allameh Tabataba'ei, 1975, State University of York Press.

منبع: شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، مرضیه محمدزاده

شیعه در هند، کتابی است به زبان انگلیسی از سید عباس اطهر رضوی، محقق هندی و ایرانی تبار، درباره نقش تشیع در ساختن تمدن عظیم هند و شناساندن بسیاری از عالمان ناشناخته شیعه در دو جلد. مؤلف دانشمند این کتاب، مقدمه خود را با ذکر سخن سی. ج. آدامز در باب گفتن یکپارچه پژوهشگران غربی در برخورد با اسلام و یکسان انگاری معیارهای اهل سنت با اسلام و منحرف پنداشتن سایر فرقه‌ها و به ویژه شیعه اثنا عشری آغاز کرده است. آنگاه با ذکر تفاوت‌های ذکر شده توسط آدامز، میان شیعه و اهل سنت و برجستگی آثار هانری گربین در این میان، به رساله تک نگاشته‌ای از جان نورمن هولیستر با عنوان شیعیان هند اشاره کرده

منابع: الفرق بین الفرق، ۷۱؛ الملل والنحل، ۳۱۳۱؛ المقالات و الفرق، ۲۲۸؛ الفهرست، شیخ طوسی، ۳۲۳؛ مقالات الاسلامیین، ۱۰۷؛ فرق الشیعه، نویختی، ۱۷۹؛ خاندان نویختی، ۷۷؛ تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، ۱۷۶۱؛ دستان المذاهب، ۹۸۱۲؛ هفتاد و سه ملت (اعتقادات مذاهب) ۳۴ و ۱۲۲. یوسف جعفرزاده

شیعه ← تشیع

شیعه در اسلام، کتابی است تألیف علامه سید محمد حسین طباطبائی که یکی از آثار مفید و بسیار ارزشمند علامه است و توسط دفتر انتشارات اسلامی به چاپ رسیده است. این کتاب اساساً برای معرفی تشیع در مغرب زمین تألیف شده است. چرا که اغلب مطالعات و تحقیقات اندیشمندان مغرب زمین و مستشرقین اروپایی پیرامون اعتقادات و مبانی شیعی و تاریخ آن اولاً از منابع اهل تسنن گرفته شده، ثانیاً، توأم با تعصب و غرض ورزی درباره آنها بوده است. در آثار موجود به زبانهای اروپایی، تشیع به صورت فرقه‌ای فرعی معرفی شده و گاهی آن را بدعت در اسلام می‌دانند به همین منظور علامه طباطبایی تصمیم می‌گیرد کتابی درباره شیعه، برای مردم مغرب زمین بنویسد؛ در نتیجه کتابهای «شیعه در اسلام» و «قرآن از نظر شیعه» را به رشته تحریر می‌آورد که دو کتاب بسیار مهم و معتبر هستند. او با این عمل، خدمت بزرگی در اشاعه دانش اسلامی کرده است. متن کتاب توسط یکی از شاگردان استاد به زبان انگلیسی ترجمه شد و مدتی نیز در آمریکا در سطح دانشگاهی تدریس می‌شده است. «شیعه در اسلام» تحقیق جدیدی با هدفی تازه است و منظور از آن تشریح جهات پیدایش شیعه و تاریخ آن و شناساندن شیعه و جوانب گوناگون آن به افرادی است که با عالم تفکرات اسلامی و شیعی آشنایی ندارند و مایل هستند از دیدگاهی کلی، نظری جامع به این بخش مهم از اسلام بیافکنند، یا با آن آشنایی داشته ولی با دید انحرافی و غیر واقعی به آن می‌نگرند. مؤلف محترم این هدف را بدون اهانت به اهل سنت و جماعت و در عین حال دفاع از اصالت شیعه و بیان حقایق و واقعیات آن، دنبال کرده و کوشیده است، تا نشان دهد تشیع درختی است که ریشه در نصوص آیات قرآنی و فرمایشات رسول اکرم (ص) و سنت پیامبر

متروپیت برخاست.

آشنایی بیشتری داشت، و دیگر این که از صداقت کامل برخوردار بود و همگان بر خلوص نیت او گوهی داده‌اند. طباطبایی دلبستگی شدیدی به استقلال و توسعه علمی کشور داشت. روح استقلال خواهی و ملی طباطبایی بود که به روایت سید محمد صادق طباطبایی پس از حادثه تخریب مجلس و پستی از دستگیری به طباطبایی و بهمانی پیشنهاد شد که به سفارت آمریکا پناهنده شوند تا در امان بمانند اما آن دو گفتند نمی‌رویم زیرا این عمل در شأن ما نیست.

نکته قابل ذکر دیگر در زندگی طباطبایی عضویت احتمالی وی در یکی از لژهای فراماسونی است به گفته اسماعیل رائین (۱۷۰۱۲)، (۲۵۱) سید محمد صادق طباطبایی ادعا کرده است که «من و پدرم در جریان انقلاب مشروطیت وارد لژ فراماسونی شدیم اما پس از انقلاب ناگهان احساس کردیم که دست انگلیس از آستین لژ فراماسونی فرانسه درآمده و قصد کشور ما را دارد بلافاصله پدرم و من از لژ خارج شدیم».

منابع: ایندولوژی مشروطیت، آدمیت؛ شرح حال رجال ایران، بامداد؛ تاریخ احزاب سیاسی ایران، بهار؛ زندگی طوفانی، تقی زاده به کوشش افشار؛ مقالات تاریخی، به کوشش ایرج افشار؛ فرهنگ رجال قاجار؛ ترجمه میرزا صالح؛ تشیع و مشروطیت در ایران، حائری؛ خاطرات، سیاح؛ خاطرات و اسناد ظهیرالدوله؛ عین الدوله و رژیم مشروطه، مهدی داوری؛ خیات یحیی، دولت آبادی؛ فراموشخانه و فراماسونری در ایران، اسماعیل رائین؛ نه نفر پیشاز، صفائی؛ رهبران مشروطه، صفایی؛ یادداشت های منتشر نشده (خاطرات)، خاطرات من، اعظام قدس؛ کتاب آبی، به کوشش احمد بشیری؛ تاریخ مشروطه ایران، کسروی؛ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ملکزاده؛ تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی؛ فتح تهران، نوائی؛ دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم، نوائی؛ تشبیه راه آزادی، یغمایی.

طباطبایی، سید محمد حسین، حکیم و مفسر بزرگ قرآن. به سال ۱۲۸۱ ش در خانواده‌ای اهل علم در تبریز دیده به جهان گشود. وی بعد از طی مراحل ابتدایی تحصیل در ۱۳۰۴ ش عازم حوزه علمیه نجف شده و در محضر اساتید بنام آن روزگار چون: نائینی، اصفهانی و کمبانی نزدیک به هشت سال به تحصیل و تکمیل علوم عقلی و عرفانی اشتغال ورزید. علامه طباطبایی خود در زندگینامه‌اش می‌نویسد: «در فلسفه نیز به درس حکیم و فیلسوف معروف وقت مرحوم آقا سید حسین بادکوبه‌ای موفق شدم. در ظرف شش سال که نزد معظم له تلمذ کردم، منظومه سبزواری و اسفار و مشاعر ملاصدرا و دوره بوعلی و کتاب انولوجیا و تمهید

پس از به توب بستن مجلس و تعطیل آن طباطبایی و بهبهانی به یارک امین الدوله پناه بردند اما به زودی دستگیر و مورد توهین و ضرب و شتم شدید قرار گرفتند. آن دو را نزد شاه در باغ شاه بردند. پس از چند روز حبس در آنجا، بهبهانی را به عراق تبعید کردند و طباطبایی، با وساطت زن محمدعلی شاه که دختر کامران میرزا نایب السلطنه بود، به ونک تبعید شد. اما وی پس از چندی به مشهد رفت. او در مشهد از آزار استبدادیان و مأموران محمدعلی شاه در امان نبود و از این رو درب خانه خود را به روی همگان بست. با این همه، کوشش‌های مردم خراسان بر ضد شاه را با طباطبایی مرتبط نمی‌دانستند. در این دوران، که به استبداد صغیر شهرت یافته است، شیخ فضل اله نوری با نفوذترین روحانی تهران بود که سرسختانه از شاه حمایت می‌کرد. زمانی که مبارزات مردم ایران بر ضد محمدعلی شاه به ثمر رسید و شهر مشهد کم و بیش در اختیار مردم قرار گرفت، مردم و مجاهدان به منزل طباطبایی رفته و او را، در حالیکه تفنگ بر دوش نهاده بود، از خیابانها عبور داده و به انجمن ایالتی بردند و در آنجا با ذکر رنجهایی که بر وی وارد آمده بود از او تجلیل کردند.

طباطبایی تا پایان مبارزه و چیرگی بر عوامل استبداد همواره مسلح بود و مردم را رهبری می‌کرد. در ششم رجب ۱۳۲۷ ق طباطبایی با ارسال تلگرافی به علمای مبارز تهران پیروزی بر محمدعلی شاه را از اعیاد بزرگ اسلامی شمرد و آن را تبریک گفت. پس از خلع محمدعلی شاه، طباطبایی به تهران بازگشت و مردم تا چند فرسخی شهر آمده واز وی استقبال گرم و شایسته‌ای به عمل آوردند.

پس از افتتاح مجلس دوم و ظهور شرایط جدید، طباطبایی نیز منزوی شد و از سیاست کناره گرفت. شاید یکی از دلایل این انزوا سردی او از رویدادهای پس از مشروطه باشد. او در خاطرات کوتاه خود که در سال ۱۳۲۹ ق نوشته است «مشروطه و مجلس درست شد ولی نه آنطور که من می‌خواستم» از سید عبدالله بهبهانی و شیخ فضل الله نوری گله کرده و گفته است کار را شیخ فضل الله و آقا سید عبدالله خراب کردند یکی به عنوان دشمنی و یکی به عنوان دوستی، خداوند از هر دو بیگذرد. طباطبایی در سال ۱۳۴۰ ق ۱۲۹۹ ش در ۸۲ سالگی در تهران درگذشت و در آرامگاه خانوادگی‌اش در حضرت عبدالعظیم مدفون شد. وی به گفته خود دارای سه دختر و چهار پسر بود

آیه الله طباطبایی را عموماً به نیکی و صلاح ستوده‌اند. او در مقابله با روحانیون دیگر (بخصوص بهبهانی) دو ویژگی ممتاز داشت: یکی این که با دنیای جدید و مبانی و لوازم مشروطیت

01 Mayıs 2019

MADDE YAKIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

2628 ALI, Aun Hasan. Discourse on 'ilm al-wağ' in
modern Şih'i scholarship: some notes. *Islamic
Studies*, 50 iii-iv (2011) pp. 325-345. Presents the
views of two influential 20th century Imāmīte
scholars on the origin of language: Muḥammad Bāqir
al-Şadr & Muḥammad Ḥusayn Ṭabāṭabā'i.

Tabatabaee Uluh His
131248

2826 GÖSKEN, Urs. *Kritik der westlichen Philosophie in Iran: zum geistesgeschichtlichen Selbstverständnis von Muhammad Husayn Tabātabā'i und Murtażā Muṭahharī*. Berlin: De Gruyter, 2014 (Welten des Islams - Worlds of Islam - Mondes de l'Islam, 6). 485 pp. Examines the critical engagement of Muhammad Husayn Tabātabā'i (1903-1981) and Murtażā Muṭahharī (1920-1979) with Western philosophical thought and describes the impact of their ideas on pre-revolutionary Iranian thinking.

Mutahharī
Murtażā
133287
Tabataba'i u. Murtażā
191248

01 Mayıs 2018

MADE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

1744 RIZVI, Sajjad H. & BDAIWI, Ahab. 'Allāma
Tabātabā'ī (d. 1981), *Nihāyat al-hikma: The Oxford
handbook of Islamic philosophy*. Ed. Khaled
El-Rouayheb and Sabine Schmidtke. Oxford: Oxford
University Press, 2016, pp. 654-675.

Tabataba'i 12. leh 4.
191248

21 Kasım 2017

TABĀTABĀĪ, Muhammed Hüseyin**Madde Yayınlandıktan Sonra Gelen Doküman****03.05.2017**

Tabātabā'ī, Muhammad Husa[y]n

Der Qur'an im Islam .-- M-haditec, Bremen, 2009 :

Qur'ān & Quranic studies / Koran / Kuran / Qoran / Coran

Madde Yayınlandıktan Sonra Gelen Doküman**03.05.2017**

Tabatabai, Shahla

Drawing the mathematical curves of the Qur'an and comparing them with Tafsir al-mizān .-- Sadra Islamic Philosophy Research Institute (SIPRI), Tehran, 2001 : Islam-West philosophical dialogue. The papers presented at the World Congress on Mulla Sadra (May, 1999, Tehran). Vol. 10: Eschatology, exegesis, Hadith , pp. 485-504,

Qur'ān & Quranic studies / Koran / Kuran / Qoran / Coran | Mathematics

Oumid, Mas'oud

A comparative study of the epistemology of Suhrawardi and Allamah Tabataba'i .-- 2003 ISSN: 0267-968X : Al-Tawhid: A Quarterly Journal of Islamic Thought and Culture, vol. 17 iii pp. 46-75, (2003)

Suhrawardi al-Maqtul, Yahyá b. Habash al-; Suhrawardi, Shihab al-Din Yahyá; Tabataba'i, Muhammad Husayn

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

04 Aralık 2016

2802 RANJBAR, Farhad & ESLAM, Mahdi. Philosophy
Tabatabai Moh. Hos. of education from the perspective of Allameh Seyyed
131248 Mohammad Hossein Tabatabai and Morteza
Motahari. *Asian Journal of Research in Social
Sciences and Humanities*, 4 xi (2014) pp. 295-300.

191248

- 424 AKBARIAN, Reza & MOMENI, Nona. 'Allamah Tabataba'i on intuitive knowledge of the self and its consequences in practical wisdom. *Journal of Shi'a Islamic Studies*, 4 iii (2011) pp.265-282. [Sayyid Muhammad Husayn Tabātabā'i, d.1981.]

Tabataba'i

191248

- 443 MEDOFF, Louis. The proof of the veracious: an exposition based on 'Allamah Tabataba'i's *Nihayat al-hikmah*. *Journal of Shi'a Islamic Studies*, 7 ii (2011) pp.183-197.

Tabataba'i

YAYIMLANDIKTAN
ADDE YAYIMLANDIKTAN
DA GELEN DOKÜMAN

KLAUSING, Kathrin. Two twentieth-century *ibn Azur Mikh. Tolun*
exegetes between traditional scholarship and modern
thought: gender concepts in the *tafsirs* of Muḥammad 030173
Husayn Ṭabāṭabā'ī and al-Ṭāhir ibn 'Āshūr. *Tafsīr*
and Islamic intellectual history: exploring the *Ṭabakāt Mikh. Hüs-*
boundaries of a genre. Ed. Andreas Görke and
Johanna Pink. Oxford: Oxford University Press, in 131248
association with the Institute of Ismaili Studies,
London, 2014, (Qur'anic Studies Series, 12),
pp. 419-440.

27 Aralık 2015

things is associated in the mind with the idea of the other repeatedly or coincidentally, then a relationship arises between them and one idea becomes a reason for the mind to conjure the other. The example that Ṣadr uses to illustrate this principle resembles Plato's Recollection Argument in the *Phaedo*.

Well, you know what happens to lovers when they see a musical instrument or a piece of clothing or any other private property of the person whom they love. When they recognize the thing, their minds conjure up a picture of its owner. That is recollection. In the same way the sight of Simmias often reminds one of Cebes, and of course, there are thousands of other examples.

Yes, of course there are, said Simmias.

So by recollection we mean the sort of experience which I have just described, especially when it happens with reference to things which we had not seen for such a long time that we had forgotten them.

Quite so.

Well, then, is it possible for a person who sees a picture of a horse or a musical instrument to be reminded of a person, or for someone who sees a picture of Simmias to be reminded of Cebes?

Perfectly.

And is it possible for someone who sees a portrait of Simmias to be reminded of Simmias himself?

Yes, it is.

Does it not follow from all this that recollection may be caused either by similar or by dissimilar objects?

Yes, it does.³¹

Similar to this passage from the *Phaedo*, Ṣadr illustrates the principle of association with the example of two friends who are always together. The problem is that the *Phaedo* isn't about language. The Recollection Argument is adduced to prove the pre-existence of the soul. Nonetheless, Ṣadr did state that his solution to the question of the origin of language is based on a *general law of the human mind*. So, perhaps the fact that the contexts are different isn't such a big problem after all. The rest of Ṣadr's argument is about the ways in which expressions come to be associated with meanings. In the end, he is on the side of conventionalism.

Muḥammad Husayn Ṭabāṭabā'ī (d. 1981)

Ṭabāṭabā'ī is remembered as a *mufasssīr* and a *ḥakīm* in the line of Mullā Ṣadra.³² He is the author of two notable works on *ḥikmah*: *Bidāyat al-Ḥikmah*

³¹ Plato, *Phaedo*, tr. Hugh Tredennick, in *The Collected Dialogues of Plato*, eds. Edith Hamilton and Huntington Cairns (Princeton: Princeton University Press, 1961), 56.

and *Nihāyat al-Ḥikmah*. His most influential work is a twenty-two volume *tafsīr* titled *al-Mizān fī Tafsīr al-Qur'ān*, which he wrote between 1954 and 1972.³³ The popularity of *al-Mizān* among ulema and laity alike has turned it into a new classic, to be mentioned alongside great Imāmite commentaries like Shaykh al-Ṭā'ifāh Abū Ja'far Muḥammad b. al-Ḥasan al-Ṭūsī's (d. 460/1067) *al-Tibyān* and al-Faḍl b. al-Ḥasan al-Ṭabṛasī's (d. 548/1153) *Majma' al-Bayān*.³⁴ Ṭabāṭabā'ī's main hermeneutic principle in *al-Mizān* is "interpreting the Qur'ān by the Qur'ān."³⁵

Ṭabāṭabā'ī's commentary on al-Baqarah 31

Ḥillī mentioned that "a group" holds that languages are imparted (*tawqīfiyya*) based on al-Baqarah 31 and al-Rūm 22, by which he meant Ash'arites. Al-Baqarah 31, then, is one of two key proof-texts supporting an intellectual position that Imāmites stand against. In this part of the paper I examine how a near-contemporary *mufasssīr*, Muḥammad Husayn Ṭabāṭabā'ī, deals with al-Baqarah 31. For Ṭabāṭabā'ī al-Baqarah 30-33 is mainly about *ḫilāfah* on Earth. Accordingly, his explanation of the significance of al-Baqarah 31 revolves around *ḫilāfah* on Earth and man's latent greatness. Both are important to Shi'ī and Akhbarian lines of thinking about the Imām and *al-insān al-kāmil* respectively.³⁶ Nonetheless, Ṭabāṭabā'ī's commentary exhibits an awareness of the centrality of al-Baqarah 31 to the caricature of the Ash'arite stance on *wad'* in Imāmite *'ilm uṣūl al-fiqh*. Ṭabāṭabā'ī's commentary is aimed at disengaging al-Baqarah 31 from the discourse on *wad'*.

Ṭabāṭabā'ī states that God taught Adam the names in response to the angels' confusion over why God had chosen to create a deputy on Earth in the first place. According to Ṭabāṭabā'ī, a deputy (*ḫalīfah*), by definition, should be similar to the one who appointed him (*mustakhlif*) in every respect.³⁷ But an earthling is prone to evil by his very nature, so how could he possibly

³² Moojan Momen, *An Introduction to Shi'ī Islam* (New Haven and London: Yale University Press, 1985), 218. This gross anachronism is yet to be corrected in secondary sources. To his credit, however, Hamid Algar paints a much more viable picture of Ṭabāṭabā'ī in which he shows him to be a man of his time, affected by the upheaval of the 20th century, particularly nationalism. Hamid Algar, "Allāma Sayyid Muḥammad Husayn Ṭabāṭabā'ī: Philosopher, Exegete, and Gnostic," *Journal of Islamic Studies* 17: 3 (2006), 326-351.

³³ Algar, "Ṭabāṭabā'ī," 338.

³⁴ Momen, *Shi'ī Islam*, 173.

³⁵ Algar, "Ṭabāṭabā'ī," 339.

³⁶ Jaafar Sheikh Idris, "Is Man the Viceregent of God?," *Journal of Islamic Studies* 1(1990), 105. Idris refers to specific passages in Ibn al-'Arabī's *Fuṣūṣ al-Ḥikmah*.

³⁷ Muḥammad Husayn al-Ṭabāṭabā'ī, *al-Mizān fī Tafsīr al-Qur'ān* (Beirut: Mu'assasat al-A'lā li 'l-Matbū'āt, 1422/2002), 1: 118.

texts, an approach that often relied on allegory to make sense of what was written. One of the crucial aspects of his treatment is the very serious attitude to grammatical issues, and these serve as important indicators of older uses of Arabic. Naturally, while the work has been used as a paradigm for future works, it has also been much criticized. What has on the whole been accepted is its general hermeneutical approach, that in order to understand the Qur'an it is important to investigate the precise meaning of the terms, the traditional sayings about those terms, and the variety of views and interpretations that have accrued in the literature.

BIBLIOGRAPHY

The History of al-Tabari, General Introduction and From the Creation to the Flood, trans. F. Rosenthal, Albany, NY: State University of New York Press, 1989.

Further Reading

Cooper, J. (ed.), *The Commentary on the Qur'an by Abu Ja'far Muhammad b. Jarir al-Tabari*, Oxford: Oxford University Press, 1987.

Gilliot, C., *Exégèse, langue et théologie en Islam. L'exégèse coranique de Tabari (m. 311/923)*, Paris: J. Vrin, 1990.

McAuliffe, J. D., *Qur'anic Christians; An Analysis of Classical and Modern Exegesis*, Cambridge: Cambridge University Press, 1991.

OLIVER LEAMAN

TABATABA'I, 'Allamah Sayyid Muhammad Husayn (1321–1402/1904–81)

Widely recognized as being one of the most important and influential figures of Islamic philosophy in Iran in the twentieth century, 'Allamah Tabataba'i was born in

Tabriz on 12 Dhu'l-Hijja 1321/March 17, 1904, into a family famous for producing three centuries of religious scholars. After studying Arabic and completing his religious education in Tabriz, in 1341/1923 he traveled to Najaf in Iraq, an important center of Shi'ite learning. While in Najaf he mastered the transmitted sciences, such as the Shari'a and the principles of jurisprudence, as well as the intellectual sciences such as mathematics and traditional Islamic philosophy. He furthered his education in Islamic philosophy under the tutelage of Sayyid Husayn Badkuba'i, the most renowned philosopher of the day, focusing on texts such as IBN SINA's *Kitab al-Shifa'*, MULLA SADRA'S *Asfar*, IBN TURKA'S *Tamhid al-qawa'id*, and SABZAWARI'S *Sharh-i Manzuma*. He also received private instruction in Islamic gnosis from Mirza 'Ali Qadi, who became Tabataba'i's spiritual guide, and under whom he studied texts such as IBN AL-'ARABI'S *Fusus al-hikam*.

Tabataba'i returned to Tabriz in 1353/1934 where he stayed for almost a decade, teaching a small number of disciples. With the outbreak of World War II and the subsequent Russian occupation of Tabriz, Tabataba'i migrated to Qum in 1364/1945. Qum, then as now, remains a great center of learning for religious studies in Iran. He began teaching in Qum shortly after his arrival, concentrating on Qur'anic commentary as well as traditional Islamic philosophy and gnosis.

While in Qum he made frequent visits to Tehran, journeying there every other week for some thirty years. In the aftermath of the war, Marxism began to make inroads in Tehran. In response to this development, Tabataba'i studied Marxism's philosophical bases and engaged Marxist intellectuals in debate. These debates led to his first important work, *Usul-i falsafa wa rawish-i ri'alism* (The Principles of Philosophy and the Method of Realism). As a comparative study of traditional Islamic philosophy

191248

TABÂTABÂÎ, Muhammed Hüseyin

-
- 1 YASİN APAYDIN, Muhammed Hüseyin Tabâtabâî'de varlık kavramı, İstanbul Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2010

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

21 Nisan 2016

Aydın, Salih

Tabatabaî Meh. His-131248

Tabatabâî'de Felsefî ve Mantıkî Kavramların Tasavvurât Temelli Ayrımı,
Atatürk Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi [Atatürk Üniversitesi İslâmî
İlimler Fakültesi Dergisi] [İİFD] [EAÜİFD], 2015, sayı: 43, s. 156-173



فصلنامه اسناد، مطبوعات و متون
دوره دوم، سال چهارم، شماره چهاردهم، زمستان ۱۳۹۰

صاحب امتیاز: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

مدیر مسئول و سردبیر: رسول جعفریان

مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: کاظم آل رضا امیری

مدیر هنری: رضا سفیدکوهی

ویراستاران: مرضیه راغبیان، صفورا فضل‌اللهی

حروفچینی: آذر سرخانی

لیتوگرافی: نقره‌آبی

چاپ جلد و متن: نقره‌آبی

ناظر چاپ: نیکی ایوبی‌زاده

مقالات مندرج در پیام بهارستان، مبین آرای نویسندگان آنهاست

پیام بهارستان در ویرایش مطالب آزاد است

استفاده از مطالب پیام بهارستان با ذکر منبع آزاد است

نشانی: تهران - میدان بهارستان - کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

کدپستی: ۱۱۵۷۶۱۳۴۱۱

تلفن: ۰۲۱-۳۳۱۳۷۸۰۳

دورنگار: ۰۲۱-۳۳۱۲۹۳۸۵

سایت: www.Ical.ir

ایمیل: Payam@ical.ir

۵۳۶۳۲



Tabataba'i Muh. M.
۱۳۱۲۴
Tabataba'i Seyyid Muh.
۱۳۱۴۲۶

شجره خاندان طباطبایی دیبا

به کوشش هادی هاشمیان

علم انساب و شجره‌نامه شناسی یکی از شاخه‌های تاریخ نگاری محلی می‌باشد که از گذشته دور در کشور ما وجود داشته و علما و دانشمندان زیادی از طریق روشهای خاص خود سعی نموده‌اند که تاریخچه و شرح حال خاندان‌های مختلف را شناسایی و به رشته تحریر در آورند. این رشته بعدها تطورات یافت و به شاخه‌های متعددی مانند: علم انساب که در بردارنده نسب قبایل و سلسله‌های محلی است، علم حدیث که در برگیرنده زندگینامه محدثان است، مزارات که در خصوص مدفن بزرگان است، تذکره‌ها و ... تقسیم گشت. شجره‌ها و انساب قدیمی، بمثابة جریانی پویا در گسترده تاریخند که با معرفی چهره‌های برجسته فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در مقاطع مختلف، توانسته‌اند، ردپائی را در گذشت قهرآمیز زمان بر جای گذاشته و سنت دیرینه آن را که همانا به فراموشی سپردن است، بشکنند. شاید مهم‌ترین ویژگی شخصیت‌های برجسته در قرون و اعصار این بوده که آنان برخلاف مردم عامی که از محیط تأثیری می‌پذیرند، همواره با علم و تدبیر و هنر و مجاهدت خویش، محیط را متأثر ساخته‌اند و آینه زمان نیز، نام و یادى از آنان به نسل‌های آتی منعکس نموده است. هر چند که همه انساب صاحب نام در تاریخ، دوام نیافته و در برهه‌ای دچار انحطاط و زوال گردیده‌اند، ولی برخی از آنها علیرغم حوادث و تحولات اجتماعی تاکنون دوام یافته‌اند. مضافاً افرادی بنام نساب در تاریخ بوده‌اند که اهتمام وافری در حفظ سلسله نسب افراد داشته و کار نسب‌نامه نویسی را تا حدود زیادی آسان نموده‌اند.

سادات طباطبائی، در هر کجا که هستند، همگی از اعقاب ابراهیم بن اسمعیل الدیباج بن ابراهیم العمر بن الحسین المثنی بن الامام ابی محمدالحسن بن علی بن ابیطالب، علیهم‌السلام، معروف به ابراهیم طباطبائی و یا ابراهیم طباطبا می‌باشند.

"علامه طباطبائی" . اعتصام ، ش ۱۹ (آبان ۱۳۶۲) : ص ۱۶ - ۱۷ ، ۱۸ .

۳۳۰۶ TABATABAI, MUHAMMAD HUSEYN

19 OCAK 1994

۲۲۱۷ " سیره آموزنده این حکیم الهی (علامه طباطبائی) سیرره قرآنی ونور بود" . نگهبان انقلاب اسلامی ، ش ۷۸ (۲۰ آبان ۱۳۶۱) : ص ۱ ، ۲ ، ۳ .

TABATABAI, MUHAMMAD HUSEYN

گفتگو با آیت الله جوادی آملی بمناسبت سالگرد رحلت علامه طباطبائی .

۲۲۱۸ " علامه طباطبائی اسوه علم وتقوی" . پیام انقلاب ، سال ۳ ، ش ۷۱ (۲۲ آبان ۱۳۶۱) : ص ۱۰ - ۱۲ .

بمناسبت سالگرد رحلت علامه طباطبائی .

۲۲۱۹ " مروری بر شخصیت استاد علامه طباطبائی" . پیام انقلاب ، سال ۳ ، ش ۷۱ (۲۲ آبان ۱۳۶۱) : ص ۱۳ - ۱۷ ، ۲۵ ، ۵۸ .

مباحثه با حجت الاسلام ابراهیم امینی پیرامون خصوصیات مرحوم استاد علامه طباطبائی .

19 OCAK 1994

TABATABAI, Muhammad Huseyn

Ir-P-84-932150

Tabātabā'i, Muhammad Husayn, 1903 or 4- (Khalqat va khilāfat-i Ādam dar al-Mizān)

خلقت و خلافت آدم در المیزان / تألیف ، محمد حسین طباطبائی ؛ گزینش ، شمس الدین ربیع .

تهران : انتشارات نور فاطمه ، ۱۳۶۱ ، ۱۹۸۲ .

143 p. ; 22 cm. — (با علامه در قرآن ؛ ۱)

In Persian.

Series romanized: Bā 'allāmah dar Qur'ān.

Includes bibliographical references.

120.00IR (pbk.)

(On the creation of Adam and his prophethood in the light of the Koran and Hadith (Islamic traditions); Shia viewpoint)

Ir-P-84-932103

Tabātabā'i, Muhammad Husayn, 1903 or 4- (Mihir-i tābān)

مهر تابان : یادنامه و مصاحبات تلویزیونی و

علامه : عالم ربانی علامه سید محمد حسین طباطبائی

تبریزی / تألیف محمد حسین حسینی طهرانی .

Tehran : انتشارات باقر العلوم ، ۱۹۷۷-۱۹۷۸ .

311 p. ; 24 cm. — (دوره علوم و معارف اسلامی ؛ ۴)

In Persian.

Series romanized: Dawrah-i 'ulūm va ma'ārif-i Islāmī.

Includes bibliographical references.

320.00IR (pbk.)

For requesting libraries only.

(Discourses on different Islamic beliefs, Shiite

interpretation, with special reference to the Koran)

19 OCAK 1994

536. TABĀTABĀ'I, 'Allāma Seyyed Moḥammad Huseyn (1903-1981) *Le Chiisme dans l'Islam*; traduction française de l'ouvrage en persan *Sīe dar Eslām*, par Moḥsen Khalijī, édité par l'Organisation pour la Propagande Islamique, B.P. 2782, Tehrān; 1983.

La traduction est précédée d'une biographie de l'auteur présentée par le traducteur. Le texte du livre comprend 180 pages. Chaque chapitre est suivi de notes dont certaines sont de l'éditeur. L'index alphabétique se trouve dans les huit dernières pages de la traduction.

L'introduction de l'éditeur précise que le livre a été traduit et édité en anglais. Il importe de remarquer ces mots dans l'avant-propos de l'éditeur: «L'Occident n'a jamais contacté,

avant l'ère moderne, le monde chi'ite ...» L'éditeur ajoute: «L'un des stratagèmes de l'impérialisme a été d'avoir recours aux différends du chi'isme et du sunnisme, et aux critiques sans fondement que l'on attribue au chi'isme. Par cette ruse on veut faire obstacle à l'unité de la communauté musulmane et au progrès envahissant de la Révolution Islamique». Cette traduction permettra aux islamologues francophones qui ne connaissent pas le persan de s'informer du chi'isme tel qu'exposé par un auteur qualifié de notre siècle. Elle leur permettra aussi de s'informer sur la présentation chi'ite des faits des premières années de l'Islam. Cette présentation est le fondement même de l'attitude chi'ite si insuffisamment connue non seulement en Occident, mais aussi dans le Maghreb. R. F. *Abst. Ir. v. 11, 151-152, 1984, Leiden*

Tabātabā'i, Muhammad Huseyn

86-930047

Tabātabā'i, Muhammad Husayn, 1903 or 4- (Bar'asāhā-yi Islāmī : shāmil-i majmū'ah-i maqālāt va rasā'il / Muḥammad Husayn Tabātabā'i; bī-kūhshāh, Ḥādī Khusravshāhī. — Qum : Daftar-i Tablighāt-i Islāmī, Ḥawzah-'i 'Ilmiyah, [1975?]-[1976?])

3 v. ; 22 cm.

In Persian; romanized record.

Imprint varies.

Introd. v. 1 dated: 1395.

620.00IR (pbk.) per set.

(On Islam; Shiite interpretation)

86-930102

Tabātabā'i, Muhammad Husayn, 1903 or 4- (Farāz'hā'i az Islām / Muḥammad Husayn Tabātabā'i; jam' āvarī va tanzīm az Mahdī Āyat Allāhī. — Tehrān : Jahān Ārā, [198-])

333 p. ; 21 cm.

In Persian; romanized record.

200.00IR (pbk.)

For requesting libraries only.

(Islamic teachings and their relevance to modern times; Shiite interpretation; articles)

86-930649

Tabātabā'i, Muhammad Husayn, 1903 or 4- (Ḥayāt-i pas az marḡ / ta'ālīf, Muḥammad Husayn Tabātabā'i; mutarjiman, Mahdī Nabavī, ḡādiq Amīlī Lārījānī. — Tehrān : Intishārāt-i Nūr-i Fātimah, 1361 [1982])

121 p. ; 22 cm.

In Persian; romanized record.

110.00IR (pbk.)

For requesting libraries only.

(On life after death as enunciated in the Koran)

Y6-930106

Tabātabā'i, Muhammad Husayn, 1903 or 4- (Shī'ah dar Islām / Muḥammad Husayn Tabātabā'i. — Qum : Daftar-i Tablighāt-i Islāmī, Ḥawzah-'i 'Ilmiyah, 1348 [1969 or 1970])

160 p. ; 24 cm.

In Persian; romanized record.

Includes bibliographical references.

120.00IR (pbk.)

For requesting libraries only.

(On the Shia sect of Islam; historical study)

535. TABĀTABĀ'I, 'Allāma Sayyed Moḥammad Hosain (1903-1981): *Islām mēn Qor'ān*, Traduction en ordu par Šāhed Čaudhri de l'ouvrage en persan *Qor'ān dar Eslām*, publiée en 5000 exemplaires par le Centre des Études et de Recherches du Ministère de la Culture et de l'Enseignement Supérieur à Tehrān; 133 p., 23 x 16 cm, nov. 1983.

L'introduction comporte trois pages en langue ordu de biographie de M. H. Tabātabā'i (avec mention spéciale de son ouvrage *al-Mizān*, c.-à-d. le commentaire en langue arabe du Coran en 30 vol. publié à Beyrouth).

Cette traduction, destinée à être distribuée au Pakistan et dans l'Inde, prouve la convergence de la plus large partie des points de vue des Chiites duodécimains et des Sunnites sur la place du Livre Saint dans l'Islam. Les lecteurs en langue ordu liront avec intérêt le rôle des commentateurs classiques chiites du Coran (Chap. 2, Sect. 17). Le commentaire du Coran doit se faire sur la base du Coran même et des dires du Prophète, c.-à-d. des «*Ḥādīth*» authentifiés par les transmissions répétées et suivies (*axbār motawāter*). Telle est aussi la position des Sunnites. Pour les commentateurs chiites cependant, ce sont les «*Ḥādīth*» auxquels ont eu recours les Imāms de la Famille (*a'emma ahl-e bayt*) qui constituent les bases sûres de l'exégèse coranique. (Chap. 2, Sect. 19)

«L'Imam 'Alī ne s'est jamais opposé aux efforts des trois Califes qui l'ont précédé, dans la compilation de l'ensemble du texte du Coran transcrit à partir des fragments conservés, si bien que les Sunnites et les Chiites ont un même Coran». (Chap 5, Sect. 8).

Cette traduction aura donc un effet positif pour une meilleure compréhension entre Sunnites et Chiites dans le sous-continent indo-pakistanaï. R. F. *Abst. Ir. 7, 1151, 1986, Leiden*

27 KASIM 1993

Tabataba'i, Muhammad Huseyn

18 EKIM 1996

18 EKIM 1996

۲۲۲۸ TABATABA'I, MUHAMMAD HUSEYIN فولادی، علیرضا. "مجموعه‌ی کامل شعرهای استاد علامه سید محمد حسین طباطبائی قدس سره". اطلاعات (۲۰ آبان ۱۳۶۴): ص ۱۱ گلچرخ، ش ۶.

19 OCAK 1994

۲۲۸۵ "علامه طباطبائی سالک مجذوب". آئینده بازان، سال ۴، ش ۱۳۳ (۲۰ آبان ۱۳۶۲): ص ۸-۱۱، ۴۹. صاحبیه بیت الله جوادی آملی درباره شخصیت علامه طباطبائی در ابعاد مختلف علوم و معارف اسلامی و آثار ایشان.

19 OCAK 1994

۱۱۸۹ "هدف از آفرینش". پاسدار اسلام، ش ۳۵ (آبان ۱۳۶۳): ص ۱۱-۱۳. بحثی از آیت الله علامه طباطبائی.

19 OCAK 1994

۱۶۴۴ "فلسفه". مجله علمی علامه، ش ۵ (آبان ۱۳۶۳): ص ۵۰-۵۳. برگزیده‌های از نظریات شهید مطهری و علامه طباطبائی.

19 OCAK 1994

۲۲۲۴ "خیرکثیر". جمهوری اسلامی (۲۴ آبان ۱۳۶۱): ص ۱۰-۱۲. به مناسبت سالگرد شهادت علامه طباطبائی و تفکرات اسلامی ایشان.

19 OCAK 1994

۱۹۲۵ "علامه طباطبائی و نقش ایشان در تبیین فلسفه اسلامی". اطلاعات (۱۷ آذر ۱۳۶۲): ص ۱۸.

19 OCAK 1994

۲۹۹ دانشمندان اسلامی
۲۲۵۰ "کلیات زندگی علامه طباطبائی". بیک نفت، ش ۱۷۴ (نیمه دوم آبان ۱۳۶۱): ص ۲۲۰۸.
۲۲۵۱ "خورشید را به تفسیر نشسته است...". اطلاعات هفتگی، ش ۲۱۱۶ (۲۶ آبان ۱۳۶۱): ص ۱۰-۱۱، ۶۱.
گفتگوی حاجت الاسلام استاد حسن زاده آملی درباره شخصیت علامه طباطبائی.

19 OCAK 1994

2853. Husaini Tihrani, Muhammad Husain: Mihr-i taban: yadnama wa musahabat-i tilmid wa 'allama-i 'alim-i rabbani-i 'allama Sayyid Muhammad Husain Tabataba'i Tabrizi / ta'rif-i Muhammad Husain Husaini Tihrani. - [S.l.]: Intisarat-i Baqir al-'Ulum, [circa 1988]. - 311 S. : Ill. - (Daura-i 'ulum wa ma'arif-i islām; 4)
In arab. Schr., pers.

Tabataba'i Muhammad Husayn

03 HAZIRAN 1996

2966 TABATABA'I, Sayyid Muhammad Husayn, 'Bidayat Al-Hikmah: The Elements of Muslim Metaphysics, Part 4'. Al-Tawhid (Tehran), 9:3, 1992, pp.93-112

18 EYLUL 1994

2967 TABATABA'I, Sayyid Muhammad Husayn, 'Bidayat Al-Hikmah: The Elements of Muslim Metaphysics, Part 5'. Al-Tawhid (Tehran, Iran), 9:4, 1992, pp.101-12

18 EYLUL 1994

15 ARALIK 1998

151 LEGENHAUSEN, Muhammad. 'Allamah Tabataba'i and contemporary philosophical theology. Hikmat, 1 iii (1996) pp.397-411

Tabataba'i Muhammad Husayn

طباطبائی، محمدحسین. "برخوردا سلام با مسئله بردگی". پاسدار اسلام، ش ۲۲ (مهر ۱۳۶۲): ص ۱۱-۱۳.

۱۴۷۷
TABATABAÏ,
MUHAMMED HUSSEIN

19 OCAK 1994

موسوی کافی، سیدرضا

۷۹۴۷- «سبک علامه طباطبائی در

نقد آراء مفسران»، پژوهش‌های قرآنی، پیاپی ۳۴، ص ۱۵۸-۱۷۱، فارسی، کتابنامه: ۱۷۰-۱۷۱.

کد پارسا: ۸۷۶۶۱۱

تفسیر المیزان؛ روش تفسیری علامه طباطبائی (شخصیت‌شناسی)

این نوشتار به بررسی گونه‌های مختلف نقد آراء تفسیری دیگر مفسران در تفسیر المیزان پرداخته است. نویسنده نقدهای المیزان را بر سایر تفاسیر در ضمن دو دسته بررسی کرده است: ۱- نقدهایی که در ارتباط با قرآن و سنت هستند؛ ۲- نقدهای مربوط به ابزار و مقدمات تفسیر. در دسته نخست، اشکالاتی مانند ناسازگاری این تفاسیر با ظاهر آیات، سیاق آیه، صدر و ذیل آیه، اسلوب قرآن و اسلوب ادب عربی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در دسته دوم، مواردی چون بهره‌جویی از قواعد نحوی، تاریخ قرآن، شناخت مکی و مدنی بودن سوره و آیات قرآنی، مطلق انگاری علوم تجربی، مغایرت با ضرورت دین و اصول عقلایی به عنوان نقدهایی بر سایر مفسران از طرف تفسیر المیزان ارائه می‌گردد که با ذکر نمونه‌هایی در هر مورد همراه می‌باشد.

24 Eylül 2009

"علامه طباطبائی، ستاره‌یی که در آسمان فلسفه ایران درخشید". اطلاعات هفتگی، ش ۲۱۶۵ (۲۵ آبان - ۲ آذر ۱۳۶۲): ص ۲۲-۲۳، ۴۶. زندگینامه علامه طباطبائی، شخصیت و مقام وی از زبان شاگردانش استاد شهید مطهری و آیت‌الله... بهشتی.

۱۹۳۳
TABATABAÏ,
MUHAMMED HUSSEIN

19 OCAK 1994

همتی، همایون. "فلسفه از دیدگاه علامه طباطبائی". دانشگاه انقلاب، ش ۲۳ (۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۲): ص ۲۲-۲۳، ۵۱، ۵۰.

۱۶۶۸
TABATABAÏ,
MUHAMMED HUSSEIN

"شرخی بر نه‌ایه الحکم علامه طباطبائی". دانشگاه انقلاب، ش ۲۴ (خرداد ۱۳۶۲): ص ۲۶-۲۷، ۶۸، ۶۹.

۱۶۶۹

فلسفه از دیدگاه علامه طباطبائی.

19 OCAK 1994

پورحسن، قاسم (ناقد و توصیف‌کننده)

۷۸۰۰- «پیش ادراک‌های علامه

طباطبائی در تفسیر»، پژوهش دینی، پیاپی ۵

ص ۶۵-۸۱، فارسی، کتابنامه: ۸۰-۸۱ و به صورت زیر نویس.

کد پارسا: ۸۷۰۳۰۴

عنوان متن نقد شده:

المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبائی، سید محمدحسین

پیش فرض‌های تفسیر

حسینی، کاظم. "دردنیا هر چیزی دارای استعداد است". اطلاعات (۷ دی ۱۳۶۲): ص ۱۷. توشه‌ای از کتاب "حیات پس از مرگ علامه محمدحسین طباطبائی".

۱۹۶۶

TABATABAÏ,
MUHAMMED HUSSEIN

19 OCAK 1994

قاضی طباطبائی، محمدعلی. "فضیلت صلوات بر رسول اکرم (ص) و اولاد طاهرینش". جمهوری اسلامی (۱۱ آبان ۱۳۶۱): ص ۸۰.

۱۸۸۹-TABATABAÏ,
MUHAMMED HUSSEIN
-SALİST

19 OCAK 1994

اردستانی، محمد علی

۷۴۷۱- «نظریه علامه طباطبائی

در مورد نفس الامر»، ذهن، پیاپی ۱۳،

ص ۲۳-۴۶، فارسی، کتابنامه: ۴۵-۴۶.

کد پارسا: ۸۷۶۶۵۵

نفس الامر؛ اندیشه‌های فلسفی علامه طباطبائی

(شخصیت‌شناسی)

مقاله حاضر به تحلیل مفهوم نفس الامر و قواعد فلسفی مربوط به آن از دیدگاه فلسفی علامه طباطبائی می‌پردازد. از دیدگاه نویسنده در کلام علامه طباطبائی، نفس الامر به دو معنای اخص و اعم اطلاق شده است. معنای اخص که در کلام او از آن به امور نفس الامریه تعبیر شده است، لوازم عقلی ماهیات می‌باشد که مفاهیم اعتباری آنها را در بر می‌گیرد. اما معنای اعم عبارت است از ثبوتی که اعم از ثبوت واقعی و ثبوت اعتباری است. حاصل آنکه طبق نظر علامه طباطبائی، این ثبوت عام و فراگیر که هم شامل وجودهای خارجی و احکام آنها است، و هم شامل ماهیات و احکام آنها می‌شود و هم مفاهیم انتزاعی فلسفی را در بر می‌گیرد، همان 'نفس الامر' می‌باشد.

"علامه طباطبائی اسوه علم و تقوی". پیام انقلاب، سال ۳، ش ۷۲ (۲۶ آذر ۱۳۶۱): ص ۵۱-۵۳.

۲۲۵۴

TABATABAÏ, MUHAMMED HUSSEIN

پیرامون زندگی و شخصیت و آثار ارزنده که استاد علامه طباطبائی از خود به یادگار گذاشتند.

حسینی، صدرا. "تکامل علمی مرحوم طباطبائی در سایه استمرار در عمل صالح بود". سروش، سال ۴، ش ۱۶۸ (۲۲ آبان ۱۳۶۱): ص ۳۲-۳۳.

۲۲۵۵

۰۳۳ (۲۹ آبان ۱۳۶۱): ص ۳۸-۳۹، ۶۲، ۶۳، ۱۷۰ (۲۶ آذر ۱۳۶۱): ص ۴۶-۴۷.

۰۵۹۴۷ (۱۷ آذر ۱۳۶۱): ص ۴۲-۴۳، ۵۹. مباحثه با استاد جوادی آملی پیرامون شخصیت و علم علامه طباطبائی.

19 OCAK 1994

17 ARALIK 1993

191248 228 TABATABAI, Allamah Syed Muham-
mad Hussein, 'Knowing God'. *Echo of Islam*
(Tehran), No.91, January 1992, pp.61-5

See also 166, 289, 383, 442, 460, 490, 1072,
1117, 1119, 1123, 1180, 1193

5 TEMMUZ 1996

2851. Dāwarī Ardakānī, Riḍā: Difā' az falsafa : adā-i ihtirām
bā dū ustād-i mu'āsir 'allāma Ṭabāṭabā'ī wa Sahīd Mutahharī
ba-munāsabat / Riḍā Dāwarī Ardakānī. - Čap 1. - [Tih-rān]:
Wizārat-i Farhang wa Iršād-i Islāmī, [1987] = 1366 h.š.
124 S.
In arab. Schr., pers. 9 E 1140

31 ARALIK 1993

191248 TABATABAI, Muhammad Husayn 090632 FAN SINA
5155. Husaini Ṭabāṭabā'ī, Muṣṭafa: Naqd-i arā'ī Ibn-Sinā
dar ilāhīyat / Muṣṭafa Ḥusaynī Ṭabāṭabā'ī. - Tih-rān. [1982]
= 1361 h.š. - 80 S.
Inhalt: Avicenna über die Religion. - In arab. Schrift, pers.
9 E 2014

-126

177. TABRESI VE TABATABAI'DE
İMAMIYE TEFSİRİ. M.
Kazım Yılmaz, Doktora
Tezi, Erzurum 1985, Dan.
: İsmail Cerrahoğlu,
Atatürk Üniversitesi,
Sosyal Bilimler Enstitüsü.

17 NISAN 1995

266 TABĀṬABĀ'Ī, Sayyid Muḥammad Husayn. Bidāyat
al-Ḥikmah: the elements of Muslim metaphysics. Part
9. Tr. Qarā'ī, 'Alī Qulī. *Al-Tawḥīd*, 11 i-ii (1994)
pp.165-184

16 NISAN 2001

020163 15 ARALIK 1998

1 86790 69
TABĀṬABĀ'Ī (Muḥammad al-
Abn Murṭadā Bahr al-'Ulūm al-).
- رجال السيد بحر العلوم
- الطائفة آية الله العظمى السيد محمد المهدي بحر العلوم
بحر العلوم ... حقه وعلق عليه محمد صادق بحر العلوم وحسين
بحر العلوم
- Najaf, Maḥabrat al-adab, 1385-86/1965-66. - 3 vol.
In-4°(25cm), 556+432+392 p. [Ech. int. 6348-49-84-69]
Riḡāl al-Sayyid --- 1 [4° o²g. 2133 (I-3)
.../

31 TEMMUZ 1993

2219 TABĀṬABĀ'Ī, MUHAMMAD
HUSEYİN
"تلاشی نو برای بازشناسی ویژگیهای میزان". اطلاعات (۱۰ آذر ۱۳۶۲):
ص ۲۰
درباره تفسیر میزان از علامه طباطبائی.

03 ARALIK 1993

1898 ASWARA
-NAMAZ
*TABĀṬABĀ'Ī,
MUHAMMAD HUSEYİN
"قاضي طباطبائي، محمد علي. "درسی از عاشورا". جمهوری اسلامی
(۱۱ آبان ۱۳۶۱): ص ۸.
درباره ثواب نماز بعنوان درسی از عاشورا.

1921 TABĀṬABĀ'Ī,
MUHAMMAD HUSEYİN
"علامه طباطبائی فیلسوفی از مفاخر عالم اسلام". اقتصاد اسلامی، سال ۱،
ش ۴ (آبان ۱۳۶۲): ص ۱۴ - ۱۵، ۵۱.
زندگینامه و شخصیت علمی و فلسفی استاد علامه محمد حسین طباطبائی.

19 OCAK 1994

Tabatabai uluk-His.
0201 Kernel of the kernel : concerning the
wayfaring and spiritual journey of the people
of intellect : ("Risāla-yi Lubb al-lubāb dar sayr
wa sulūk-i ulu'l albāb") : a Shī'ī approach to
Sufism / from the teachings of Muḥammad
Ḥusayn Ṭabāṭabā'ī ; compiled, edited, and
expanded by Muḥammad Ḥusayn Ḥusaynī
Tih-rānī ; translated by Mohammad H.
Faghfoory ; foreword by Hossein Nasr. -
Albany (Nueva York) : State University of
New York Press, cop. 2003. - XXXVIII, 149
p. ; 23 cm. - (SUNY series in Islam)
Bibliografía. Índice
ISBN 0-7914-5238-7
1. Sufismo - S.XX 2. Šī'a - Doctrinas - S.XX
I. Al-Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn. II. Al-
Ḥusaynī al-Ṭahrānī, Muḥammad al-Ḥusaynī
III. Título. IV. Título: Risāla-yi Lubb al-lubāb
dar sayr wa sulūk-i ulu'l albāb V. Serie.
141.336"19"
ICMA 4-48073 R. 49180

21 HAZ 2007

طباطبائی، محمدحسین. "روش اسلامی تعلیم و تربیت برای استعداد
 های گوناگون چگونه است؟".
 اطلاعات هفتگی، ش ۲۰۸۷ (۱۵-۸ رديبهشت ۱۳۶۱): ص ۵۹، ۵۸، ۲۹، ۲۸.
 بحثی راجع به تعلیم و تربیت، عرفان و سیرمعنوی در اسلام
 و برتری اسلام در توحید و ولایت الهی.

۱۶۰۶
 TABATABA'I, MUHAM-
 MED HUSEYIN

19 OCAK 1994

اسلوب العلامة الطباطبائی فی تفسیر المیزان. علی رضا میرزا
 محمّد. (العلوم الانسانیة، السنة الاولى، العدد ۲۰۱، الخريف
 والشاء ۱۳۶۸).
 ۱۹۱۲۴۸
 TABATABA'I
 MUHAMMED
 HUSEYIN

27 KASIM 1993

191298

Alchiba

245 TABATABA'I, M[uhammad] H[usayn]. Les
 Tabataba'i enseignements du Coran. Aux Sources de la Sagesse, 4
 Muhammad / 14 (1997) pp.7-40
 Huseyin

22 NISAN 2000

شهیدی، جعفر. "امامت از نظر علامه طباطبائی در تفسیر المیزان". کیهان
 فرهنگی، سال ۳، ش ۹ (آذر ۱۳۶۵): ص ۱۲، ۱۳، ۱۴.

191298
 TABATABA'I,
 MUHAMMED HUSEYIN

19 OCAK 1994

"اولین سال رحلت علامه طباطبائی" اعتصام، ش ۷ (آبان ۱۳۶۱):
 ص ۴۰-۴۱.
 پیرامون شخصیت و تفکر عالم ربانی علامه طباطبائی.

۲۲۴۷
 TABATABA'I, MU-
 HAMMED HUSEYIN

19 OCAK 1994

19 OCAK 1992

Tabataba'i, Muh. Huseyin

Tabataba'i, Muhammad Husayn. The Qur'an in Islam: its impact and in-
 fluence on the life of Muslims (c1987, 1988)
 Choice 25 (June 1988), 1573. N. S. Booth (E*)

"معرفی کتاب "جمهوری اسلامی (۱ آذر ۱۳۶۲): ص ۵.
 معرفی کتاب "یادنامه فیلسوف الهی علامه سید محمدحسین طباطبائی".

۲۲۱۴
 TABATABA'I,
 MUHAMMED HUSEYIN

19 OCAK 1994

Tabataba'i, Muh. Huseyin

2577. Tabataba'i, Muhammad Husayn. *Muhammad in the Mirror of Islam*
 (Translated by Chittick, William C.). Tehran: Darolkotob el-Islamiya; 1970;
 26pp.

Extracted from the author's work: *Muhammad—Khatam-i Payambaran*
 (Tehran: Husayniyyah Irshad, 1968); argues that spiritual life in Islam is
 far more profound than in other religions.

15 HATIRAN 1993

"مروری بر زندگی عالم ربانی و فیلسوف عالیقدر علامه طباطبائی".
 پیام انقلاب، سال ۷، ش ۱۷۵ (۱ آذر ۱۳۶۵): ص ۴۲-۴۴، ۴۵.

۲۰۰۱
 TABATABA'I,
 MUHAMMED HUSEYIN

19 OCAK 1994

191248 TABATABA'I, Muhammad Huseyin

Micro- 86-931301
 fiche Tabataba'i, Muhammad Husayn, 1903 or 4-
 Mabāhigī dar vahy va Qur'ān / Muhammad
 96/ Husayn Tabataba'i. -- Chāp-i 1. -- (Tehran):
 59451 Bunyād-i 'Ulūm-i Islāmī, 1350 [1981 or 1982];
 151 p.; 21 cm.
 In Persian; romanized record.
 (On the Koran and divine revelation; a
 philosophical study)

"مرحوم علامه طباطبائی (ره): غواص اقیانوس معارف". پیام انقلاب،
 سال ۶، ش ۱۴۹ (۱۸ آبان ۱۳۶۴): ص ۳۶-۳۹، ۴۰، ۷۰، ۱۵۰ (۲ آذر ۱۳۶۴): ص ۱۴-۱۸.
 ش ۱۵۱ (۱۶ آذر ۱۳۶۴): ص ۳۴-۳۷.

۲۰۲۹
 TABATABA'I,
 MUHAMMED HUSEYIN

19 OCAK 1994

86-931326
 Tabataba'i, Muhammad Husayn, 1903 or 4-
 Vahy, yā, shūr-i marmūz? / nigārish-i Husayn
 Tabataba'i; muqaddamah va pāvaraqi bih qalam-i
 86/ Naṣir Makarim Shirāzī. -- Qum: Intishārāt-i
 59455 Dār al-Fikr [198-?]
 190 p.; 17 cm.
 In Persian; romanized record.
 (On divine revelation and its prime importance
 in Islam; philosophical study)

27 KASIM 1993

200 [TABĀTABĀ'Ī, Muḥammad Ḥusayn]. *The elements of Islamic metaphysics (Bidāyat al-Hikmah)*. Transl. and annot. Sayyid Alī Qūlī Qarā'ī. London: ICAS, 2003. 191pp.

R174 *Elements of Islamic metaphysics (Bidāyat al-Hikmah)* / [Tabātabā'ī, Muḥammad Ḥusayn]. London, 2003
Kopycki, William J. *DOMES: Digest of Middle East Studies*, 13 ii (2004), pp.25-27 (E)

1533 SANA'I, Manucher. 'A Biography of the Late Allamah Muhammad Husayn Qadi Tabataba'i Tabrizi' (Muslim Scholar, Iran). *Echo of Islam* (Tehran), No.126, December 1994, pp.32-4

2633. Tabatabai, Muhammad Husayn. *A Shiite Anthology* (Edited and Translated with Explanatory Notes by Chittick, William C.). London: The Muhammadi Trust of Great Britain and Northern Ireland; 1980; 152pp; ISBN 0-9506986-0-1.

Reviewed by Jafri, Syed Husain M. (1981) HI 4(2): 93-7; Malik, Arfaque (1981) MWBR 1(3): 13-14.

A collection of selected Shia Ahadith, inclusive of *Ahadith an-Nabawi* and sayings of the Imam, culled from *Nahj al-Balagh* of Seyyedna Ali ibn Abi Talib (d. 40/661), *as-Sahifa as-Sajjadiyyah* of Imam Zain al-Abidin (37-94/658-713), *Mafatih al-Finan* of Abbas Qummi (d. 1359/1941), and *Bihar al-Anwar* of Muhammad Baqir al-Majlisi (1037-1111/1628-70).

0356 Al-Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn
The elements of Islamic metaphysics =
(Bidāyat al-ḥikmah) / Sayyid Muḥammad
Ḥusayn Ṭabāṭabā'ī; translated and annotated
by Sayyid 'Alī Qūlī Qarā'ī. - London : ICAS
Press, 2003. - XIV, 191 p. ; 21 cm
Traducción de: Bidāyat al-ḥikmah. - Índice. -
Incluye (p. 167-188) glosario
ISBN 1-904063-06-3

1. Metafísica 2. Filosofía islámica - S.XX I.

Titulo.

11

ICMA 4-48224 R. 49249

4724. *Yādnāma i 'Allāma Ṭabāṭabā'ī*: 'Allāma Saiyid Muḥammad Ḥusayn Ṭabāṭabā'ī. - Tihārān. - (Mu'assasa-i Mu'tala'āt wa Taḥqīqāt-i Farhangī; ...)
Parallelt.: 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī commemoration volume. -
In pers. Schrift, pers. 27 A 14843
[1]. Nuḥustīn Kungarā-i Farhangī ba-Munāsabat-i Sālgard-i Rihlat-i Marḥūm 'Allāma Saiyid Muḥammad Ḥusayn Ṭabāṭabā'ī. - [1983 = 1362 h.s.] - 24, 370 S. - (...; 516)
27 A 14843-1

2. Duwwumīn Kungarā-i Farhangī ba-Munāsabat-i Sālgard-i Rihlat-i Marḥūm 'Allāma Saiyid Muḥammad Ḥusayn Ṭabāṭabā'ī. - [1984 = 1363 h.s.] - 404 S. - (...; 536)
27 A 14843-2

طباطبائی حکیم، سید محمد سعید
(۱۹۳۵-م)

۱۱۷۱-فی رحاب العقیده، جلد ۳/جلد ۳

اول - سوم، دارالهلال، چاپ اول، ۲۰۰۲/۲۰۰۰

نسخه، عربی، وزیری (سلفون)، سنه: ۱۳۱۱-۱۳۱۳

کد پارسا: B۲۸۶۷۰ Tabataba'i

ویژگی مجلدات

جلد ۱: ۳۳۵-۳۳۱، منابع

جلد ۲: ۳۵۷ص

جلد ۳: ۴۴۵-۴۴۱، منابع

مناظرات شیعه

گفتمان حاضر که بین دو اندیشمند دینی، یکی از اهل سنت و دیگری از شیعه امامیه برگزار شده، به بررسی دیدگاههای شیعه در مسائل کلامی، قرآنی و تاریخی پرداخته است. سید محمد سعید حکیم که از مراجع نجف است، در پاسخ شخصی که نخواستند نام او ذکر شود، در این مکتوبات به میراث علمی شیعه، شایعه تکفیر خلفا و صحابه، تحریف قرآن، انتظار مهدی موعود، نسب امام، حدیث ثقلین، واقعه غدیر و تقریب بین دیدگاههای شیعه و اهل سنت پرداخته و با بهره گیری از منابع روایی و تاریخی اهل سنت، امامت ائمه شیعه را ثابت و فضایل و مناقب آنان را بیان کرده است. در مجموع، کتاب حاضر را می توان عصاره عقاید و دیدگاههای شیعه در مسائل کلامی و تاریخی دانست.

آزادیان، مصطفی

۹۴۹-«علامه طباطبائی و آموزه

گناه نخستین»، معرفت، پیاپی ۲۴، ص ۲۲-۲۷

فارسی، کتابنامه: ۲۷

کد پارسا: A۶۳۱۸۲

گناه نخستین؛ اندیشه های کلامی علامه

طباطبائی (شخصیت شناسی)

نوشتار حاضر، یکی از عقاید مهم در آیین مسیحیت با عنوان نظریه گناه نخستین را از منظر علامه طباطبائی بررسی می کند و با توجه به مبانی اسلامی به نقد و ارزیابی آن می پردازد. نویسنده با توجه به مفاد نظریه گناه نخستین که بر طبق آن بنی آدم ذاتاً گناهکار خلق می شود و کفار گناهان مسیحیان بر عهده حضرت مسیح است، آن را امری نامعقول دانسته زیرا مسیح نیز یکی از کسانی است که ذاتاً گناهکار خلق شده و در این صورت چه کسی وزر و وبال گناه او را به گردن خواهد گرفت. از دیدگاه علامه طباطبائی اگر مقوله گناه نخستین را از مسیحیان بپذیریم لازم می آید که بین رحمت خدا و عدالت وی تراحم پیش آید و حکمت خلقت به زیر سؤال برود.

2857. Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn at-: *Šī'a dar islām* / Muḥammad Ḥusayn at- Ṭabāṭabā'ī. - Qum : Markaz-i Intiṣārāt-i Daftar-i Tablīgāt-i Islāmī, [1983] = 1362 h.š. - 1, 160 S. In arab. Schr., pers. 8 E 5240

1617 TABATABA'I, Sayyid Muhammad Husayn, 'Bidayat Al-Hikmah: The Elements of Contemporary Muslim Metaphysics, Part 3'. *Al-Tawhid* (Tehran), 9:2, 1992, pp.68-82

See also 1284, 1323, 1345, 1409, 1415, 1639, 2285, 2287, 2367, 2434

27 TEM 2007

0148 Falsafat şadr al-muta'allihîn : al-mabânî wa-l-murtakazât / Muḥammad Ḥusyn al-Ṭabāṭubā'î ..[etal.]. - 1. - Bayrūt : Dār al-Ma'ārif al-Ḥikmīya, 2007. - 181 p. ; 22 cm. - (Ḥukamā' 'Urafā') "1429 h."
1. Al-Širāzī, Şadr al-Dīn 2. Filosoffa islāmīca - S.XVII I. Al-Ṭabāṭubā'ī, Muḥammad Ḥusayn II. Titulo. 1:297"16" 1Şirāzī, Şadr al-Dīn ICMA 4-58757 R. 65637

141 ALGAR, Hamid. 'Allāma Sayyid Muḥammad Ḥusayn Ṭabāṭubā'ī: philosopher, exegete, and gnostic. *Journal of Islamic Studies*, 17 iii (2006) pp.326-351.

07 TEM 2009

Tabataba'ei Muh. b. Husayn

عباسی، ولی الله

۷۳۶۲- «رنالیسم هستی شناختی

و معرفت شناختی علامه طباطبائی»

ذهن، پیاپی ۱۴، ص ۵۳-۷۶، فارسی، کتابنامه: ۷۲-۷۶. کد پارسا: A۶۵۶۸۲

رنالیسم معرفت شناختی؛ اندیشه‌های فلسفی علامه طباطبائی (شخصیت‌شناسی)؛ رنالیسم هستی‌شناختی

مقاله حاضر تلاشی است در جهت بازکاوی دیدگاه

علامه طباطبائی درباره رنالیسم هستی‌شناختی و

رنالیسم معرفت‌شناختی. نویسنده در ابتدا معنای رنالیسم و

ایده‌آلیسم را بررسی می‌کند و سپس رنالیسم هستی‌شناختی

و معرفت‌شناختی و دلایل آن دو را از دیدگاه فلسفه

اسلامی علامه طباطبائی تبیین می‌نماید. سرانجام

برخی شبهات پیرامون مسئله رنالیسم مورد نقد و بررسی

قرار می‌گیرد. از دیدگاه نویسنده، یکی از دلایلی که

واقع‌گرایان اسلامی و از جمله آنها علامه طباطبائی

در دفاع از رنالیسم اقامه کرده‌اند، استدلال مبتنی بر

فطریات و عقل متعارف است که یکی از مؤثرترین

استدلالات در شناخت‌شناسی است. استدلال فطری بر

این فرض استوار است که انسان توان طبیعی برای

کسب شناخت را دارد، به شرط آنکه این توان را

چنانکه شایسته است به کار گیرد.

22 EYLUL 2008

Suat Mertoglu

19 EKIM 2008

Tabataba'ei Uluh. Husayn

MADIN YATIRIM VE SERVICEN

فیروزجایی، رمضان

۶۶۱۷- «عقلانیت در نظر علامه

طباطبائی»

ذهن، پیاپی ۱۷، ص ۶۵-۸۰، فارسی،

کتابنامه: ۷۹-۸۰.

کد پارسا: A۸۸۳۶۹

عقل - ارزش عقل؛ علامه طباطبائی -

اندیشه‌های علامه طباطبائی - اندیشه فلسفی علامه

طباطبائی (شخصیت‌شناسی)

رودگر، محمد جواد

۳۷۹۹- «معرفت نفس در تفسیر

المیزان»

رواق اندیشه، پیاپی ۱۸، ص ۴۹-۷۰،

فارسی، نمودار: ۵۱.

کد پارسا: A۶۱۶۴۷

خودشناسی؛ بررسی موضوعی تفسیر المیزان

(قرآن و علوم قرآنی)

مقاله حاضر به دیدگاه علامه طباطبائی درباره

نفس انسانی و ماهیت و ویژگی‌های آن از منظر قرآن

می‌پردازد. از دیدگاه علامه طباطبائی، شاهره عرفان

همانا خودشناسی و خودسازی است و بستر اصلی آفاق

اندیشه‌های وی در حوزه عرفان در رسیدن به معرفت

نفس و رسیدن به سیر و سلوک و شهود عرفانی

می‌باشد. نویسنده چنین نتیجه‌گیری می‌کند که علامه

طباطبائی قرآن و احادیث و روایات را منبع مستقل و

اصیلی برای عرفان جامع می‌شمارد و عرفان قرآنی و

اهل‌بیت(ع) یعنی وصول به مقام شهود حق در عالم و

آدم را بر روی همه آدمیان و طبقات و صنوف گشوده

می‌داند به طوری که هر کس می‌تواند طبق ظرفیت

وجودی و تلاش و جهاد و اجتهادش از حقایق معنوی

بهرمند شود.

92

13 MAYIS 2008

تعداد منابع: ۵ اصلی و ۵ ارجاعی

Tabataba'ei Muh. Hus

باقی نصرآبادی، علی (۱۳۴۱-): نگارش،

حمید

۴۴۰۹- رمز موقیبت علامه طباطبائی،

قم: امام عصر (عج)، چاپ اول / ۳۰۰۰ نسخه، ۱۴۷

ص، فارسی، رقبی (شمیز)، بها: ۵۵۰۰ ریال، عکس: در

صفحات مختلف، منابع: ۱۴۵-۱۴۷.

شابک: ۹۶۴-۹۲۹۹۷-۵۰.

کد پارسا: B۴۰۶۴۰

علامه طباطبائی، محمد حسین - سلوک

اخلاقی؛ عرفان عملی - دستورالعمل‌ها/عرفان و

تصوف

هدف نویسنده، ارائه سرمشق در زمینه تهذیب

نفس و کسب مراتب والا در علوم اسلامی است. وی

نظری برخی از آشنایان و شاگردان علامه طباطبائی را

در باره او بیان می‌کند و خصوصیات رفتاری و

ویژگی‌های معنوی وی را توضیح می‌دهد. سپس

ویژگی‌های شخصیتی و ویژگی‌های علمی و آموزشی و

ابتکارات و خدمات او در زمینه‌های فلسفه و تفسیر ذکر

می‌شود. چند نامه علمی و دستورالعمل اخلاقی او در

پایان آمده است.

Tabataba'ei Muh. Husayn
بوستانی، علی اصغر

۱۷۱۳- تبیین دیدگاه ارزش‌شناسی

علامه طباطبائی، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه

تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹، فارسی، منابع:

۱۳۲-۱۳۸ و به صورت زیرنویس، استاد راهنما: محسن

ایمانی؛ استاد مشاور: علی قائمی

کد پارسا: P۱۳۲۲۱

فلسفه اخلاق؛ اندیشه اخلاقی علامه طباطبائی

(شخصیت‌شناسی)

بررسی دیدگاه‌های علامه طباطبائی درباره فلسفه

اخلاق اسلامی است. این پژوهش سعی دارد تا آراء

فلسفی علامه طباطبائی را در باب ارزش‌شناسی

و دلالت‌های آن بر تربیت اسلامی و اخلاقی مورد

جست‌وجو قرار دهد و مسائل مربوط به اهداف و

محتوای تربیت اخلاقی را بر این اساس تدوین کند.

نگارنده بر این باور است که آراء فلسفی و اخلاقی

علامه طباطبائی بر جنبه‌های اجتماعی تأکید دارد و

هدف تربیت از دیدگاه او تخلق انسانها به اخلاق الهی

است. وی همچنین به این نتیجه می‌رسد که معیار انتخاب

محتوای تربیت اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبائی،

تناسب محتوا یا فطرت آدمی و سن و فهم یادگیرنده

است و محتوای تربیت اخلاقی از دیدگاه علامه، شناخت

فضایل و ردایب اخلاقی و آموزش شیوه‌های کسب

فضیلت و دفع ردیلت است.

10 TEM 2008

علوی مهر، حسین

دیدگاه آیت‌الله معرفت و علامه طباطبایی، مقایسه

بینات، پیاپی ۴۴، ص ۸۲-۹۸، فارسی، کتابنامه: ۹۸.
 کد پارسا: ۸۸۶۴۰۸ *Tabataba'ei*
 طباطبایی - اندیشه‌های علامه طباطبایی (شخصیت‌شناسی)؛
 اندیشه محمدهادی معرفت (شخصیت‌شناسی)

میرزایی، محمدتقی

۷۳۷۴- «برخی خطاهای تفسیری»

بینات، پیاپی ۴۱، ص ۶-۱۳، فارسی، کتابنامه: ۱۳.
 کد پارسا: ۸۸۷۷۳ *Tabataba'ei*
 آسیب‌شناسی تفسیر

در نوشتار حاضر تفسیرهای نادرستی که از آیه "فاعلم أنه لا اله الا الله" (سوره محمد/ آیه ۴۷) شده است، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. نویسنده با توجه به تفاسیر کلامی که با گرایش‌های مختلفی مانند کلام اشعری و کلام معتزلی به آیه فوق نگریسته‌اند، دلایل نادرستی تفاسیر ارائه شده از این آیه را عرضه می‌کند و اشکالات آنها را از منظر ادبی و کلامی مورد بررسی قرار می‌دهد. وی آنگاه تفسیر درست آیه مذکور را با استفاده از دیدگاه مفسران شیعه امامیه به‌ویژه علامه طباطبایی مطرح می‌کند.

ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۳۴-)

۸۰۳۰- «علامه طباطبایی و نقد

پلورالیسم دینی»، مجله تخصصی کلام اسلامی،
 پیاپی ۵۱، ص ۳۲-۵۷، فارسی.
 کد پارسا: ۸۸۷۴۳۷ *Tabataba'ei*
 پلورالیسم دینی - نقد پلورالیسم دینی؛
 اندیشه کلامی علامه طباطبایی (شخصیت‌شناسی)

تبیین و نقد مبانی معرفت‌شناختی پلورالیسم دینی با استفاده از آراء فلسفی علامه طباطبایی است. نویسنده می‌کوشد تا با استفاده از آثار تفسیری و دین‌شناختی علامه طباطبایی، ادله پلورالیست‌ها را به چالش بکشد و مهم‌ترین دلایل درون دینی و برون

دینی آنان را در اثبات پلورالیسم دینی نقد کند. وی در این راستا پس از ارائه تعریفی از پلورالیسم و مبانی و عوامل پیدایش این تفکر، اصول و آموزه‌های لیبرالیسم سیاسی و دینی را بیان می‌دارد. نقد معرفت‌شناسی کانت و استفاده پلورالیست‌ها از آن و محدودیت معارف بشری نسبت به معارف وحیانی از دیگر مباحث مطرح در این مقاله است.

قاسم پور، حسن

۷۳۲۴- «پیش ادراک‌های علامه

طباطبایی در تفسیر»، پیام جاویدان، پیاپی ۱،
 ص ۵۰-۵۹، فارسی، کتابنامه: ۵۹.
 کد پارسا: ۸۶۶۳۶۵ *Tabataba'ei*
 پیش فرض‌های تفسیر؛ علامه طباطبایی -
 اندیشه‌های علامه طباطبایی - اندیشه تفسیری علامه
 طباطبایی (شخصیت‌شناسی)

تحلیلی از پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌های علامه طباطبایی در تفسیر "المیزان" است. نویسنده ضمن تحلیل پیش‌فرض‌های عمومی در تفسیر و تعریف مفهوم تفسیر، به شناسایی پیش‌فرض‌های علامه طباطبایی پرداخته است. علامه طباطبایی در تفسیر قرآن سه نوع پیش‌فرض داشته است: ۱- پیش‌فهم معنایی (جامعیت قرآن)؛ ۲- پیش‌فهم روشی (تفسیر قرآن به قرآن)؛ ۳- پیش‌فرض ساختاری که عبارت است از اینکه قرآن برای عموم نازل شده و قابل فهم برای همگان است.

۶۳۱۶- «قدر از نگاه علامه طباطبایی»

زائر، پیاپی ۱۱۹، ص ۳۸-۳۹، فارسی، کتابنامه: ۳۹.
 کد پارسا: ۸۹۰۳۲۵ *Tabataba'ei*
 نام نویسنده ذکر نشده است.
 شب قدر - فضیلت شب قدر؛ اندیشه اخلاقی علامه طباطبایی (شخصیت‌شناسی)

علمی، قربان

۹۷۱- «بررسی منشأ دین از دیدگاه

دورکیم و طباطبایی»، دانشکده الهیات و معارف
 اسلامی دانشگاه فردوسی، پیاپی ۵۹، ص ۵۷-۸۹،
 فارسی، کتابنامه: ۸۷-۸۹ *Tabataba'ei*
 کد پارسا: ۸۶۶۶۲۲
 علل پیدایش دین؛ اندیشه‌های کلامی علامه
 طباطبایی (شخصیت‌شناسی)

مقاله حاضر به بررسی خاستگاه دین از منظر فردی و اجتماعی پرداخته و دیدگاه دو تن از دانشمندان غربی و اسلامی یعنی امیل دورکیم و علامه طباطبایی را در این زمینه مورد تحقیق قرار داده است. امیل دورکیم با دیدگاهی جامعه‌شناسانه بر این باور بوده که پدیده‌های دینی از طریق عقل قابل اثبات نیست، پس برای تبیین آن باید به دنبال عوامل روانی و اجتماعی (غیر معرفتی و غیر عقلانی) گشت. وی علت پیدایش دین را جامعه می‌داند. اما علامه طباطبایی در عین حال که عقل و وجدان (فطرت) انسان را منشأ پیدایش دین و توجه انسان به خدا می‌داند، نقش جامعه را نیز در ظهور دین نادیده نمی‌گیرد. وی در المیزان تصریح دارد که جوامع انسانی هر چند در پیدایش دین تأثیر داشته‌اند اما هیچ‌گاه علت پیدایش آن نبوده‌اند.

عیسی زاده، نیکزاد

۴۱۱۲۳- «منطق فهم روایات تفسیری

از منظر علامه طباطبایی، مقطع کارشناسی
 ارشد، دانشگاه: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی،
 ۱۵۱، ص، فارسی، منابع: ۱۴۱-۱۴۴ و به صورت زیرنویس،
 استاد راهنما: محمود رجبی؛ استاد مشاور: فتح الله
 نجارزادگان، تاریخ دفاع: ۱۳۸۲.

کد پارسا: ۸۱۲۸۳۶ *Tabataba'ei*
 اصول فهم حدیث؛ اندیشه‌های تفسیری
 علامه طباطبایی (شخصیت‌شناسی)؛ روایات تفسیری
 (قرآن و علوم قرآنی)

پایان‌نامه حاضر در صدد بررسی چگونگی درک روایات تفسیری در حوزه علوم قرآنی از نظرگاه تفسیر المیزان است. منطق فهم این روایات در سه حوزه مبانی عقلی (شامل عصمت اهل بیت (ع) در فهم و تفسیر قرآن، عدم تعارض با اصول مسلم عقلائی، زبان عرفی داشتن این روایات، وحدت منشأ در آیات و روایات و عدم تناقض حقیقی درونی در بین روایات تفسیری) و مبانی نقلی (یعنی اشمال روایات بر محکم و متشابه، تقیه‌ای بودن برخی از روایات تفسیری و وجود روایات بطنی در احادیث تفسیری) و مبانی تاریخی (شامل نقل معنایی روایات تفسیری و وجود احادیث جعلی در میان آنها) مورد مطالعه محقق قرار گرفته است. نویسنده بر این باور است که علامه طباطبایی با به‌کارگیری این قواعد، گامی نو در جهت فهم روایات تفسیری برداشته است.

ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۱۳-)

(میزگرد و مصاحبه‌شونده)

۷۱۷۰- «خردورزی و معناگرایی

بر ستیغ تفسیر و تأویل»، گلستان قرآن،
 پیاپی ۱۹۲، ص ۱۶-۱۸، فارسی.
 کد پارسا: ۸۸۹۰۰۵

تفسیر المیزان
Tabataba'ei

بررسی رویکردهای فلسفی و عرفانی علامه طباطبایی در تفسیر قرآن است. در این مقاله سعی شده است ضمن بررسی ابعاد فکری علامه طباطبایی، به دیدگاه‌های فلسفی و اهتمام او به امور عقلائی اشاره شود و ویژگی‌های مهم تفسیر المیزان مورد بحث قرار گیرد. گوینده معتقد است که علامه طباطبایی یک فیلسوف صرف نبود بلکه طبع عرفانی بلندی داشت و ضمن رابطه عمیق خود با قرآن و از طریق مراجعه به آیات دیگر قرآنی، آیات مشابه را تفسیر می‌نمود. وی راز موفقیت تفسیر المیزان را تلفیق مباحث عقلائی و عرفانی و قرآنی می‌داند.

Tabatabai, Muh. Hüseyin

190051 Tabatabai
191248 Tabatabai

2102 TABATABAI, Mohammad Hoseyn. Handlungszwang und Übertragung (der Handlungsvollmacht) aus koranischer Sicht. *Spektrum Iran*, 2 i (1989) pp.22-41

M.Kazım Yılmaz; "Tabresi ve Tabatabai'de İmamiye Tefsiri", 1985, 296 s. Danışman: Prof.Dr. İsmail Cerrahoğlu.

05 HAZİRAN 1996

Atatürk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü
Temel İslam Bilimleri Anabilim Dalı
.....Doktora.....Tezi.

15 HAZİRAN 1993

مراسم و اعیاد مذهبی

113 EKİM 1993

" فتاوی علمای سلف (رض) درباره عزاداری و شبیه خوانی " ۱۶۳۶
فطنامه هنر، ش ۴ (پائیز ۱۳۶۲): ص ۲۹۰-۳۰۱
عین فتوای بعضی از علمای سلف رضوان الله از صفحه ۴۸۲-۵۰۲
کتاب البکاء للحسینی تألیف سید حسین طباطبائی

MATEM
TABATABAI
MUHAMMAD
HUSEYIN

07596 CHITTICK, William C. *A Shi'ite anthology*. Selected ... by 'Allāmah Sayyid Muḥammad Husayn Tabātabā'i. Transl. with explanatory notes by W.C.C., under the direction of and with an introduction by Seyyed Hossein Nasr. London: Muhammadi Trust, 1980.

- ŞİA
- Seyyid M.
Hüseyn Tabatabai

06 ŞUBAT 1993

Tabatabai, Muh. Hüseyin

Tabatabai, Muh. Hüseyin

Beschriftung
27 A 14843

Jādnāma-i-'Allāma Ṭabāṭabā'i. Nuḥustīn kungara-i-farhangī be-munāsabat-i-sālgard-i-rihlat-i-marḥūm 'Allāma Sajjīd Muḥammad Husayn Ṭabāṭabā'i. ([Engl. Nebent.:] 'Allāma Ṭabāṭabā'i commemoration volume. The first cultural congress on the occasion of the death anniversary [!] of the late Allāmah Seyyed Muḥammad Husayn Ṭabāṭabā'i.) (Tihrih [1962 h.š. = 1983].) 24, 370 S. [Pers.] (Mu'assasa-i-Mutālā'āt wa taḥqīqāt-i-farhangī. 516.)

Micro-Tabāṭabā'i, Muḥammad Husayn. 89-930367
fiche Bidāyat al-ḥikmah / li-mu'allifih Muḥammad
89/ Husayn al-Ṭabāṭabā'i. -- al-Ṭabāḥ 2. -- Qum :
59409 Dār al-Ma'rifa al-Islāmi, 1406 (1986)
204 p. ; 23 cm.
In Arabic; romanized record.
(On Sufism; Shiite viewpoint)

04 ŞUBAT 1993

15 HAZİRAN 1993

Tabatabai, Muh. Hüseyin

13 EKİM 1993

13 EKİM 1999

F225 RAHIM, M. A. "Historian Ghulam Husain Tabatabai," ASP:8 (Dec. 1963), 117-29. Wrote bad history covering 1707-81.

Tabatabai, Muhammad Hüseyin

120 'Allāmah Sayyid Muḥammad Hossein Tabāṭabā'i: The Philosophical Dimension of "The Islamic Ideology". In: H. Dabashi, *Theology of Discontent* (Iran). New York: New York University Press, 1993, pp.273-323

13 EKİM 1999

817 HAYDARI, Kamāl al-. Exégèse coranique: la méthode d'Allāma at-Tabāṭabā'i. *Aux Sources de la Sagesse*, 3 / 11 (1996) pp.7-23

Tabatabai
Muhammad
Hüseyn

13 EKİM 1999

970 LEGENHAUSEN, Muḥammad. 'Allāmah Ṭabāṭabā'i and contemporary philosophical theology. *Hikmat*, 1 iii (1996) pp.397-411

Tabatabai
Muhammad
Hüseyn

۳۹۹۲ TABATABA'I, MUHAMMAD HUSEYIN
 با شا زاده، رضا. "کنگره بزرگداشت و تجلیل مقام علمی و ادبی علامه طباطبائی". فروغ آزادی (۲۴ آبان ۱۳۶۵): ص ۲.
 "مرحوم علامه طباطبائی، تیلورپویایی ایمان شیعی". منشوربرادری، دوره ۲، ش ۱۵ (۲۴ آبان ۱۳۶۵): ص ۴۰۱.
 "نقش علامه طباطبائی در معارف اسلامی". جمهوری اسلامی (۲۴ آبان ۱۳۶۵): ص ۸.
 "یادواره علامه طباطبائی". رسالت (۲۴ آبان ۱۳۶۵): ص ۸۰۶.
 "به یاد داناى بزرگ علامه طباطبائی". ابرار (۲۴ آبان ۱۳۶۵): ص ۲۰۱.
 (۲۵ آبان ۱۳۶۵): ص ۲۰۱.

15 ARALIK 1998

723. Tabātabā'i, Muḥammad Ḥusain aṭ-: Al-Mahlūqāt al-ḡaliyya fi 'l-Qur'ān: al-malā'ika, al-ḡinn, Iblis / ta'lif as-saiyid Muḥammad Ḥusain aṭ-Tabātabā'i. - Ṭab'a 1. - Bairūt: Dār as-Safwa, 1995 = 1415 h. - 119 S. In arab. Schrift, arab. 35 A 21519

15 ARALIK 1998
 2 28799 69
 TABĀTABĀ'Ī (Muḥammad al-ḥusaynī) (محمد المهدى بن مرتضى - الطباطبائي) Mahdī ibn Murtaḍa Bahr al-'Ulūm al-).
 رجال السيد...
 1 [4° O²g. 2133 (1-3)]
 ... (Riḡāl al-Sayyid Bahr al-'ulūmū al-Fawā'id al-riḡāliyya, Ed. par Muḥammad Ṣādiq Bahr al-'Ulūm et Ḥusayn Bahr al-'Ulūm, Maktabat al-'alam ayn: al-Tūsi wa Bahr al-'Ulūm... 5-6-7).
 Chītes. Hommes célèbres. Biographies. -- Homme célèbre. Chītes Biographies.

020162

31 ARALIK 1993

TAFSIR TABATABAI MUHAMMAD HUSEYIN
 تفسیر القرآن بالقرآن عند العلامة الطباطبائی. حضرت جعفر. (رسالة)
 القرآن، العدد، محرم - صفر - ربيع الاول (۱۴۱۱).

1825 TABATABA'I, Sayyid Muhammad Husayn, 'The Elements of Muslim Metaphysics, Part 8'. Al-Tawhid (Tehran), 10:4, 1993, pp.97-111

27 EKIM 1995

1768 TABATABA'I, Sayyid Muhammad Husayn, 'The Teaching of Religion'. Echo of Islam (Tehran), No.113-114, November-December 1993, pp.32-3

27 EKIM 1995

3421. Tabātabā'i, Muḥammad Ḥusain aṭ-: Ḥalq-i ḡadīd pāyān-i nāpādīr: risāla-i quwwa wa fi'l / 'Allāma Saiyid Muḥammad Ḥusain Tabātabā'i. - Čap 1. - Tihrān, [1985] = 1364 h.š. - 96 S. - (Mu'assasa-i Muṭāla'āt wa Taḥqīqāt-i Farhangī; 548) Tabataba'i 191248 In arab. Schr., pers. 6 E 8972

27 EKIM 1995

24 Eylül 2008

رضازادگان، مریم

۷۸۳۶۱- آراء فلسفی علامه طباطبایی

در تفسیر المیزان، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه:

قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۷۳ص، فارسی،

منابع: ۱۷۳-۱۷۱ و به صورت زیرنویس، استاد راهنما:

جعفر شاه نظری؛ استاد مشاور: احمد عابدی، تاریخ

دفاع: ۱۳۸۲.

کد پارسا: P۲۱۸۹۵

بررسی موضوعی تفسیر المیزان؛ اندیشه‌های

فلسفی علامه طباطبایی (شخصیت‌شناسی)؛ ادراکات

اعتباری (فلسفه و منطق)؛ نقش فلسفه در تفسیر

(فلسفه و منطق) *Tabatabaei*

تحقیق حاضر سعی دارد تا بحث‌های مستقل

فلسفی را که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان

در پیوند آیات مورد نظر خویش با اصول فلسفی آورده

است، مورد بررسی قرار دهد. نویسنده می‌کوشد علمی

و عقلانی بودن آیات قرآن و امکان ارائه تفسیری

فلسفی با توجه به تفسیر المیزان را به اثبات برساند و

نقش فلسفه را در فهم بهتر آیات قرآن خصوصاً

آیاتی که رنگ و بوی فلسفی دارند، تبیین کند. وی

مباحثی مانند ادراکات اعتباری در قرآن، خلود عذاب

کافران، توحید ربوبی، عشق در کلیه مراتب وجود و

عشق عرض به موضوع را از اصول فلسفی مندرج در

تفسیر المیزان نام می‌برد و دیدگاه‌های علامه طباطبایی را

در مورد فطری بودن دین، حقیقت فلسفی قضا و قدر

الهی، ارجاع صفات هفت‌گانه خداوند به علم و قدرت و

حیات، علم تفصیلی خداوند به اشیاء عالم و فاعلیت

حق تعالی مورد تجزیه و تحلیل فلسفی قرار می‌دهد.

24 Eylül 2008

رخشاد، محمد حسین

۸۱۱۴- در محضر علامه طباطبایی:

مجموعه پرسشها و پاسخهای چهره
به چهره با علامه طباطبایی در موضوعات

مختلف، قم: سماه قلم، چاپ اول، ۱۳۸۲ / ۵۰۰۰ نسخه،

۴۸۱ص، فارسی، وزیری (گالینگور)، بها: ۲۵۰۰۰ریال.

فروست: مجموعه در محضر بزرگان، ۴

شابک: ۹۶۴-۹۴۶۷۳-۵-۱

۹-۴-۹۴۶۷۳-۹۶۴ دوره

کنگره: BP۲۱۱۱۵/T۲SH۵

دیوبی: ۲۹۷/۴۱۷۲ Tabatabaī

کد پارسا: B۷۰۰۱۹

پرسشها و پاسخهای کلامی

مجموعه پرسش و پاسخهای مربوط به عقاید و معارف اسلامی است که در جلسات پنجشنبه و جمعه، نویسنده و عدهای دیگر از محضر علامه طباطبایی استفاده می کرده اند که اینک پس از بازنویسی و ویرایش و تحقیق و عنوان گذاری و تبویب و ترجمه آیات و روایات عرضه گردیده است. کتاب در پانزده فصل تنظیم شده که عنوانهای آنها عبارتند از: خداشناسی و توحید، آفرینش جهان و انسان و وسایط و عوامل دیگر، جبر و اختیار و بدا و سیر تفاوتها و قابلیتها، وحی و نبوت و رسالت و امامت، شرایع و ادیان و تاریخ انبیای گذشته، رسول اکرم، مقامات معنوی و زندگانی امامان، علم امام و عصمت انبیا و اوصیاء مرگ و عالم برزخ، معاد و عالم آخرت، مباحث علوم قرآنی، پاره‌ای از معارف قرآن کریم، مباحث اخلاقی - عرفانی، موضوعات منطقی - فلسفی، فصل نهایی به مطالب گوناگون و پراکنده اختصاص یافته است. کتاب دارای فهرست راهنمای آیات، روایات، اعلام و منابع است.

عاشوری تلوکی، نادعلی

۷۶۲۲- «بررسی دیدگاه علامه

طباطبایی در نظم آیه‌های قرآن»

دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی،

پیاپی ۶۲، ص ۱۳۳-۱۶۰، فارسی، کتابنامه: ۱۶۰-۱۵۹.

کد پارسا: ۸۷۷۹۱۵ *Tabatabaai*

نظم قرآن: اندیشه‌های تفسیری علامه

طباطبایی (شخصیت‌شناسی)

نویسنده ابتدا به سیر تاریخی بحث از نظم و ترتیب در آیات قرآن کریم پرداخته و طبق شواهد تاریخی دیدگاه مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی را در مورد توقیفی بودن نظم آیه‌های قرآنی و اجتهادی بودن این نظم را بررسی کرده است. در بخش اصلی مقاله، دیدگاه علامه طباطبایی در این موضوع مورد تحقیق قرار گرفته است. نویسنده معتقد است که اغلب علما و مفسران شیعه قائل به این مطلب هستند که نظم موجود در آیات قرآنی به دستور حضرت رسول (ص) بود و او نیز از جبرئیل در مورد جایگاه آیات پیام می‌گرفت. اما نظر علامه طباطبایی بر اجتهادی بودن نظم و ترتیب می‌باشد و وی معتقد است که اصحاب پیامبر (ص) در تعیین جایگاه آیات نقش اساسی داشته‌اند. علامه طباطبایی دلایل نقلی نیز بر این امر ارائه داده و نمونه‌هایی از دخالت صحابه در تعیین جایگاه آیات را آورده است.

عیسی نژاد، سیدمحمد

۷۳۰۷- «تقارن و تغایر نظریه

تفسیری علامه طباطبایی و مکتب

تفکیک»، گلستان قرآن، پیاپی ۱۹۲، ص ۱۸-۲۱،

فارسی، کتابنامه: ۲۰-۲۱. *Tabataba'i*

کد پارسا: A۸۹۰۰۶

روش‌های تفسیر؛ علامه طباطبایی - روش

تفسیری علامه طباطبایی (شخصیت‌شناسی)؛ مکتب

تفکیک - عقاید مکتب تفکیک (کلام)

روش‌شناسی تفسیری علامه طباطبایی و میزان

بهره‌گیری او از مباحث عقلانی در این تفسیر است.

نویسنده ضمن اشاره به روش علامه طباطبایی در

22 EKİM 2008

تفسیر قرآن به قرآن، مشکلات معرفتی عدم طرح

این روش تفسیری را ذکر می‌کند. وی سپس با بیان

مبانی معرفتی مکتب تفکیک، به رویکرد کلامی و

فلسفی علامه طباطبایی و استفاده‌اش از مباحث مقدماتی

عقلانی پرداخته و چالش‌های فکری مکتب تفکیک را

با روش تفسیری قرآن به قرآن بیان کرده است. پاسخ

اشکالات وارد شده از جانب پیروان مکتب تفکیک به

روش تفسیری علامه نیز در ادامه مقاله آمده است.

غضنفری، سیدعلی (۱۳۴۲ -)

۷۳۰۸- «بررسی شیوه تفسیری

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان»،

پیام جاویدان، پیاپی ۱، ص ۱۶-۲۷، فارسی، کتابنامه: ۲۷.

کد پارسا: A۶۶۳۷۳

روش‌های تفسیر؛ روش تفسیری علامه

طباطبایی (شخصیت‌شناسی)

پژوهش‌نیا، هادی

۷۳۹۹- مقایسه باطن قرآن از

دیدگاه امام خمینی و علامه طباطبائی

با سایر مفسران، مقطع کارشناسی ارشد،

دانشگاه: آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده

الهیات، ۱۲۲ص، فارسی، استاد راهنما: محمدمهدی

پورگل؛ استاد مشاور: عباس همای.

کد پارسا: P۱۳۷۸۹ *Tabatabaai*

☞ **ظاهر و باطن قرآن؛** خمینی، سیدروح‌الله -

اندیشه‌های امام خمینی - اندیشه‌های قرآنی امام خمینی

(شخصیت‌شناسی)؛ علامه طباطبائی - اندیشه‌های علامه

طباطبائی - اندیشه تفسیری علامه طباطبائی (شخصیت‌شناسی)

① به عقیده نویسنده از برخی آیات قرآن و روایات

فراوانی که سند آنها صحیح است، استفاده می‌شود که

قرآن کریم علاوه بر معانی ظاهری، دارای معانی

دیگری است که تنها با معانی لغوی و قواعد و ادبیات

عرب نمی‌توان آنها را فهمید، که در اصطلاح این

معانی را **باطن قرآن** گویند. وی ضمن تقسیم

دیدگاه‌های موجود در تفسیر باطن قرآن به دو دیدگاه

کلی و **وجودشناسانه** و **معناشناسانه** ادعا می‌کند

آنچه را که امام خمینی باطن قرآن می‌شمارد از نظر

علامه طباطبائی تأویل است و بالعکس. همچنین

امام خمینی در نوشته‌هایش به دیدگاه وجودشناسانه

نزدیک شده، در حالی که علامه طباطبائی بیشتر به

دیدگاه معناشناسانه متمایل است. دلایل عقلی بر وجود

باطن قرآن، تأویل و باطن در لغت و اصطلاح، باطن

قرآن از دیدگاه شیخ طوسی، فیض کاشانی، عیاشی،

ابن‌عربی و ملاصدرا و مثال‌هایی از تفسیر باطنی و

تأویلی از سرفصل‌های این تحقیق‌اند.

22 EKIM 2008

حسینی، سید ابراهیم

۱۹۵۸- «آیا در انتخاب عقیده آزادم»

یا نه؟»، پرسمان، پیایی ۲۴، ص ۸-۹، فارسی، کتابنامه: ۹

کد پارسا: ۸۸۰۱۵

آزادی عقیده

حسینی، سید موسی

۱۹۶۸- «فلسفه شریعت در نگاه

علامه طباطبایی»، پژوهشهای قرآنی، پیایی ۳۷

و ۳۸، ص ۲۷۴-۲۸۵، فارسی، کتابنامه: ۲۸۵

کد پارسا: ۴۵۶۱۹

فلسفه شریعت؛ اندیشه کلامی علامه طباطبایی

(شخصیت شناسی)

- *Kanun*

- *ibadet*

- *Tabatabā'i*
imtihan

22 EKİM 2008

① در مقاله حاضر نویسنده پس از طرح این پرسش که 'فلسفه شریعت در ادیان الهی چیست؟'، نخست به توجیه فقدان شریعت در مسیحیت موجود پرداخته؛ سپس شریعت را به دو بخش **قانون و عبادت** تقسیم کرده است. به اعتقاد وی فلسفه شریعت در ادیان به کارکرد آن در دنیا و آخرت مربوط می‌شود. وی آنگاه کارکردهای دنیوی و اخروی قانون و عبادت را بررسی کرده و نقش آنها را در ایجاد عدالت و حفظ حقوق انسانها بیان می‌کند. کافی نبودن قوانین بشری برای سعادت انسانها و تأکید بر نقش اخروی و دنیوی شریعت و در نهایت توضیحات **علامه طباطبایی** در مورد **امتحان الهی** از دیگر محورهای بحث در این مقاله است.

سنجری، غلامعلی

۷۸۱۲- مسأله منطقی شر از دیدگاه

علامه طباطبایی و آلوین پلنتینگا (با

توجه به کتاب خدا، اختیار و شر)، مقطع

کارشناسی ارشد، دانشگاه: مؤسسه امام خمینی، ۲۵۸ص،

فارسی، منابع: ۲۱۶-۲۵۱ و به صورت زیرنویس، استاد

راهنما: رضا برنجکار؛ استاد مشاور: محمود غازی.

کد پارسا: P۱۳۶۷۶

Tabatabaee

شرور - فلسفه شرور؛ اندیشه کلامی علامه

طباطبایی (شخصیت‌شناسی)

توجیه مشکل شرور با توجه به مبانی فلسفی

علامه طباطبایی و مقایسه آن با دیدگاه فلسفی

آلوین پلنتینگا است. در این پژوهش ابتدا تعریفی از

خیر و شر به عمل آمده و پس از بیان استدلال علامه

طباطبایی مبنی بر عدمی بودن شرور، اقسام شر و

رویکردهای مختلف کلامی و فلسفی به این مسئله

تبیین شده است. نویسنده با استفاده از دیدگاه‌های

علامه طباطبایی در مورد ماهیت خیر و شر و نسبت

میان آن دو، سعی دارد دیدگاه اندیشمندان فلسفه غرب

به‌ویژه جی ال مکی، آنتونی فلو و دیگران در مورد

تناقض خیر بودن محض خداوند با وجود شرور متعدد

را رد کند و توجیه آلوین پلنتینگا را در این زمینه ارزیابی

نماید. وی چنین نتیجه می‌گیرد که هم علامه

طباطبایی و هم پلنتینگا هر دو بر این امر توافق دارند

که قدرت خداوند مشمول فرض فلاسفه‌ای که قائل به

تناقض وجود شر با خیر محض بودن خدا هستند

نمی‌شود و ایشان هیچ‌گونه تناقضی بین وجود شرور با

وجود خداوند و خیر بودن او نمی‌بینند.

22 EKIM 2009

خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۱۴ -)

۲۲۹۶ - «علامه طباطبایی و مجلسی»
یادنامه مجلسی: مجموعه مقالات، گفت‌وگوها
و سخنرانی‌های همایش بزرگداشت علامه

مجلسی (شماره ۲۳۵۷)، ص ۱۸۹-۱۹۹.

کد پارسا: G1۴۹۴۷
مجلسی، محمدباقر - از دیدگاه دیگران

پرسش
بررسی حواشی علامه طباطبایی، بر مباحث
اعتقادی بحارالانوار است. مؤلف، که به اختلاف و
برخورد محدثان و حکمای شیعه توجه داشته، با ذکر
نمونه‌هایی، مثل شیخ صدوق، شیخ مفید و مقایسه آن
با علامه مجلسی و علامه طباطبایی، به دنبال تفسیر
صحیحی از احادیث شیعه است. وی، به نقل از علامه
طباطبایی، ۲ علت بدینی به فالسفه و توجه نمودن
به جوانب و درجات متفاوت معانی احادیث را علت
اشتیاهات علامه مجلسی ذکر کرده است.

Alisayn

علامه طباطبایی: مفسر بزرگ شیعه

نشر دانش ضمن عرض تسلیت به امام و امت، به منظور بزرگداشت یاد آن مرحوم ترجمه‌ای از احوال ایشان را همراه با مقاله‌ای درباره تفسیر معروف المیزان در این شماره درج می‌کند. این ترجمه که در زمان حیات علامه توسط جناب حجت الاسلام آقای حسن حسن زاده آملی نوشته شده است، قبلاً بطور کامل توسط دفتر فرهنگی جهاد مجتمع فنی و مهندسی در تهران تکثیر شده است و ما در اینجا گزیده‌ای از آن را تیمناً نقل می‌کنیم. در این زندگینامه، استاد آملی بسیاری از خاطراتی را که با استاد داشته نقل کرده است. مقاله «درباره تفسیر المیزان» نگاهی است اجمالی به اثری بزرگ، و نویسنده آن محققاً مدعی آن نیست که در این مقاله حق این اثر بزرگ را ادا کرده باشد. در حقیقت کتاب و کتابهایی باید تا بتوان این اثر بزرگ، و همچنین سایر آثار آن استاد را، آن چنان که شاید معرفی کرد، ولیکن:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

نشر دانش

به خون خود آغشته و رفته‌اند
چه گلهای رنگین به جویبارها

در هجدهم محرم (بیست و چهارم آبان ماه) امسال، ملت ایران و بطور کلی جهان شیعه، عزیزی را از دست داد که افتخار اسلام و بخصوص عالم تشیع بود. استاد بزرگوار علامه سید محمد حسین طباطبایی - رضوان الله علیه - یکی از بزرگترین حکما و فلاسفه و عرفا و مفسران اسلام در قرن حاضر بود که از برکت انقاس قدسی خود نه تنها دل‌های شاگردان و مریدان خود بلکه همه کسانی را که با آثار او آشنایی داشتند زنده نگهداشته بود. استاد علامه که سالها در قم و سایر بلاد ایران به تدریس حکمت، فلسفه، تفسیر و سایر علوم اسلامی اشتغال داشت از نظر بسیاری کسان که با نام و آثار او آشنایی دارند، به عنوان یک مفسر و حکیم عارف شناخته شده است. آن مرحوم نه تنها در علوم معقول بلکه در منقول نیز از نوادر روزگار بود و بسیاری از بزرگان عصر ما قول مشارالیه را از این حیث مورد اعتماد می‌دانند و در واقع آثار وی از جمله منابع موثق اسلامی و معارف شیعی است.

از این کمترین خوشه چین خرمن اقبال بزرگان، حسن حسن زاده آملی، شرح زندگی سراسر سعادت بقیه الماضین و شمال الباقین، آیت علم و دین، مفسر کبیر، فیلسوف الهی، عارف ربانی، فقیه صمدانی، فخر اسلام، استاد اکبر، حضرت علامه حاج سید محمد حسین طباطبایی، متع الله الاسلام والمسلمین بطول بقائه الشریف را خواسته‌اید.

با اینکه انجام دادن چنین امر خطیر به شایستگی، از عهده این حقیر خارج است که نه به پارسی نغز یارا است و نه به عربی مبین توانا. با قلم شکسته در فصاحت سبحان چه تواند بنگارد؟ مع الوصف عدم امتثال را مروت ندیدم و با بضاعت مزجات

ترجمه‌ای از احوال علامه طباطبایی

حسن حسن زاده آملی



Im dritten Teil des Werkes werden gemäß der in Kapitel II entwickelten Dichotomie die Ergebnisse des Reformprozesses vorgestellt. Einem Abschnitt über das Handels- und Strafrecht (mit Einschluß gewisser Partien des Zivilrechts) (S. 86-100) folgen ausführliche und fesselnd geschriebene Exkurse über die Eheschließung (S. 100-114); Eheleben und Scheidung (S. 114-138); eigentliches Familienrecht (Vaterschaft, Vormundschaft etc.) (S. 138-146); Erbrecht (S. 146-162) und schließlich Stiftungen und Geschenke (S. 162-171). Das Kapitel über das Erbrecht, den *'ilm al-farā'id*, ist glänzend. Vf. entwickelt seine sunnitische und schiitische Variante, arbeitet die nach modernem Rechtsempfinden reformbedürftigen Einzelnormen heraus, weist die relative Modernität des allein auf dem Koran, nicht auch dem vorislamischen Gewohnheitsrecht fußenden schiitischen Erbrechts nach, und erklärt damit nicht zuletzt die Ausbreitung der Schi'a im Irak in den letzten Jahrhunderten auf Kosten der orthodoxen Rechtsschulen.

Ein sehr persönlich und subjektiv-spekulativ gehaltenes Kapitel über die Perspektiven weiterer Entwicklung (Re-Islamisierung, Säkularisierung, Vereinheitlichung heute noch heterogener Rechtssysteme) schließt das Buch ab. Es ist sehr anregend, vielleicht gerade deshalb, weil sich sein Vf., ohne sich dessen voll bewußt zu sein, mit seinem Anliegen und seiner Methodik als moderner Erbe der alten *uṣūl al-fiqh*-Wissenschaft erweist, der Königin islamischer Wissenschaften schlechthin.

Freiburg/Brsg., August 1978

ULRICH HAARMANN

* * *

'Allāmah Sayyid Muḥammad Ḥusayn ṬABĀṬABĀ'Ī, *Shi'ite Islam*. Translated from Persian and edited with an Introduction and Notes by Seyyed Hossein ASR. Albany, State University of New York Press, 1975 (xiv, 253 S.) = The Persian Studies Series No. 5. S 10.00. ISBN 0 87395 272 3.

Schon BiOr XXX, 1973, 291, war von mir geäußert worden, daß das Studium der Schi'a ein recht stiefmütterliches Dasein im Raum der Islamwissenschaft spielt, obwohl es ein sehr reizvolles Gebiet ist, das noch viele Schätze und „Geheimnisse“ birgt. Wer selbst eine Zeitlang ein muslimisches Land mit überwiegender schiitischer Bevölkerung bereist hat und noch dazu Gelegenheit hatte, die zentralen schiitischen Heiligtümer, wie Kerbela, Neğef, Kazimain, Samarra zu besuchen, bedauert es immer wieder, daß es nicht nur an vorbereitenden Informationen gebricht, sondern die islamwissenschaftliche Arbeit sich hier nicht stärker engagiert. Es muß allerdings bemerkt werden, daß in den letzten Jahren hier doch einiges in Angriff genommen wurde, vor allem zur „ismaelitischen Gnosis“ (ein m.E. unpassender Titel!). Fast völlig fehlte in einer europäischen Sprache ein Buch, daß uns mit dem traditionellen „Selbstverständnis“ schiitischen Glaubens authentisch bekannt macht. Ein solches Buch liegt jetzt vor. Es stammt aus der Feder eines der angesehensten Theologen des schiit. Islam der nicht nur zu einer alten Gelehrtenfamilie gehört, sondern sich auch aus der Familie des Propheten Mohammed herleitet. 'Allāmah („der sehr gelehrte“) Ṭabāṭabā'ī stammt aus Tabriz (Iran), wo er 1903 geboren

wurde, studierte an der berühmtesten schiitischen Lehranstalt, der Universität in Neğef (Irak), wo er auch in die klassische Tradition der schiitischen Esoterik und Mystik eingeführt wurde, die sein Leben und Werk tief geprägt haben. Seit 1945 lehrt er Qoran, Theologie und islam. Philosophie in Qum (Iran). Sein Wirken als Muğtahid und Lehrer einer großen Schülerschar (zu der auch der Übersetzer Hossein Nasr gehört) machen ihn zu einer anerkannten Autorität des schiitischen Islams. Die Anregung zu dem vorliegenden Buch, dessen persischer Titel *Šī'ah dar islām* lautet, geht auf Kenneth Morgan zurück, der den Autor 1963 zusammen mit dem Hrsg. aufsuchte und ihn für sein Vorhaben gewann, eine Selbstdarstellung des schiit. Islams für den westlichen Leser zu verfassen, gewinnen konnte. Außer diesem Titel sind noch zwei weitere geplant: eine Darstellung der schiit. Koranauslegung (wozu Tab. wie kein zweiter geeignet ist, da sein Hauptwerk eine auf 20 Bände berechnete Quranauslegung, *al-Mizān*, ist, von denen bisher 14 vorliegen) und eine Anthologie von Aussprüchen schiit. Imame (17).

Der Übersetzer und Betreuer, Prof. H. Nasr aus Teheran, hat dem Buch eine Einleitung vorangestellt (3-35) und auch sonst in den Noten manches zur Erläuterung beigetragen. In der Einführung wehrt er manche Mißverständnisse über die Schi'a als Häresie ab, zeigt aber andererseits deutlich ihre Eigenheiten gegenüber dem sunnitischen Islam auf, wie sie die esoterische Überlieferung der Imame (die als Autoritäten in der Nachfolge des Propheten stehen), die mystisch-theosophischen Züge (Nasr spricht häufig auch von „Gnosis“, was leicht zu Missverständnissen führen kann) und die aus der Mu'tazila stammende rationalistische Theologie (die die aš'aritische Wendung nicht mitvollzog) bieten, eine Kombination, die sich im Laufe der Geschichte herausbildete und die Schi'a tatsächlich zu einer eigenen Welt im Islam werden ließ. Daß sie durch ihre theosophische, aus der Mystik (Sūfismus) stammende esoterische Überlieferung, die sie zu einer strengen Scheidung von Äußerem und Innerem in vielen Bereichen führte (in der sich zugleich ihr ganzes Schicksal als einer unterdrückten, verfolgten Minderheit spiegelt), zur gesamten islamischen Tradition viel beigetragen hat, ist ohne Zweifel, wird allerdings von Nasr (wie übrigens auch von H. Corbin¹⁾) zu einseitig begründet. Aufschlußreich ist die Einschätzung des Autors, die Nasr gibt (19): „'Allāmah Ṭabāṭabā'ī represents that central and intellectually dominating class of Shi'ite ulama who have combined interest in jurisprudence and Quranic commentary with philosophy, theosophy, and Sufism and who represent a more universal interpretation of the Shi'ite point of view. Within the class of traditional ulama, 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī possesses the distinction of being a master of both the Shari'ite and esoteric sciences and at the same time he is an outstanding *hakim* or traditional Islamic philosopher (or more exactly, 'theosopher')". Alle diese Züge finden sich in dem Buch vereinigt wieder. Es führt in drei Abschnitten in das Thema ein: die historische Grundlage des Schi'ismus (39-85), die religiöse Gedankenwelt (89-120) und die Betrachtung islamischer Glaubenslehren vom schiitischen Gesichtspunkt (123-222). Daß der Verf. in traditioneller Manier aus einem geschlossenen religiösen Weltbild heraus

¹⁾ Vgl. R. Macuch, *Theol. Lit. Ztg.* 101, 1976, 490-97.

Oxford
 Clarendon Press.

01 KASIM 1995

T

ṬABĀṬABĀ'Ī, MUḤAMMAD ḤUSAYN (1903–1981), known to his contemporaries as 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī, one of the foremost Qur'ānic commentators and traditional Persian philosophers of the twentieth century. Born to a well-known family of Shī'ī scholars of Tabriz in AH 1321/1903 CE, he carried out his early studies in the city of his birth, and when some twenty years old, he set out for Najaf, Iraq, to pursue more advanced studies in the juridical as well as philosophical sciences, reaching the highest level of *ijtihād* in both domains. It was also at this time that he underwent spiritual training and was initiated into the inner dimension of Islam associated in Shī'ī circles with *'irfān* ("gnosis"). In 1934 he returned to Tabriz, where he began to teach, but he did not become nationally known until the communist domination of the Iranian province of Azerbaijan forced him to come to Tehran and Qom at the end of World War II. He spent the rest of his life in Qom with some days of each month being spent in Tehran. He devoted his time completely to teaching and writing and died in Qom in 1981.

At once a great teacher, saintly presence, and prolific writer, Ṭabāṭabā'ī wrote a large number of works (see Ṭabāṭabā'ī, 1975, introduction, for his bibliography). Some of his works, some written in Arabic and others in Persian, deal with the Qur'ān and specifically religious matters, the most important of which is the voluminous *Al-mizān*, written originally in Arabic and translated into Persian mostly under Ṭabāṭabā'ī's direction. Among his religious works are *Qur'ān dar Islām* (The Quran in Islam) and *Shī'ah dar Islām* (Shī'ite Islam), both of which have been translated into English. A second category includes his numerous philosophical works, ranging from his major philosophical opus, *Uṣūl-i falsafah-yi ri'ālism*, to his last philosophical writings, *Bidāyat al-ḥikmah* and *Nihāyat al-ḥikmah*. Finally, there are the works dealing with current religious and philosophical debates, of which the most significant is *Muṣāḥabāt bā Ustād Kurbān*, containing some of his discussions with the French Islamist and philosopher, Henry Corbin.

Among Ṭabāṭabā'ī's purely religious writing, the most influential is *Al-mizān*, in which he used the method of commenting on a particular Qur'ānic verse with the aid of other Qur'ānic verses, while taking into full consideration classical as well as recent Qur'ānic commentaries written by Sunnīs and Shī'īs alike.

Ṭabāṭabā'ī's philosophical contributions include his refutation of Marxist dialectic on the basis of traditional Islamic philosophy, the revival of the teachings of Mullā Ṣadrā, whose *Asfar* he edited with his own commentary, and his response to various Western philosophical and theological questions, which were usually discussed between him and Corbin in weekly sessions in Tehran during the autumn between 1958 and 1977 that drew many eminent scholars to their midst, the translation and commentary between Persian and French being made by Seyyed Hossein Nasr.

A person of great saintly countenance and piety, Ṭabāṭabā'ī was able to resuscitate Islamic philosophy despite the opposition of many '*ulamā'*. He taught the philosophy of Ibn Sinā and Mullā Ṣadrā and gnosis and also gave spiritual direction to a small number of disciples. His students in the field of Islamic philosophy, among the class of '*ulamā'*, included Murtaẓā Muṭahharī, Sayyid Jalāl al-Dīn Āshtiyānī, and Ḥasan Ḥasanẓādah Āmulī. Although he shunned politics, some of his students, such as Muṭahharī, became political activists, and many reached positions of prominence after the Iranian Revolution of 1979. Ṭabāṭabā'ī also had students associated with university circles who extended his influence among those who attended Western-style institutions of learning and who were at the same time attracted to traditional Islamic thought.

Since his death, 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī has been greatly honored in Iran. A university has been named after him, and his works continue to enjoy great popularity. His writings are also being translated to an ever greater extent into English, and he is becoming known throughout the Islamic world as one of the major intellectual

CHIÏSME DANS L'ISLAM

Allamé Seyed Mohammad
Hossein Tabâtabâi

Traduit par: Mohsen Khaliji



l'Organisation pour la Propagande Islamique

| | |
|---|-----------------|
| Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi | |
| Kayıt No. : | 12705 |
| Tasnif No. : | 297.62 TAB.C |

Tehran
1983

L'ISLAM SHI'ITE

XI

Biographie d'Allamé Seyed
Mohammad Hossein Tabâtabâi

Généralités

Allamé (1) Tabâtabâi est d'une famille qui a donné de grands ulemas; il est à vrai dire le fruit de quatorze générations d'érudits et de savants de Tabriz. Il vint au monde dans cette dernière ville en 1282 (1903) et décéda à Qom en 1360 (1981).

Il fit ses études primaires en sa ville natale, et à 22 ans, il se rendit à Nadjaf Achraf, ville sainte de l'Iraq.

Il passa dix ans en ce centre de science et de théologie islamiques à approfondir ses connaissances religieuses. Il suivit les cours de «fiqh» et du «dogme» islamique auprès d'ulemas tels que Nâini, Seyed Abol Hassan Esfahâni, et Compâny, et ceux de philosophie avec le grand érudit Seyed Hossein Badkoubi, lui-même élève de Djelvé et d'Âga Ali Modaressi. Il approfondit les mathématiques en suivant les cours de Seyed Abol Ghassem Khansâri et ceux de morale de Hâdj Mirza 'Ali Châzi qui était connu pour sa philosophie pratique et sa gnose.

Tabâtabâi écrit dans le condensé de sa biographie: «J'ai étudié la philosophie avec le bien célèbre penseur, feu Seyed Hossein Badkoubi. Au cours des six années pendant lesquelles j'ai suivi les cours de ce grand savant, j'ai appris et compris les écrits de Sabzavâri, ceux de Mollâ Sadrâ de Uhiraz, la série de l'ouvrage «Chafâ» d'Avicenne, les livres d'Ibn Tarké dans la gnose, d'Ibn

Dr H'mida ENNAIFER

Les commentaires coraniques contemporains

Analyse de leur méthodologie

"Le Coran est un écrit entre deux pages de couverture
que les hommes déchiffrent"

Imâm 'Alî b. Abî Tâlib

Pontificio Istituto di Studi Arabi e d'Islamistica (P.I.S.A.I.)

Roma 1998



المدرسة التراثية : التصور السلفي

١٠ - الطباطبائي (محمد حسين) المولود في مدينة تبريز سنة ١٣٢١/١٩٠٣

والتوفي سنة ١٤٠٤/١٩٨٣.

تعلّم في النجف بالعراق ثم أقام بمدينة «قم» أكبر مركز علمي لدى الشيعة بإيران. كان علاوة على اهتمامه بالتكوين المذهبي والشرعي واللغوي منكبًا على الفلسفة والمنطق والكلام. ترك الطباطبائي = تفسير الميزان بالعربية في عشرين مجلدًا ثم تُرجم إلى الفارسية²⁸. أراد لعمله أن يكون «تقويمًا للمفسرين السابقين وبجلا لجدل المخالفين ومناظرة المناوئين».

رغم أنّ هذا التفسير ينطلق من تراث مختلف في بعض جوانبه عن التراث الذي اعتمده المفسر المغربي السالف الذكر لكنّ هذا الاختلاف المذهبي - على أهميته - لا يمس الجانب المنهجي الذي يظلّ مهيمنا وواحدًا في «الميزان» كما كان في «التحرير والتنوير».

فكما أنّ هيمنة المنهج التراثي عند ابن عاشور لم تمنع من بعض الالتفاتات التحريرية الجزئية نلاحظ أنّ الطباطبائي اعتنى ببعض القضايا التي تعدّ تجديدية رغم أنّها لا تقطع جوهرًا مع قاعدة التوازن الداخلي لعلم التفسير كما وقع إرساؤها في المنظومة الإسلامية السلفية. من ذلك تأكيده على ما سمّاه «التفسير الموضوعي» الذي يتمّ فيه تجميع كلّ الآيات المتعلقة بموضوع واحد (الجهاد مثلا) فيفسرها ضمن رؤية ترايبية ليستخرج من وراء ذلك جملة من

²⁸ الطباطبائي (محمد حسين)، تفسيره: «الميزان» بدأه في شكل دروس جمعت لتشر تباعا من سنة ١٣٧٥/١٩٥٦ حتى وقع الانتهاء من تفسير كامل القرآن سنة ١٣٩٢/١٩٧٢ انظر الأوسي (علي)، الطباطبائي ومنهجه في تفسيره الميزان، ط. ١، طهران، ١٩٨٥/١٤٠٥.

II - L'école traditionnelle : la vision salafite

10 - Al-Ṭabāṭabā'ī (Muḥammad Ḥusayn)

Né à Tabrîz en 1903/1321H et mort en 1983/1404H. Il a étudié à al-Najaf en Irak, puis a séjourné à Qom, le plus grand centre intellectuel du chi'isme iranien. En plus de sa formation doctrinale, juridique et linguistique, il s'est intéressé également à la philosophie, la logique et la théologie spéculative (*al-kalâm*). Il a édité son *Tafsîr al-mîzân* en langue arabe en vingt volumes²⁸. L'ouvrage a été traduit en persan. L'auteur a voulu que son travail soit "une évaluation des exégèses précédentes, le lieu d'un débat entre opposants et d'une discussion entre adversaires".

Bien que ce commentaire soit issu d'une tradition par certains aspects différente de celle sur laquelle s'est appuyé l'exégète maghrébin présenté précédemment, cette différence d'école juridique - malgré son importance - ne touche pas l'aspect méthodologique prévalent qui reste le même dans *al-Mîzân* et dans *al-Tahrîr wa-l-tanwîr*.

De même que l'emprise de la méthode traditionnelle chez Ibn 'Āshūr ne l'empêchait pas d'exposer quelques opinions libres sur certains points, nous remarquons que al-Ṭabāṭabā'ī a été attentif à certaines questions qu'on peut considérer comme novatrices, sans toutefois rompre fondamentalement avec la règle de l'équilibre intérieur de la science exégétique telle qu'elle avait été fondée dans le système musulman salafite. Parmi ces opinions, on trouve son insistance sur ce qu'il a appelé "l'exégèse objective", où l'auteur rassemble tous les versets rattachés à un même thème (le *jihād*, par exemple) qu'il explique dans le cadre d'une vision cohérente pour en déduire un ensemble de conclusions auxquelles il

²⁸ *al-Mîzân*, le commentaire de al-Ṭabāṭabā'ī (Muḥammad Ḥusayn), commencé initialement sous forme de cours, fut rassemblé pour être imprimé à partir de 1956/1375H. L'édition du commentaire complet fut achevée en 1972/1392H. Cf al-Awsî ('Alî), *al-Ṭabāṭabā'î wa manhaj-hu fi tafsîri-hi al-mîzân*, 1ère édition, Téhéran, 1985/1405H.

eş-Şerîşî'nin günümüze ulaşamayıp sadece kaynaklarda geçen diğer eserleri ise şunlardır:

2.Şerhu'l-İdâh: Ebû 'Alî el-Fârisî'nin nahve dair *el-İdâb* isimli eserinin şerhidir¹⁷.

3.en-Nevâdiru'l-Mufîde: Ebû 'Alî el-Kâlî'nin *en-Nevâdir* isimli eserinin muhtasarıdır¹⁸.

4.Şerhu Cumeli's-Sağîre: ez-Zeccâc'ın *el-Cumel* isimli eserinin şerhidir. Bundan başka eş-Şerîşî, ez-Zeccâc'ın bu eserine takyîd yazmıştır¹⁹. Kâtip Çelebi ise müellifin Abdulkâhir el-Curcânî'nin *el-Cumel fi'n-Nahv* isimli eserini şerhettiğini zikreder²⁰.

5.Meşâhîru Kasâidi'l-'Arab²¹,

6.Şerhu 'Arûdi's-Şîr²²,

7.'İlelu'l-Kavâfi²³.

D36

¹⁷ Ebû Abdillâh Şemsuddîn Muhammed b. Ahmed b. Osmân ez-Zehabî, *Târîhu'l-İslâm ve Vefeyâtü'l-Meşâbir ve'l-'Alâm*, Muessesetu'r-Risâle, Beyrut 1988, (611-620 arası ölenler), s. 396-397; es-Safedî, *el-Vâfi bi'l-Vefeyât*, VII, 158; *Keşfu'z-Zumân*, s. 212.

¹⁸ es-Suyûtî, *a.g.e.*, I, 331; el-Makkarî, *a.g.e.*, II, 115; *Keşfu'z-Zumân*, s. 1980.

¹⁹ el-Makkarî, *a.g.e.*, II, 115; Kehhale, *Mu'cemu'l-Müellifîn*, I, 304;

²⁰ es-Suyûtî, *a.g.e.*, I, 331; *Keşfu'z-Zumân*, s. 603.

²¹ el-Makkarî, *a.g.e.*, II, 115.

²² es-Suyûtî, *a.g.e.*, I, 331; *Hedîyyetu'l-'Arifîn*, I, 90

²³ es-Suyûtî, *a.g.e.*, I, 331; *Hedîyyetu'l-'Arifîn*, I, 90

12 NISAN 2010

Tabatabaî, Seyyid Muhammed
(191624)

DEÜİFD, XXIX/2009, ss. 95-122 İZMİR

REŞİD RIZA ve TABATABÂÎ'NİN TEFSİRLERİNDEKİ MUKADDİMELERİNİN KARŞILAŞTIRILMASI

Ziya ŞEN*

ÖZET

Bu makalede, kısaca mukaddime yazma geleneği üzerinde durulduktan sonra, tefsir mukaddimelerinin tefsir usulüne katkısı irdelenecektir. Daha sonra da Mısırlı âlim Muhammed Abduh'un (ö. 1323/1905) öğrencisi Reşid Rıza'nın (ö. 1353/1935) kaleme aldığı "Tefsiru'l-Menâr" ve meşhur şii âlim Seyyid Muhammed Hüseyin et-Tabatabâî (ö. 1402/1981)'nin yazdığı "el-Mizân fi Tefsiri'l-Kur'ân" adlı eserlerin mukaddimeleri mukayeseli olarak incelenecektir.

Anahtar Kelimeler: Tefsir, müfessir, mukaddime, Reşid Rıza, Tabatabâî, Menâr, Mizân.

ON THE INTRODUCTIONS OF COMMENTARIES OF RASHID RIZA AND TABATABÂÎ

(A COMPARATIVE STUDY)

ABSTRACT

In this paper, firstly we have dealt with the tradition of writing introductions in the tafsir books and examined their contribution to the usual al-tafsir. After that we have evaluated these introductions of two commentaries (of the) Tafsir al-Manar by Rashid Riza (d. 1353/1935), pupil of Muhammad Abduh (d. 1323/1905) and al-Mizân fi Tafsir al-Quran by Sayyid Muhammad Hussain al-Tabatabâî (d. 1402/1981) comparatively.

Key words: Commentary, commentator, introduction, Rashid Riza, Tabatabâî, Manâr, Mizân.

GİRİŞ

Mukaddime Geleneği ve Tefsir Mukaddimeleri

Mukaddime, sözlükte öne geçen anlamına gelir.¹ Kitapların ve ilmi bahislerin başında yer alan önsöz, sunuş, giriş, başlangıç ve girizgâh yazılarına

* Yrd. Doç. Dr., DEÜ İlahiyat Fakültesi Tefsir Anabilim Dalı.

¹ el-İsfahânî, Ebu'l-Kâsım Hüseyin b. Muhammed er-Râğıb, *el-Müfredât fi Garibi'l-Kur'ân*, (thk. Muhammed Halil), Beyrut 1422/2001, s. 398.

- Tabataba'i

مسعود امید*

دین‌شناسی علامه طباطبائی

مقدمه: علل گسترش دین پژوهی

مسئله دین‌شناسی یا دین‌پژوهی از جمله مسائل مهمی است که در دو قرن اخیر توجه متفکران را بخود جلب نموده است. در عین حال که پژوهش در ماهیت دین و ابعاد آن پیشینه‌ای بس طولانی دارد لیکن موج پژوهش تخصصی و همه جانبه در خصوص دین بیشتر مربوط به دو قرن اخیر، یعنی از قرن نوزدهم میلادی به بعد می‌شود. ریشه‌های چنین تحوّل را در دین پژوهی، می‌توان بطور عمده در پنج عامل جستجو کرد:

۱- گسترش فتوحات استعماری

۲- انتشار نظریه داروین

۳- پیشرفتهای علم مردم‌شناسی

* عضو هیات علمی گروه فلسفه دانشگاه تبریز

ISSN 1023-7976

21 EYLUL 2007

نشریه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه تبریز

۱
Tebriz بهار ۱۳۷۷

سال ۴۱ شماره مسلسل ۱۶۶

لیت ۱۵۰۰ ریال

Tabatabai
Din
Ahlak

مسعودامید*

"رابطه دین و اخلاق از نظر علامه طباطبایی"

برای وصول به نظر مرحوم علامه طباطبایی در خصوص رابطه، دین و اخلاق، لازم است تانخست به دیدگاههای ایشان در مورد "دین" و "اخلاق" پرداخته شود تا بدینوسیله با روشن شدن جنبه ها و ابعاد هر یک از آنها بتوان به ارتباطات متصور بین آنها نائل آمد. از آنجا که علامه طباطبایی به مسئله دین و اخلاق از زوایایی متعددی پرداخته‌اند، شایسته است تا هر یک از این زوایا و جنبه ها را بصورت مستقل و مجزا در نظر گرفته و به آراء علامه در همان جنبه ها پرداخته شود. نخست به آراء ایشان در مورد دین توجه می‌کنیم.

در تعاریفی که علامه در خصوص دین بعمل آورده‌اند، دین را مجموعه ای "مشمول بر یک سلسله عقاید و اخلاق و عبادات" نامیده‌اند. (۱) این تعریف را میتوان ناظر به "جنبه معرفت شناختی دین" قلمداد نمود. در این حالت میتوان گفت دین، "از جهتی"، مجموعه ای از مفاهیم و گزاره‌هایی است که در خصوص

نشریه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه تبریز

۲

تایستان ۷۴ Tebriz

سال ۳۸ شماره مسلسل ۱۵۵

قیمت ۱۰۰۰ ریال

علامه طباطبایی و الهیات فلسفی معاصر

محمد لگنهاوسن ترجمه منصور نصیری

«الهیات فلسفی»^۱ اصطلاحی است که در سالهای اخیر در بین فلاسفه و الهیدانان غرب جهت اشاره به رویکرد فلسفی خاصی به موضوعات کلامی/الهیاتی به کار رفته است. در بخش عمده ای از قرن بیستم، الهیات فلسفی نه از سوی فیلسوفان و نه از سوی الهیدانان، جدی گرفته نشد. فیلسوفان به خاطر نبود پختگی و مهارت فلسفی در نوشته های این حوزه، به الهیات فلسفی ایراد گرفته اند. از سوی دیگر، الهیدانان نیز تمایل کمی به الهیات فلسفی نشان داده اند. زیرا تلاشهایی که در تحلیل و استدلالهای دقیق به کار گرفته شده بود، هیچ گونه ارتباطی با موضوعات و مسائل مورد علاقه و پویای الهیدانان نداشت. آنها سخت سرگرم تلفیق و منسجم کردن اندیشه دینی با حیات اجتماعی معاصر بودند. اما در طی ۲۵ سال اخیر این وضعیت تغییر یافته است. فیلسوفانی که مهارت فنی آنها کاملاً شناخته شده بود شروع به نوشتن آثار بسیار خوب فلسفی درباره موضوعات الهیات نمودند.

[علل انکار دین در غرب و تغییر نگرش دانشمندان نسبت به آن]

انکار دین در غرب به دو دسته از دلایل رخ داد: (۱) دلایلی که مربوط به [وجود] تقابل آشکار میان دین و علم بود؛ (۲) دلایلی که به دیدگاههای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی مربوط می شد. در

سالهای اخیر، نگرش روشنفکران نسبت به هر دو دسته تغییر یافته است؛ امروزه بسیار بیش از دوران اوج پوزیتیویسم، دانشمندان به این مطلب پی برده اند که دیگر نیازی نیست که علم را رقیب دین بدانیم؛ امروزه نظریه های معرفتی ای مطرح شده اند که امکان توجیه عقلی را هم برای باورهای دینی و هم برای باورهای علمی فراهم می آورند. نگرشهای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی ای که پیش از دهه ۱۹۷۰ رایج بودند، جای خود را به دیدگاههایی داده اند که به انتقاد از تفکر لیبرال/چپ گرامی پردازند. رونق مجددی که امروزه الهیات فلسفی پیدا کرده است، ریشه در همین دو نوع تغییری دارد که در نگرشها رخ داده است؛ در عین این که الهیات فلسفی به طور غیر مستقیم باعث تقویت این تغییرات شده است.

در همان هنگام که این پیشرفتها در حال وقوع بود، الهیدانان بحث جدی ای را درباره اهمیت مباحث دینی غیر مسیحی برای تفکر مسیحی، آغاز کرده بودند. الهیدانانی چون جان هیک،^۲ و کانتول اسمیت^۳ و هانس کانگ^۴ با جدیت بسیار استدلال می کردند که این آموزه که نجات^۵ منحصرأ از طریق سنت مسیحی دست یافتنی است، به لحاظ عقلی غیر قابل دفاع است. آنها در کنار حفظ پیروی و تبعیت خود از سنت مسیحی، اظهار داشتند که آموزه های الوهیت مسیح^۶ و تثلیث^۷ باید دوباره تفسیر شوند، و نیز مایل بودند تصدیق کنند که به یک معنا می توان پذیرفت که «قرآن» کلام خدا باشد. الهیدانان چنین مسائلی را تحت عنوان «کثرت گرایی دینی»^۸ بحث می کنند. با این که در الهیات فلسفی [سالهای] اخیر موضوع کثرت گرایی دینی عمده ترین بحث نبوده است، توجه رو به رشدی به این جهت معطوف گشته است.^۹

در این زمینه شاید به خوبی ندانیم که - اگر اساساً چیزی بتوان یافت - چه چیزی را می توان در اندیشه اسلامی اخیر یافت که مربوط به الهیات فلسفی غرب باشد. گاه برخی نویسندگان غربی توقع یافتن هرگونه گرایش فلسفی را در اندیشه اسلامی متأخر تحقیر کرده اند؛ زیرا آشنایی آنها محدود به نویسندگان مسلمانی بوده است که فاقد دانش فلسفی یا حتی مخالف فلسفه بوده اند. اما در سنت فلسفی و کلامی شیعی مطالب فراوانی را می یابیم که نسبت به مسائلی که فلاسفه مسیحی در الهیات مسیحی مطرح کرده اند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. مطمئناً یکی از بهترین راههای آشنایی با الهیات/کلام فلسفی شیعه، آثار «علامه طباطبایی» است. جایگاه معتبر او در جهان اسلام به عنوان مفسر قرآن، که توأم با تخصص فلسفی اوست، به اثر وی منزلتی بخشیده است که به مراتب، توجهی بیش از آنچه تاکنون از



علامه طباطبایی

و نقد

پلورالیسم دینی

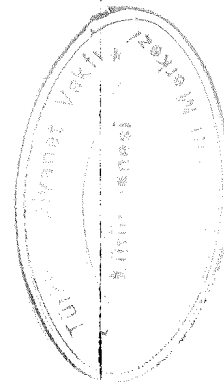
اشاره:

طرفداران پلورالیسم دینی، برای تبیین و اثبات آن از دلایل برون دینی و بدون دینی بهره گرفته اند، مهمترین دلیل برون دینی آنان بر مبنای نظریه ای معرفت شناختی استوار است. نوشتار حاضر در صدد تبیین و نقد مبنای معرفت شناختی پلورالیسم دینی با استفاده از آرای فلسفی علامه طباطبایی رحمته الله علیه است. تبیین و نقد دیگر مبانی و ادله پلورالیست ها را، با بهره گیری از آرای تفسیری و دین شناختی علامه طباطبایی، به فرصتی دیگر واگذار می کنیم. پیش از ورود به بحث مزبور لازم است نکاتی را درباره معنای پلورالیسم دینی و اسباب و زمینه های طرح آن در جهان مسیحیت یاد آور شویم.

ادیان، و مسئله حقیقت و سعادت

از مطالعه ادیان مختلف به دست می آید که هر یک از ادیان از مجموعه ای از آموزه های اعتقادی، قوانین و احکام عبادی و حقوقی و دستور العمل های اخلاقی تشکیل می شود. اگر چه ممکن است

اهتمام به عناصر یاد شده در ادیان مختلف یکسان نباشد، ولی هیچیک از ادیان - حتی ادیان ابتدایی - را نمی توان یافت که فاقد آموزه های اعتقادی، احکام عبادی و حقوقی، و بایدها و نبایدهای اخلاقی باشد.



نکته دیگری که از مطالعه ادیان به دست می آید این است که معارف، آموزه ها و احکام دینی به دو دسته مشترک و مختص تقسیم می شوند. این مطلب که حقیقتی متعالی وجود دارد که تکامل و تعالی انسان در گرو شناخت او و توکل و تسلیم در برابر او است یکی از بنیادی ترین اصول و آموزه های مشترک ادیان بزرگ، اعم از وحیانی و غیر وحیانی است. برخی از دین پژوهان این عنصر مشترک را امر قدسی دانسته اند که از حقیقت متعالی یا امر الوهی نیز شمول بیشتری دارد. با این حال، هر یک از ادیان اولاً: آن حقیقت متعالی یا امر قدسی یا الوهی را با اوصاف و ویژگی هایی معرفی کرده اند، و ثانیاً: شعایر، مناسک، عبادات و دستورات ویژه ای را درباره رفتارهای فردی و اجتماعی افراد بشر مقرر داشته و التزام به آنها را برای نیل به نجات و رستگاری بشر لازم دانسته اند.

شکی نیست که هر یک از ادیان در شرایط ویژه زمانی و مکانی پدید آمده و انگیزه و آرمان آنها نیز اصلاح وضع موجود،

و هدایت بشر به سوی وضعیت مطلوب بوده است. این مطلب در مورد ادیان آسمانی و وحیانی بسیار روشن است. چنان که در مورد ادیان دیگری چون هندوئیسم، بودیزم، جاینیزم و کنفوسیوس نیز دلایل و شواهد تاریخی گویای این حقیقت است. مثلاً آئین های بودایی و جینی به عنوان عکس العمل در برابر آیین هندو و به انگیزه اصلاح آن پدید آمده اند. ادیان وحیانی نیز در شرایطی پدید آمده اند که فرهنگ بشری دچار انحراف اعتقادی، رفتاری و اخلاقی بوده است. در چنان شرایطی خداوند پیامبران خویش را مبعوث ساخته است تا آیین حق را به بشر ابلاغ کرده و با دین های انحرافی و باطل مبارزه کنند. امیر المؤمنین علیه السلام در این باره فرموده است:

آنگاه که بیشتر افراد بشر عهد و میثاق الهی خویش را شکستند، و حقش را نشناختند، و برای او شریک و انباز برگزیدند، و شیاطین، آنان را از معرفت خداوند گمراه ساختند، و راه عبادت او را قطع کردند، خداوند پیامبرانی را برگزید و از آنان بر وحی و

علامه طباطبایی

و

نیاز بشر به دین

در این مقاله، نظریه مرحوم علامه طباطبایی در مورد نیاز بشر به دین و شریعت آسمانی که در سه اثر خود یعنی تفسیر المیزان، شیعه در اسلام و قرآن در اسلام، مطرح کرده، طرح و تبیین و سپس تحلیل و بررسی می‌شود.

علامه طباطبایی در آثار مختلف تفسیری و کلامی خود به بحث درباره ضرورت نبوت و شریعت الهی برای بشر، و به عبارت دیگر، نیازمندی انسان به دین و شریعت آسمانی پرداخته است. گسترده‌ترین بحث در این باره را در تفسیر

شریف المیزان به مناسبت تفسیر آیه ۲۱۳
سوره بقره^(۱) مطرح کرده است.

در کتاب «شیعه در اسلام» نیز به مناسبت بحث درباره نبوت به این مسأله پرداخته است، چنان که در کتاب «قرآن در اسلام» نیز به مناسبت بحث در این باره که

۱. كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأُنزِلَ مَعَهُمُ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ...

قرآن مجید کلیات مربوط به برنامه زندگی بشر را دربردارد، مسأله نیازمندی بشر به قانون، شرایط قانون کامل و خاستگاه آن را تبیین کرده است.

ما، در این جا، نخست آنچه را که معظم له در سه کتاب یاد شده در این باره آورده است، به صورت روشن نقل می‌کنیم، آنگاه به تحلیل و ارزیابی آن می‌پردازیم:

برهان نیاز بشر به دین در تفسیر المیزان

استدلال علامه در تفسیر المیزان از امور زیر تشکیل گردیده است:

الف: انسان در ذات و سرشت خود سعادت خواه و کمال طلب است: بر این اساس، هرکاری را که انجام می‌دهد یا ترك می‌کند به انگیزه دست‌یابی به سعادت و کمال مطلوب خود می‌باشد، هر چند ممکن است در تشخیص سعادت و کمال حقیقی دچار خطا گردد. (اصل کمال جویی و سعادت طلبی).

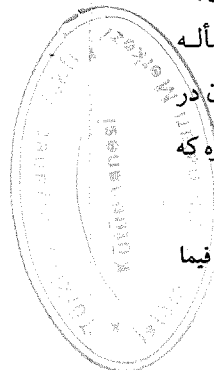
ب: انسان به مقتضای طبیعت و حس منفعت طلبی در پی بهره‌گیری از

موجودات دیگری که در پیرامون او هست، می‌باشد، بدین جهت می‌کوشد تا هر چیزی را در خدمت منافع خود قرار دهد. (اصل میل به استخدام).

ج: تمایل طبیعی پیشین (اصل میل به استخدام) انسان را به حیات اجتماعی سوق می‌دهد، زیرا بهره‌گیری از اندیشه و عمل دیگران بدون داشتن ارتباط با آنان امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این، حس استخدام، همگانی است، و در نتیجه، همه افراد نسبت به یکدیگر چنین احساسی دارند، و لازمه آن این است که نوعی تعامل و تعاون در امور زندگی را پذیرا شوند، به ویژه آن که افراد به تنهایی از عهده برآوردن نیازهای خود برنمی‌آیند.

د: از آن جا که گزینه استخدام در همه افراد بشر وجود دارد، اصطکاک و برخورد منافع پیش خواهد آمد و از طرفی، افراد بشر از نظر توانمندی‌های فکری، روحی و بدنی متفاوت می‌باشند. در نتیجه بروز اختلاف در زندگی اجتماعی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. (اصل اختلاف در زندگی اجتماعی).

هـ: اگر اختلافاتی که در جامعه



س. 45-70

- Ahlak
- Tobatabai

مسعود امید*

اخلاق‌شناسی علامه طباطبایی

چکیده

این مقاله در صدد ارائه آرای فلسفی علامه طباطبایی در باب اخلاق می‌باشد. این آرای فلسفی در دو اثر مهم ایشان، «المیزان» و «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، منعکس شده است. مقاله حاضر تلاش دارد تا دیدگاه اخلاقی علامه را به طور جامع ارائه دهد. نکات عمده‌ای که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است عبارتند از:

تأملات فلسفی در المیزان و اصول فلسفه در باب اخلاق، اخلاق و معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، روانشناسی و جامعه‌شناسی، مکاتب سه‌گانه اخلاق و تفاوت میان آنها، فطرت اخلاقی، مسأله حسن و قبح افعال الهی.

* عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه تبریز

ISSN ۱۰۲۳-۷۹۷۶

نشریه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه تبریز

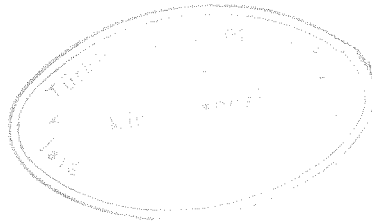
21 EYLÜL 2007

۱-۲

بهار و تابستان ۱۳۸۰ Tebriz

سال ۴۴ شماره مسلسل ۱۷۸-۱۷۹

قیمت ۳۰۰۰ ریال



مروری بر اخلاق از دیدگاه علامه طباطبائی

یکی از راههای شناخت مقام علمی یک دانشمند تحلیل نظراتی است که دربارهٔ یک موضوع علمی ارائه داده است. این چنین دانشمندی ممکن است اثر علمی مستقلی در آن موضوع خاص از خود برجا نگذاشته باشد لیکن در ضمن مباحث علمی که مطرح کرده است آن موضوع خاص را به گونه‌ای تحلیل کند که حاوی نکات جامع و دقیقی از موضوع باشد، آن‌طور که دیگران به عنوان یک اثر مستقل به آن پرداخته‌اند. چنین موردی را می‌توان در نظرات مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبائی دربارهٔ اخلاق ملاحظه کرد. بدیهی است توجه خاص به دیدگاههای علمی و فلسفی این دانشمند موجب متمرکز شدن نظریات علمی ایشان خواهد شد و در نتیجه امکان بسط و نقد افکار و گسترش دانش فراهم خواهد آمد.

بررسی موضوع اخلاق در میان آثار علمی مرحوم علامه بسهولت خاصی ما را به یک طبقه‌بندی در این باره می‌رساند که معمولاً در کتب اخلاقی دیده می‌شود؛ اگرچه ایشان در تفسیر شریف المیزان به مناسبت‌های مختلف بحث‌های اخلاقی را عنوان کرده‌اند ولی نظرات مطرح شده فصول مختلفی از علم اخلاق را بازمی‌کند که می‌توان از برخی جهات آنها را با سایر نظرات مقایسه کرد و اهمیت مقام علمی ایشان را بیش از پیش روشن ساخت.

تعریف علم اخلاق

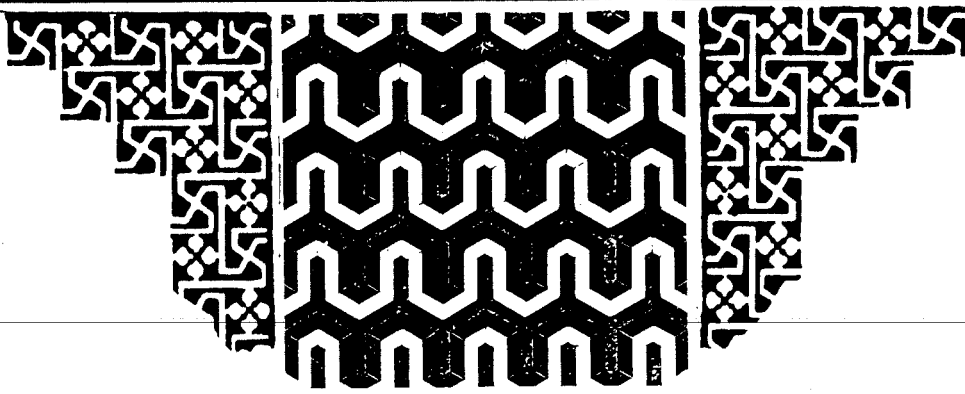
مرحوم علامه دربارهٔ علم اخلاق می‌فرماید: «علم اخلاق عبارت است از فتنی که پیرامون

ملکات انسانی بحث می‌کند. ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی او است. به این غرض بحث می‌کند که فضایل آنها را از ذرائع جدا سازد و معلوم کند کدام یک از ملکات نفسانی انسان خوب و فضیلت و مایه کمال او است و کدام یک بد و رذیله و مایهٔ نقص او است تا آدمی بعد از شناسایی آنها خود را با فضایل بیاراید و از رذایل دور کند و در نتیجه اعمال نیکی که مقتضای درونی است انجام دهد تا در اجتماع انسانی ستایش عموم و ثنای جمیل جامعه را به خود جلب کرده سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند.^۱ برخی از فلاسفه مانند ژکس در تعریف علم اخلاق به طور خلاصه چنین گفته‌اند که «علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی بدان گونه که باید باشد»^۲ و آن را از جامعه‌شناسی اخلاقی که موضوع آن رفتار آدمی است به همان نحو که در عمل وجود دارد، جدا ساخته‌اند. اگرچه این تعریف از برخی جهات مانند اینکه رابطه نزدیکی بین اخلاق و عمل برقرار کرده است، مؤید تعریف علامه است لیکن در این نکته متفاوت است که در تعریف اول (تعریف علامه) موضوع اخلاق ملکات است ولی در تعریف دوم (تعریف ژکس) رفتار آدمی است. برخی فلاسفه اسلامی مانند ابو حامد محمد غزالی تفاوت آشکاری بین خلق و عمل (رفتار) قائل شده‌اند. بدین ترتیب گویا مرحوم علامه با توجه به همین نکته بحث علم اخلاق را براساس ملکات انسانی قرار داده و نه براساس اعمال و رفتار انسانی. غزالی در احیاء علوم الدین بعد از تعریف خلق اجزا و عناصر آن را برمی‌شمارد و به تعبیری برای آن چهار شرط ذکر می‌کند که عبارتند از: ۱) عمل قبیح و جمیل (۲) قدرت بر انجام آن (۳) معرفت آن (۴) هیأتی در نفس که به یکی از دو طرف متمایل باشد و بتواند به یکی از دو طرف گرایش یابد. سپس یادآور می‌شود که خلق عبارت از فعل، قوه و معرفت نیست بلکه همان هیأت نفسانی یا ملکه است.^۳ تعریف دیگری که از موضوع علم اخلاق شده است، تعریف جان دیوئی است که از لحاظ مقایسه با تعریف علامه قابل ذکر است. جان دیوئی می‌گوید: «هرگونه فعالیت انسانی که برای تحقق آن بیش از یک راه یا امکان موجود باشد موضوع علم اخلاق است.»^۴ بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که تعریف مرحوم علامه از علم اخلاق با اطلاع و توجه به نظریات فلاسفه اسلامی دربارهٔ اخلاق بوده است و از لحاظ محتوا دقیقتر و عمیقتر از تعریف دوم می‌باشد.

تعریف اخلاق

اگرچه علامه طباطبائی (ره) در مقام تعریف خلق برنیامده‌اند لیکن در لابلای بیان خود در بحث‌های اخلاقی نکاتی آورده‌اند که نشان می‌دهد در این زمینه با تعریف فلاسفه اسلامی دربارهٔ خلق موافق بوده‌اند. مثلاً ملامحسن فیض کاشانی در کتاب حقایق، خلق را چنین تعریف کرده

OZ EKIM 1996



علامه طباطبائی و مکتب تفکیک

02 EKİM 1996

سعید رحیمیان



● اشاره

خود را محققانه بررسی می کند دغدغه «روش شناخت» وجود دارد و نحوه رویکرد به دین و مذهب نزد او از اهمیت خاص برخوردار است.

این مهم، در ادیان الهی بویژه در اسلام که وحی را بعنوان یکی از منابع شناخت مطرح می کند، خود را در دو زمینه اساسی نشان می دهد:

۱- روش استنباط و بهره‌وری از وحی.

۲- ارتباط شناخت‌های حاصل از وحی با

شناخت‌های محصول سایر منابع شناخت (همچون عقل، قلب، حس) و تردیدی نیست که هر اندیشمند الهی و متفکر اسلامی، روشها، مبادی و مبانی اعلام شده یا نشده‌ای را به نحوی مفروض، جهت بهره‌وری

علت اصلی این نگارش نظری است که در مقاله‌ای پیرامون مکتب تفکیک^(۱) به علامه طباطبائی اسناد داده شده و * کلام آن مرحوم مؤید مفاد و مراد این مکتب تلقی شده است. این امر باعث شد نگارنده ضمن بیان روش و مبانی علامه طباطبائی در شناخت اسلام و استنباط از منابع شریعت (تحت عنوان اصول نگرش اتحادی)^۲ به موارد نقد مبانی مکتب تفکیک از دیدگاه علامه طباطبائی با استناد به آثار وی اشاره نماید.

■ مقدمه

«بی‌گمان برای هر فرد دیندار که مذهب و مکتب

می‌باشد.

● این اصطلاح عنوان پیشنهادی نگارنده است برای نگرشی که مؤادی سه روش عقلی قلبی و نقلی (و حیانی) را منطبق و مؤید یکدیگر دانسته و به «اتحاد قرآن برهان و عرفان» معتقد می‌باشد. ویژگیهای این روش در همین مقاله بیان خواهد شد.

* البته صحت یا عدم صحت این انتساب که فی حد نفسه مسئله‌ای شخصی یا تاریخی است مقصود اصلی نگارنده نبوده است بلکه غرض، تلاش در ارائه آرای علامه طباطبائی پیرامون روش شناخت اسلام و نحوه بهره‌وری از منابع وحیانی و روایی و بیان میزان تفاوت این روش با روش مکتب تفکیک بعلاوه نقد ضمنی ایشان بر مبانی آن مکتب

‘ALLĀMA SAYYID MUHAMMAD HUSAYN
TABĀTABĀ'Ī: PHILOSOPHER, EXEGETE,
AND Gnostic

HAMID ALGAR
University of California, Berkeley

The transmission of scholarly eminence within a given family has been a frequent occurrence in the history of Islamic Iran, particularly after the adoption of Shi'ism during the tenth/sixteenth century. Few, however, are the lineages that could compete for continuity of erudition with the ancestry of 'Allāma Ṭabāṭabā'ī, the author of *Tafsīr al-Mīzān*. From the Aq Qoyunlu through the Safavid, Qajar and Pahlavi periods into the era of the Islamic Republic, members of this family have been consistently prominent as scholars of religion, qāḍīs, and *shaykhs al-Islām*, especially in Tabriz. The progenitor of this illustrious line was a certain Sayyid 'Abd al-Wahhāb Hamadānī who, born and bred in Samarqand, succeeded to the position of his father, Sayyid Najm al-Dīn 'Abd al-Ghaffār Ṭabāṭabā'ī, as *shaykh al-Islām* of Tabriz not long before the Safavids displaced the Aq Qoyunlus in 907/1501. Successfully negotiating the delicate transition between dynasties, Sayyid 'Abd al-Wahhāb gained the trust of Shah Ismā'īl sufficiently to be entrusted with a diplomatic mission to Istanbul, where, however, he was detained until his death in 930/1524.¹

From Sayyid 'Abd al-Wahhāb, 'Allāma Ṭabāṭabā'ī was separated by twelve generations.² His ancestor in the seventh generation, Mīrzā Muḥammad 'Alī Qāḍī, had been *qāḍī al-quḍāt* of Azerbaijan, and the

¹ For a detailed account of 'Abd al-Wahhāb and his responses to the turbulence of the age, see Hamid Algar, 'Naqshbandis and Safavids: A Contribution to the Religious History of Iran and Its Neighbors' in Michel Mazzaoui (ed.), *The Safavids and Their Neighbors* (Salt Lake City: University of Utah Press, 2003), 9–13.

² For the complete genealogy, see Muḥammad al-Ḥusayn al-Ḥusaynī al-Tīhrānī, *al-Shams al-Sāṭi'a* (Beirut, 1417/1997), 31–2. (This is the Arabic translation, made by 'Abbās Nūr al-Dīn and 'Abd al-Raḥīm Mubārak, of a Persian original, *Mīhr-i Tābān* [Tehran, 1401 SH/1982], unavailable to the present writer).

designation 'Qāḍī' clung as a proper name to later members of the lineage, whether or not they exercised the profession of judge.³ Among the ancestors relatively close in time to the 'Allāma particular mention may be made of his great-great-grandfather, Mīrzā Muḥammad Taqī Qāḍī Ṭabāṭabā'ī, pupil of the great Uṣūlī jurist, Aq Muḥammad Bāqir Bihbahānī, and of Bihbahānī's gnostically inclined student, Mīrzā Mahdī Baḥr al-'Ulūm (d. 1212/1797). Mīrzā Muḥammad Taqī's son, Mīrzā 'Alī Asghar, was a man of somewhat different temperament and accomplishment: as *shaykh al-Islām* of Tabriz during the reign of Nāṣir al-Dīn Shāh he was involved in many of the disturbances that pitted the townsfolk against the corruption of the Qajar dynasty and its local agents.⁴

Destined to overshadow all of his ancestors in scholarly accomplishment, 'Allāma Ṭabāṭabā'ī was born in the village of Shādābād (or Shādagān) near Tabriz on 29 Dhū l-Hijja 1321/16 March 1904. He lost his father, Sayyid Muḥammad Ṭabāṭabā'ī, at the age of five, and his mother died four years later while giving birth to his brother, Sayyid Muḥammad Ḥasan. This experience of being orphaned doubtless contributed to the closeness that bound the brothers together throughout their lives, a closeness which came to manifest itself in virtually identical interests and inclinations. The guardianship of the two boys fell to a paternal uncle, Sayyid Muḥammad 'Alī Qāḍī, and it was under his guidance that Ṭabāṭabā'ī began his primary education. In accordance with well-established convention, he first memorized the Qur'ān, studied Persian texts such as the *Būstān* and *Gulistān* of Sa'dī, and learned calligraphy before moving on to the specialized study of the 'Arabic sciences'—Arabic grammar, syntax, and rhetoric, the essential prerequisites for the serious study of Islam—some ten years later.

This was a relatively late initiation into the world of scholarship, not at all presaging the eminence that the 'Allāma was ultimately to attain. He recounts, indeed, that he was initially averse to study and discouraged by his inability to understand fully what he was reading, a condition that continued for about four years. A turning point was reached when he failed a test on Suyūṭī's well-known treatise on grammar, a staple of the traditional elementary curriculum, and his exasperated teacher told him: 'Stop wasting my time and your own.' Shamefaced, he left Tabriz for a while to engage in a devotional practice

³ 'Allāma Ṭabāṭabā'ī himself was initially known as Qāḍī after his arrival in Qum in 1946, but he discouraged this practice, preferring to use Ṭabāṭabā'ī as surname. See al-Tīhrānī, *al-Shams al-Sāṭi'a*, 13, n. 1.

⁴ See Nāḍī Mīrzā, *Tārikh va-juḡhrāfi-yi dār al-saltāna-yi Tabriz* (Tehran, 1323/1905), 118, 244.

ÖLÜMSÜZ SİMLAR

ALLÂME TABÂTABÂÎ

Prof. Dr. Seyyid Hüseyin Nasr



Allâme Seyyid Muhammed Hüseyin Tabâtabâî, ilim sahibi bir soya mensuptur. On dördüncü büyük babasından itibaren babasına kadar hepsi Tebriz'in meşhur alim ve bilginlerindedir. Allâme ş.1282/m. 1903 yılının sonunda Tebriz'de dünyaya geldi ve ilk tahsilini doğum yerinde yaptı.

Tahsilinin bu ilk aşamasını geride bıraktıktan sonra ş. 1304/m. 1926 yılında Necef-i Eşref'e gidip Şiiliğin bu büyük ilim merkezinde on yıl ilim tahsil ederek, İslâmî ilimlerin muhtelif dallarında uzmanlaştı. Fıkıh ve Fıkıh Usulü derslerini Nâinî ve Kompanî gibi meşhur üstatlardan aldı. Felsefe'yi Seyyid Ebu'l-Hasan Cilve ve Ağa Ali Müderris Zunuzî'nin öğrencilerinden olan Seyyid Hüseyin Badkubî'den, Riyaziyatı (Matematiği) Seyyid Ebu'l-Kasım Hânsârî'den, Ahlak'ı ise amelî hikmet ve irfanda büyük bir makama sahip olan Hacı Mirzâ Ali Kâzî'den öğrendi. Daha sonra ş.1314/m. 1934 yılında kendi doğum yerine geri döndü.

Allâme Tabâtabâî sadece fıkıh dalında değil sarf, nahiv, Arap edebiyatı, fıkıh ve usul'ün yanı sıra Eklidüs'un "Usul"ünden Betlemyos'un Mecasetasına kadar eski matematik usulleri hakkında ayrıca felsefe, kelam, irfan ve tefsir dalında da ihtisas sahibi olacak derecede derin bir şekilde öğrenim gördü.

Allâme Tabâtabâî bazı siyasî olaylar sonucu ortaya çıkan ve kötü sonuçlar bırakan ikinci dünya savaşından sonra doğum yerini terk edip Kum şehrine giderek, ş.1325/m. 1944 yılından itibaren oraya yerleşti. Siyasetten uzak durarak tefsir ve felsefe dalında ders toplantıları düzenledi. Sık sık Tahran'a giderek felsefe ve İslâmî ilimlere ilgi duyan kimselerle irtibata geçti. Din ve felsefe muhalifleriyle çekinmeden tartışarak doğru yoldan sapan nicelerini akıl ve mantıktan faydalanarak dinî ve felsefî konular hakkında aydınlattı. Son yirmi yıl zarfında hem alimler arasında hem de Batı'da tahsil görmüş aydın kişiler arasında ilgiyle okunan nefis ve değerli bir eser geride bıraktı. Yıllar yılı her sonbahar mevsiminde Allâme Tabâtabâî, Prof. Henry Corbin ve bir grup bilgin ile toplantı düzenleyerek bu toplantılarda din ve felsefe alanındaki önemli konuları aydınlığa kavuşturdu. Bu toplantılar çok önemli ve olumlu sonuçlar yaratmıştır. Şüphesiz günümüzde İslâm aleminde bu gibi düzeyli ve geniş ufuklu toplantıların bir benzerine rastlamak mümkün olmamaktadır. Hatta İslâm ve

D.1620

Name-i Aşina , yıl:4 / sayı:3 (2002) s.108-112. 109

Hıristiyanlık arasındaki fikrî ve manevî irtibatın Orta Çağ'da kesintiye uğramasından sonra, İslâm alemiyle Batı dünyası arasında böyle toplantılar düzenlenmemiştir. Bu toplantılar sayesinde Allâme Tabâtabâî sadece Tebriz'de değil Tahran'da ve İran'ın diğer ilmî merkezlerinde de meşhur olmuştur.

Allâme Tabâtabâî'nin büyük hizmet ve himmetiyle Kum şehrinin medreselerinde akli ilimler ve ayrıca Kur'an-ı Kerim tefsiri tekrar okutulmaya başlanmıştır. Allâme, tedricen felsefenin temeli sayılan "Şifa" ve "Esfâr" gibi kitapları okutarak bu ilim dalının da medreselerde okutulmasına vesile olmuştur. Allâme'nin yüce şahsiyeti, güzel sıfatlara sahip olması ve talebelerine karşı güzel davranışı gün geçtikçe felsefeye ilgi duyan kabiliyetli öğrencilerin Allâme'nin dersine akın etmesine neden olmuştur. Öyle ki son yıllarda felsefe dersinde yüzlerce öğrencisi vardır. Yirmi yıl zarfında niceleri Allâme'nin kılavuzluğu sayesinde felsefe dalında uzmanlaşmışlardır.

Allâme Tabâtabâî'nin birçok talebeyi eğitmekle ve felsefî kitaplar yayınlamakla felsefeye yapmış olduğu hizmetten daha da önemlisi, öğrencilerinin ahlakî terbiyesine ve nefis tezkiyesine göstermiş olduğu titizliktir Allâme, hakikatte ilim ve ahlakı beraberce öğrenip yaymak isteyen şahısları terbiye etmek için yepyeni bir ekol geliştirerek topluma çok değerli bireyler kazandırmıştır.

ALLÂME TABÂTABÂÎ'NİN ESERLERİ

TÜRKÇE'YE TERCÜME EDİLMİŞ OLANLAR

- 1- El-Mizan Tefsiri: Allâmenin Arapça yazmış olduğu yirmi ciltlik çok nefis bir Kur'an tefsiridir (İlk altı cildi Kevser Yayınları tarafından ilk altı cildi Türkçe'ye tercüme edilmiştir).
- 2- İnsanın Tarihte Tekamülü, M. Mutaharri-A. Tabâtabâî, Seçkin Yay., Çev.: Ubeyd Küçüker, 1989-İstanbul.
- 3- İslâm ve Toplum, Objektif Yay., 1991-İstanbul
- 4- Söyleşiler, Çev.: İsmail Bendiderya, İnsan Yay., 1996-İstanbul
- 5- İslâm'da Şia, Çev.:Kadir Akaras- Abbas Kazimi, Kevser Yay., 1993-İstanbul
- 6- İslâm'da Kur'an, Çev.: Bahri Akyol, Ensariyan Yay., 1997-İran

TERCÜME EDİLMEMİŞ OLANLAR

- 6- Realizm Felsefesi Usulü: Ayetullah Şehit Murtaza Mutahhari'nin dipnotlarıyla beş cilt olarak yayımlanmıştır.
- 7- Sadruddin-i Şirazi'nin "Esfâr"ının şerhi: Allâme Tabâtabâî'nin nezaretinde yayınlanmakta olan Esfar'ın yeni baskısına yazılmış olup şimdiye kadar altı cildi yayınlanmıştır.
- 8- İslâmî Hükümet Hakkında Risâle: Farsça, Arapça ve Almanca olarak basılmıştır.
- 9- Haşiye-i Kifaye.
- 10- Risâle der Kuvve ve Fiil

28 MART 2003

-Tabataba'ii Seyyid Muhammed
-Tabataba'ii Muhammed Mukhlif
-Tabataba'ii Muhammed Horeyin

٦- مشهد آل طباطبا بالإمام الشافعي

(٣٣٤ هـ / ٩٤٥ م)

عاصم محمد رزق، أطلس العمارة الإسلامية والقبطية بالقاهرة، الجزء الأول،
بيروت ٢٠٠٣، ص. ١٢٥-١٣٧. ISAM KTP ٩٧١٢٦.

علامه طباطبائی. کیهان فرهنگی. ش ۲۶ (آبان ۱۳۶۸): ۱۳-۱۹

۳۶۷۱ مهدوی راد، محمدعلی: جایگاه «المیزان» در میان تفاسیر. کیهان فرهنگی. ۶ (۱۳۶۸) ش ۸: ۱۲-۱۳

سابورین اردشیر و دیگران. [تواند. ج ۱ (۱۴۰۶) ق. ۵: ۱۶۲-۱۷۴ (عربی)]

طباطبائی، محمد حسین (علامه)

۳۶۶۰ ابراهیمی دینانی، غلامحسین: علامه طباطبائی و نظر متکلمان درباره علم خداوند به جزئیات.

کیهان فرهنگی. ۶ (۱۳۶۸) ش ۸: ۸-۹

۳۶۶۱ الاوسی، علی: درباره «المیزان». ترجمه

بهاءالدین خرمشاهی. کیهان فرهنگی. ۶

(۱۳۶۸) ش ۸: ۱۰-۱۱

۳۶۶۲ حامد مقدم، احمد: منشأ زندگی اجتماعی انسان

از دیدگاه علامه طباطبائی. ادبیات مشهد. ۲۱

(۱۳۶۷): ۲۸۳-۲۹۶

۳۶۶۳ حسن زاده عاملی، حسن: علامه طباطبائی در

منظره عرفان نظری و عملی. کیهان اندیشه. ش

۲۶ (آبان ۱۳۶۸): ۳-۱۲

۳۶۶۴ خرمشاهی، بهاءالدین: درباره المیزان. سیر

بی سلوک. تهران، ۱۳۷۰. ص ۱۲۸-۱۳۵

۳۶۶۵ زنجانی، عزالدین: علامه طباطبائی، جامع

حکمت و شریعت. کیهان فرهنگی. ۶ (۱۳۶۶)

ش ۸: ۱-۴

۳۶۶۶ نسبجانی، جعفر: مقام علمی و فرهنگی علامه

طباطبائی. کیهان فرهنگی. ۶ (۱۳۶۸) ش ۸: ۵-۷

۳۶۶۷ سلطانی، محمدعلی: سیمای زن در «المیزان».

کیهان فرهنگی. ۶ (۱۳۶۸) ش ۸: ۱۴-۱۶

۳۶۶۸ سید علوی، ابراهیم: متد نقد و تحقیق حدیث از

نظر علامه طباطبائی. کیهان فرهنگی. ش ۲۶

(آبان ۱۳۶۸): ۲۰-۳۹

۳۶۶۹ شهیدی، جعفر: المیزان در میان تفسیرهای قرآن.

کیهان فرهنگی. ۲ (۱۳۶۴) ش ۱۱: ۱۲-۱۴

۳۶۷۰ صاحبی، محمدجواد: فلسفه سیاسی از دیدگاه

طبری

درینجا آنچه درباره تفسیر او و عقاید دینی اوست آمده.

برای مقالات مربوط به کتاب تاریخ و تاریخ نگاری او به

بخش تاریخ مراجعه شود

۳۶۷۲ آذرنوش، آذرتاش: آیا ترجمه تفسیر طبری به

راستی ترجمه تفسیر طبری است؟ یکی قطره

باران. تهران، ۱۳۷۰. ص ۵۵۱-۵۶۰

۳۶۷۳ استادی، رضا: اهل بیت رسالت در تفسیر طبری.

کیهان اندیشه. ش ۲۵ (شهریور ۱۳۶۸): ۸۶-۹۹

۳۶۷۴ اصفهانی، امیر: طبری یا طبری. آینه پژوهش.

۱ (۱۳۶۹): ۳۲۷-۳۲۸

۳۶۷۵ تدین، مهدی: نقش تاریخ در تفسیر طبری.

یادنامه طبری. تهران، ۱۳۶۹. ص ۳۸۵-۴۰۵

۳۶۷۶ جاوید صباغیان، محمد: زبان ترجمه در

ترجمه تفسیر طبری. یادنامه طبری. تهران،

۱۳۶۹. ص ۵۸۵-۵۹۹

۳۶۷۷ جعفری، محمد مهدی: تاریخ نگاری و مذهب

ظاهری. یادنامه طبری. تهران، ۱۳۶۹. ص

۴۷۷-۵۰۰

۳۶۷۸ جعفریان، رسول: شخصیت علمی فرهنگی

طبری. کیهان اندیشه. ش ۲۵ (شهریور ۱۳۶۸):

۴-۲۱

۳۶۷۹ جناتی، محمد ابراهیم: بعد فقهی و اجتهادی

فهرست مقالات فارسی

۷۰۵/۱۵

تابان ۱۳۷۹

استدل القائلون بصحة هذا البيع العرف حيث أن البيع قد ورد الشرع بحله مطلقاً ولم يثبت أنه اشترط فيه لفظاً ولم يبين كيفيته فيرجع في ذلك إلى العرف .

أما القائلون بعدم صحة البيع في هذه الصورة فقد قالوا :

إن الشارع اشترط الرضى لصحة البيع وهو أمر خفي لا يعرف إلا بالابحاج والقبول واحتياج في البيع إلى الصيغة لأنه منوط بالرضى والرضى أمر خفي لا يطلع عليه فأنيط الحكم بسبب ظاهر وهو الصيغة فلا ينعقد بالمعاطة إذ الفعل لا يدل بوضعه^(١) .

٢ - بيع الثمار بعد بدو صلاحها :

ذهب الشافعي وأحمد إلى أنه لا يجوز ذلك سواء في الثمار التي لها أصول ثابتة كالتمر والعنب وما ليس له أصول ثابتة كالقثاء والبطيخ . وهذا ظاهر مذهب الحنفية .

وحجة الجمهور أن هذا البيع يدخل في بيوع الغرر المنهي عنها فهو يدخل في بيع المعدوم وبيع ما لا يملك الإنسان وكلاهما منهي عنه وكذلك يدخل في النهي عن بيع الثمر قبل بدو الصلاح من باب أولى . أما الإمام مالك فذهب إلى ما ذهب إليه الجمهور من القول بعدم الجواز خاصة فيما يمكن تمييز ظهور بعضه عن بعض .

وحجته في ذلك هي حجة الجمهور^(٢) .

وأما ما لا يميز ظهور بعضه عن بعض كالقثاء والبطيخ فإن مالكاً خالف فيه الجمهور ، وقال إنه يجوز إذا ظهر البعض وبدا صلاحه أن يباع جميعه ويكون للمشتري ما ينبت حتى ينقطع ثمره .

(١) مغني المحتاج ٣/٢ .

(٢) المغني ٧٠/٤ والدر المختار ٥٥٥/٤ وفتح القدير ١٠٤/٥ ، بداية المجتهد ١٤٨/٢ .

وعمدة مالك في هذا العرف^(١) .

٣ - سرقة أحد الزوجين من الآخر :

اتفقوا على أنه إذا سرق أحد الزوجين من حرز مشترك أنه لا يقطع في هذا .

واختلفوا فيما إذا سرق أحدهما من حرز يختص به الآخر هل يقطع أو لا؟ .

ذهب الإمام مالك إلى أنه يقطع .

والظاهر أن عمدته في ذلك عمل أهل المدينة .

وذهب أبو حنيفة إلى أنه لا قطع عليهما لوجود الشبهة التي تدفع الحد .

وذلك أن العادة جارية بالتبسط بين الزوجين في الأموال ويقوي هذه الشبهة قياسهما على الوالدين والخدام فإنه لا قطع عليهم^(٢) .

ولأحمد روايتان :

أما الشافعي فله ثلاثة أقوال :

١ - القطع مطلقاً .

٢ - لا قطع عليهما .

٣ - يقطع الزوج في سرقة مال الزوجة ولا تقطع الزوجة في سرقة مال الزوج .

(١) الشرح الكبير ١٧٨/٣ .

(٢) الموطأ ٨٣٧/٢ والهداية ٢٣٩/٤ .

هَيَاتِ الْحِكْمَةِ

لِلْعَلَمَةِ الْكَبِيرِ الْفَيْلَسُوفِ الشَّهِيرِ
السِّدِّيقِ مُحَمَّدِ بْنِ الطَّبَّاطُبَائِيِّ

رضوانا عليه

الْجُلْدُ الْأَوَّلُ

| | |
|---|----------------|
| Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi Müdürlüğü | |
| Kayıt No. : | 12702 |
| Tasnif No. : | 181.2 TAB.N |

عَلَّقَ عَلَيْهِ

الْأَيْمُنُ ذَا السَّبْحِ مُحَمَّدُ بْنُ الْمُبَارَكِ بْنِ أَبِي

الْجُلْدُ الْأَوَّلُ

Tabataba'i Muhammed Hüseyin



کتاب حاضر در تیراژ ۵۰۰۰ عدد در ماه صفر الخیر ۱۴۰۵ هـ ق
مطابق با آبان ماه ۱۳۶۳ توسط انتشارات الزهراء منتشر شد.

چاپ: چاپخانه علامه طباطبائی (ره)
حروفچینی: الکترونیک تلفن: ۸۳۹۶۶۸

20 TEMMUZ 1994

بداية الحكمة

لمؤلفه

الاستاذ العلامة السيد محمد حسين الطباطبائي

قدس سرّه

| | |
|---|----------------|
| Türkiy - Diyanet İşleri İslâm Ansiklopedisi Yayıncılığı | |
| Kayıt No. : | 12627 |
| Tasnif No. : | 181.2 TAB.B |

131
131

Tabatabai Muhammed Hüseyin

20 TEMMUZ 1996

2917. **Tabāṭabā'ī, Muḥammad Husain aṭ:** al- Mizān fī ^{TABĀṬĀ'Ī} tafsīr al-Qur'ān / ta'līf Muḥammad Husain aṭ-Tabāṭabā'ī. - ^{BA' NU} Qum : Gamā'at al-Mudarrisīn fī-Hauza al-'Ilmīya. - (In ^{hammad} ^{Mūsawī} tišārāt-i islāmī ; ...)
- Inhalt: Korankommentar. - In arab. Schrift, pers. - ^{KUR'AN} ^{VI-MUH-} ^{TEVA}
- 31 A 8441
1. ([circa 1989]). - 447 S. - (... ; 215) 31 A 8441-1/2
 2. ([circa 1989]). - 448 S. - (... ; 216) 31 A 8441-1/2
 3. ([circa 1989]). - 391 S. - (... ; 217) 31 A 8441-3/4

4. ([circa 1989]). - 424 S. - (... ; 218) 31 A 8441-3/4
5. ([circa 1989]). - 402 S. - (... ; 219) 31 A 8441-5/6
6. ([circa 1989]). - 381 S. - (... ; 220) 31 A 8441-5/6
7. ([circa 1989]). - 397 S. - (... ; 221) 31 A 8441-7/8
8. ([circa 1989]). - 386 S. - (... ; 222) 31 A 8441-7/8
9. ([circa 1989]). - 415 S. - (... ; 223) 31 A 8441-9/10
10. ([circa 1989]). - 382 S. - (... ; 224) 31 A 8441-9/10
11. ([circa 1989]). - 389 S. - (... ; 225) 31 A 8441-11/12
12. ([circa 1989]). - 377 S. - (... ; 226) 31 A 8441-11/12
13. ([circa 1989]). - 407 S. - (... ; 227) 31 A 8441-13/14
14. ([circa 1989]). - 415 S. - (... ; 228) 31 A 8441-13/14
15. ([circa 1989]). - 407 S. - (... ; 229) 31 A 8441-15/16
16. ([circa 1989]). - 394 S. - (... ; 230) 31 A 8441-15/16
17. ([circa 1989]). - 406 S. - (... ; 231) 31 A 8441-17/18
18. ([circa 1989]). - 391 S. - (... ; 232) 31 A 8441-17/18
19. ([circa 1989]). - 405 S. - (... ; 233) 31 A 8441-19/20
20. ([circa 1989]). - 398 S. - (... ; 234) 31 A 8441-19/20

2918. **Tabāṭabā'ī, Muḥammad Husain aṭ:** Tarǧuma-i Tafsīr al-mizān / Muḥammad Husain Tabāṭabā'ī. Mutarǧim: Muḥammad Bāqir Mūsawī Hamadānī. - Qum : Daftar-i Intišārāt-i Islāmī. - (Intišārāt-i islāmī ; ...)

- Einheitssacht.: al- Mizān fī tafsīr al-Qur'ān (pers.). - Inhalt: Korankommentar. - In arab. Schrift, pers. 31 A 8442
1. - Čāp 1. - [1984] = 1363 h.š. - 688 S. - (... ; 243) 31 A 8442-1
 2. - Čāp 1. - [1984] = 1363 h.š. - 704 S. - (... ; 250) 31 A 8442-2
 3. - Čāp 1. - [1984] = 1363 h.š. - 613 S. - (... ; 251) 31 A 8442-3
 4. - Čāp 1. - [1984] = 1363 h.š. - 688 S. - (... ; 252) 31 A 8442-4
 5. - Čāp 1. - [1985] = 1364 h.š. - 672 S. - (... ; 253) 31 A 8442-5
 6. - Čāp 1. - [1985] = 1364 h.š. - 552 S. - (... ; 254) 31 A 8442-6
 7. - Čāp 1. - [1985] = 1364 h.š. - 560 S. - (... ; 255) 31 A 8442-7
 8. - Čāp 1. - [1985] = 1364 h.š. - 520 S. - (... ; 256) 31 A 8442-8
 9. - Čāp 1. - [1985] = 1364 h.š. - 582 S. - (... ; 257) 31 A 8442-9
 10. - Čāp 1. - [1986] = 1365 h.š. - 592 S. - (... ; 258) 31 A 8442-10
 11. - Čāp 1. - [1987] = 1366 h.š. - 548 S. - (... ; 259) 31 A 8442-11
 12. - Čāp 1. - [1987] = 1366 h.š. - 559 S. - (... ; 260) 31 A 8442-12
 13. - Čāp 1. - [1987] = 1366 h.š. - 572 S. - (... ; 261) 31 A 8442-13
 14. - Čāp 1. - [1987] = 1366 h.š. - 600 S. - (... ; 262) 31 A 8442-14
 15. - Čāp 1. - [1987] = 1366 h.š. - 600 S. - (... ; 263) 31 A 8442-15
 16. - Čāp 1. - [1988] = 1367 h.š. - 608 S. - (... ; 264) 31 A 8442-16
 17. - Čāp 1. - [1988] = 1367 h.š. - 632 S. - (... ; 265) 31 A 8442-17
 18. - Čāp 1. - [1988] = 1367 h.š. - 600 S. - (... ; 266) 31 A 8442-18
 19. - Čāp 1. - [1988] = 1367 h.š. - 696 S. - (... ; 267) 31 A 8442-19
 20. - Čāp 1. - [1988] = 1367 h.š. - 712 S. - (... ; 268) 31 A 8442-20

10 MART

- ۱۶۵۶ "تذکره مرحوم علامه به قلم خود ش". جمهوری اسلامی (۲۴ آبان ۱۳۶۳): ص ۱۷ | صحیفه ش ۱۵.
- ۱۶۵۷ جوادی آملی، عبدالله. "علامه شاکرد خوب قرآن و عترت"، جمهوری اسلامی (۲۴ آبان ۱۳۶۳): ص ۱۲، ۱۳ | صحیفه ش ۱۵. شرح زندگانی علمی علامه طباطبایی.
- ۱۶۵۸ حسن زاده آملی، حسن. "و آتیناه الحکمه و فصل الخطاب"، جمهوری اسلامی (۲۴ آبان ۱۳۶۳): ص ۵ - ۷ | صحیفه ش ۱۵. شرح زندگی علامه طباطبایی.
- ۱۶۵۹ "سیره عملی اهل بیت (ع) در تفسیر قرآن همان روال تفسیر المیزان است". اطلاعات (۲۴ آبان ۱۳۶۳): ص ۱۵. نقش استاد علامه طباطبایی در نهضت فکری حوزه علمیه قم و بیوگرافی کتاب المیزان ایشان.
- ۱۶۶۰ "سومین سالگرد سفر علامه طباطبایی به عالم قدس و بیگرانگی گرامی باد". کیهان (۲۴ آبان ۱۳۶۳): ص ۲.
- ۱۶۶۱ "علامه طباطبایی اقیانوس کران ناشناس علم و فضیلت". جمهوری اسلامی (۲۴ آبان ۱۳۶۳): ص ۲ | صحیفه ش ۱۵.
- ۱۶۶۲ "فنا، تنگی هستی را پاره کردن و به هستی مطلق رسیدن". اطلاعات (۲۴ آبان ۱۳۶۳): ص ۹، ۱۰. برگزیده‌ای از دیدگاههای علامه طباطبایی.
- ۱۶۶۳ فهرست آثار مرحوم استاد علامه طباطبایی قدس سره". جمهوری اسلامی (۲۴ آبان ۱۳۶۳): ص ۱۷ | صحیفه ش ۱۵.
- ۱۶۶۴ "کج دلم خوان گر نظر بر صفحه دفتر کم". اطلاعات (۲۴ آبان ۱۳۶۳): ص ۱۶.
- ۱۶۶۵ مصباح یزدی، محمد تقی. "تجلی ارتباط با ماوراء طبیعت در سیمای ملکوتی علامه". جمهوری اسلامی (۲۴ آبان ۱۳۶۳): ص ۱۳ | صحیفه ش ۱۵. در باره شخصیت علامه طباطبایی.

31 TEMMUZ 1993

- ۱۶۵۴ "استاد علامه طباطبایی اسوه و لواء، اخلاق، علم". پیام انقلاب، سال ۵، ش ۱۲۳ (۱۹ آبان ۱۳۶۳): ص ۱۰ - ۱۵. *TABATABAI MUHAMMAD HUSEIN*
- ۱۶۵۵ "ذره‌بی بودم و مهر تو مرا بالا برد". اطلاعات هفتگی، ش ۲۲۱۵ (۲۲ - ۳۰ آبان ۱۳۶۳): ص ۸ - ۹. نگاهی به زندگی استاد علامه طباطبایی به مناسبت سالروز درگذشت ایشان.

01571



علامه طباطبائی از نظرگاه هانری کرین

□ دکتر کریم مجتهدی
استاد دانشگاه تهران

ابن رشد در قرن ۱۲ میلادی نه فقط نزد مسلمانان به پایان نرسیده، بلکه برعکس - حداقل در سرزمین ایران - براساس سنت فلسفی ابن سینا و تحرکی که از طریق فلسفه اشراقی سهروردی در آن ایجاد شده و تأثیر عرفانی ابن عربی و رواج تشیع مبتنی بر حکمت انبیاء، نسل بنسل موجب پیدایش متفکران بسیار اصیل و درخشانی شده که در زمینه‌های مختلف صاحب‌نظر بوده‌اند و بسا نزدیک‌سازی دو گرایش مشائی و اشراقی، بیش از پیش به موضع خود استحکام بخشیده‌اند.

در این راستا می‌توان از افرادی چون خواجه نصیرطوسی، میرداماد، میرفندرسکی، ملاصدرا و تعداد زیاد دیگری از حکما و متفکرانی نام برد که تا بدین روز حافظ وحدت فرهنگی و اعتقادی ایرانیان بوده‌اند. بترتیب تاریخی در این گروه، علامه طباطبائی یکی از آخرین چهره‌های درخشانی است که در طول عمر پربار فرهنگی و علمی خود، عملاً مسئولیت حفاظت از ارزشهای فلسفی سنتی ما را بعهده داشته است و لحظه‌ای از فعلیت بخشی بدان کوتاهی نکرده است. بدین ترتیب می‌توان متوجه شد که اگر کرین نوشته مستقلاً در معرفی علامه طباطبائی به غریبان به رشته تحریر درنیاورده، درعوض در مجموعه آثار او افکار این دانشمند ایرانی بنحوی محوریت خاصی داشته و در عصر معاصر می‌توانسته مصداق بارزی از استمرار آن تفکری محسوب شود که هانری کرین در مدت بیش از یک ربع قرن، کوشش داشته است فراز و نشیب مسیر آن را جستجو و بازگو کند. ما در اینجا قبل از هر نوع بحث اضافی - صرفاً بمنظور

اگرچه مسلماً بهتر است که افکار شخصیت‌های علمی بزرگ چون علامه طباطبائی بنحو مستقیم در آثار خود آنها و یا در نوشته‌های شاگردان بلافصل آنها مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد، ولی از لحاظ دیگر شاید بجا باشد که در این مهم به نظرگاه کسانی نیز که به فرهنگهای غیر، تعلق دارند رجوع شود، چه در هر صورت شناخت خود در آینه دیگری همواره می‌تواند آموزنده باشد و احتمالاً براین اساس نکات جدید بسیاری را نیز می‌توان شناسائی کرد.

بهر ترتیب، در این گزارش به تفکر علامه طباطبائی و به موضع خاص او، بیشتر از نظرگاه هانری کرین مستشرق و فیلسوف فقید فرانسوی، پرداخته شده است، خاصه که در دهه‌های اخیر در همه مراکز فرهنگی و فلسفی جهان، اعم از دانشگاه‌های رسمی و یا انجمنهای مختلف غیررسمی، شهرت هانری کرین بنحو چشمگیری افزایش یافته و او نه فقط یکی از بزرگترین متخصصان فلسفه‌های اسلامی محسوب می‌شود، بلکه بحق بنظر گروهی، جزء عمیقترین آنهاست و در آثار او در این زمینه حرفها و تفسیرهای بسیار بدیع و جالب توجهی می‌توان یافت که در جهان غرب قبل از او بیسابقه بوده است.

هانری کرین افزون بر تفسیر رساله‌های تمثیلی ابن سینا و جمع‌آوری و ترجمه آثار سهروردی - اعم از فارسی و عربی - اذهان غربی را به اهمیت سنت‌های فکری «ایرانی - اسلامی» توجه داده و بنحو مستند، ثابت کرده است که - برخلاف تصور اکثر غریبان - فلسفه، بعد از وفات

" ۲۲۲۵
TARAGATAGAT MUHAMMAD HUSSEIN
حجت الاسلام ابراهیم امینی درباره علامه سخن می گوید .
صبح آزادگان (۲۴ آبان ۱۳۶۱) : ص ۷ ، ۱۶ .
درباره شخصیت علامه طباطبائی .

" ۲۲۲۶
در سوگ آفتاب تابان علم و معرفت اسلامی . " کیهان (۲۴ آبان ۱۳۶۱) : ص ۱ ، ۲ .
درباره شخصیت علمی مذهبی علامه حاج سید محمدحسین طباطبائی .

" ۲۲۲۷
روستا زاده یتیمی که عنوان علامه گرفت . " جوانان امروز ،
ش ۸۲۱ (۲۴ آبان ۱۳۶۱) : ص ۴-۷ ، ۵۲-۵۳ .
مصاحبه با آقای عبدالعزیز طباطبائی پسر ارشد علامه
طباطبائی پیرامون شخصیت علامه طباطبائی .

" ۲۲۲۸
زندگینامه علامه طباطبائی بقلم خودش . " صبح آزادگان
(۲۴ آبان ۱۳۶۱) : ص ۶ .

" ۲۲۲۹
عارفی در حضور . " جمهوری اسلامی (۲۴ آبان ۱۳۶۱) : ص ۴۰۸ .
گفتگوی حجت الاسلام دکتر احمدی شاگرد مرحوم علامه
طباطبائی درباره نقش تحول آفرین استاد در زمینه
مباحث فلسفی و نوآوری ، تفکرات شیعی و اعتقادات اسلامی
و ...

" ۲۲۳۰
علامه طباطبائی از دیدگاه شهید مطهری . " صبح آزادگان
(۲۴ آبان ۱۳۶۱) : ص ۷ .

" ۲۲۳۱
علامه طباطبائی از زندگی خود می گوید . " کیهان (۲۴ آبان ۱۳۶۱) : ص ۱۲ .

" ۲۲۳۲
علامه طباطبائی : امتی که جنگ و مبارزه نکند زنده نیست .
اطلاعات (۲۴ آبان ۱۳۶۱) : ص ۶ ، ۷ و ویژه نامه .

گفتگوی آیت الله جوادی آملی درباره نقش علامه
طباطبائی در رابطه با پیوند حوزه و دانشگاه ، موقعیت زن در
اسلام .

۰۹۰۷ : ص ۱۱۶۱

اشتراکات علامه طباطبائی در جهان تشیع و محمد عبده در
جهان تسنن .

01 TEM 2010

0402 Al-Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn
Al-mizān fī Tafsīr al-Qur'ān / li-mu'allifi-hi Muḥammad Ḥusayn al-Ṭabāṭabā'ī. - Ṭ. 3. - Ṭahrān : Dār al-Kutub al-Islāmiya, 1976. - 19 v. ; 24 cm
Falta el v. 4. - "1397 h."--Port.
1. Al-Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn.
2. Corán - Interpretación 3. Corán - Comentarios I. Título.
297.18
ICMA 4-33788-33806 (volúmenes 1 a 20) R. 68573

Tabataba'ei, M. Hus.

0403 Al-Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn
Shi'a / Sayyid Muhammad Husayn Tabatabai ; translated by Sayyid Husayn Nasr. - Qum : Ansariyan Publications, 1989. - XI, 253 p. : fot. ; 22 cm
Bibliografía: p. 239-244. - Índice. - "1409 h."--Contraport.
1. Šī'a - Doctrinas - S.XX 2. Šī'a - Ritos y ceremonias I. Nasr, Seyyed Hossein II. Título.
297"19"
297.37
ICMA 4-33867 R. 68485

042 Al-Awsī, 'Alī
Al-Ṭabāṭabā'ī wa-manḥaḡu-hu fī tafsīri-hi al-Mizān / 'Alī al-Awsī. - Ṭ. 1. - Ṭahrān : Mu'āwiniyat al-Ri'āsa li-l-'Alāqāt al-Dawliya fī Munazzamat al-I'lām al-Islāmī, 1985. - 316 p. ; 24 cm
Bibliografía: p. 269-285. - Índices. - "1405 h."--Contraport.
1. Al-Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Ḥusayn.
2. Corán - Comentarios 3. Corán - Interpretación 4. Ulemas - Irán - S.XX I. Título. 297.18 297.18 297.18
ICMA 4-33866 R. 68484

Tabataba'ei, M. Hus.

- 1919 " نشان یار سفر کرده. از که پرسم باز که هرچه گفت نسیم صبا، پریشان گفت ". جوانان امروز، ش ۸۷۱ (۲۳ آبان ۱۳۶۲): ص ۳ .
 بمناسبت دومین سالگرد رحلت علامه طباطبایی .
- 1920 بیات ". انس باقرآن در جان علامه طباطبایی خانه داشت ". جمهوری اسلامی (۲۴ آبان ۱۳۶۲): ص ۶ - ۷ ، ۸ . ویژه نامه .
- 1921 " راه علامه ". جمهوری اسلامی (۲۴ آبان ۱۳۶۲): ص ۱ ، ۱۲ .
 درباره لزوم پیروی از راه علامه طباطبایی در دانشگاهها و حوزة های علمیه برای پرورش عالمان جامع و کامل و همه سونگر .
- 1922 " سیری در آثار قلمی علامه طباطبایی ". اطلاعات (۲۴ آبان ۱۳۶۲): ص ۳ - ۷ ویژه نامه .
- 1923 " علامه آمیزه ای از سوز درون دلسوختگان و عقل راسخ فرزندان بسود ". اطلاعات (۲۴ آبان ۱۳۶۲): ص ۲ ، ۱۵ . ویژه نامه .
 مروری بر زندگانی و حیات معنوی علامه طباطبایی .
- 1924 " علامه طباطبایی ، آیتی از نشئه عرفان علمی و عملی ". اطلاعات (۲۴ آبان ۱۳۶۲): ص ۸ - ۹ ، ۱۱ - ۱۴ . ویژه نامه .
 سخنرانی آیت الله حسن زاده آملی در کازرون پیرامون ابعاد فکری و حالات عرفانی علامه طباطبایی .
- 1925 " علامه طباطبایی سوره والعصر متحرک اجتماع بود ! ". صحیح آزادگان (۲۴ آبان ۱۳۶۲): ص ۱۱ ، ۱۴ .
 گفتگو با حجت الاسلام حسن زاده آملی .

TABATABAI,
 MUHAMMAD HUSEIN

31 TEMMUZ 1993

" علامه طباطبایی و فکر نوین اسلامی ". پیامبر هاجر ، سال ۴ ، ش ۶۹ ، (۲۵ آبان ۱۳۶۲): ص ۱ ، ۳ .

1926) TABATABAI

فاطمة عباس عبدالرحمن مها أحمد علام, دليل الرسائل الماجستير و
الدكتوراه التي نوقشت في كلية دار العلوم منذ عام 1985 و حتى نهاية
فبراير 1997, القاهرة 1418 - 1999: (جامعة القاهرة) . ISAM KTP 88569

2005

علي رمضان مطر [٥٢٩]
الطباطبائي ومنهجه في تفسيره الميزان : إشراف عبدالمجيد محمود
عبدالمجيد ، ١٩٨٠ - ٢٧٢ ورقة . - ماجستير

رودگر، محمد جواد

۵۷۲۰- از آینه تا جمال با درنگی

بر آرای علامه طباطبایی و استاد شهید

مطهری، قم: وثوق، چاپ اول، ۱۳۸۲ / ۲۰۰۰ نسخه،

۲۰۸ص، فارسی، رقعی (شمیز)، بهاء: ۱۲۵۰۰ریال،

منابع: ۲۰۵-۲۰۸. *Teaba tabati*

شابک: ۹-۴۷-۹۶۴-۷۲۵۰-۰۶۶۴

کنگره: BP۲۸۶/R۹A۹

کد پارسا: B۶۷۱۸۳

آداب سیر و سلوک؛ اندیشه‌های عرفانی علامه
طباطبایی (شخصیت‌شناسی)؛ اندیشه‌های عرفانی
مطهری (شخصیت‌شناسی)؛ معرفت عرفانی

شامل مجموعه نوشتارهایی است درباره خود
آگاهی، ولایت و شیوه‌های سیر و سلوک عرفانی و
عناصر محوری آن. نویسنده با محور قرار دادن دیدگاهها و
روشهای عرفانی بزرگانی نظیر علامه طباطبایی، امام
خمینی و شهید مطهری، پایه‌ها و مایه‌های اصیل
عرفان و ولایت را با قلمی شیوا و ادیبانه، در قالب پنج
مقاله ارائه کرده است. در مقاله نخست، دیدگاههای
شهید مطهری را درباره خود آگاهی عرفانی و شاخصه‌های
آن ارائه شده است. در مقاله بعدی نیز نگرشها و گرایشهای

عرفانی و اصول نظری آن از نگاه و اندیشه مطهری و
اشتراک و افتراق آن با اخلاق و فلسفه بررسی شده
است. ویژگی و شاخصه‌های عرفان و سلوک عرفانی
علامه طباطبایی براساس تفسیر المیزان و ولایت و راه
رسیدن بدان از دیدگاه وی و ولایت عرفانی از دیدگاه
امام خمینی نیز از مهم‌ترین مباحث این کتاب است.

شده و تمام استعدادها را برای کسب سعادت دارا است. وی دیدگاه گناه نخستین در مسیحیت را قبول نکرده است و آن را مورد نقد قرار می‌دهد. از دیدگاه مسیحیت، انسان اسیر گناه نخستین خویش است اما از نظر اسلام انسان دارای اراده و اختیار کامل است و می‌تواند در طول حیات زندگی دنیا همواره در مسیر نجات خویش قدم بردارد.

27 JUDAI 2008

آزادیان، مصطفی

۹۴۸-آموزه نجات از دیدگاه علامه

طباطبایی با نگاهی به دیدگاه رایج

مسیحیت، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه:

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۲۴۰ص،

منابع: ۲۴۰-۲۳۲ و به صورت زیرنویس، استاد راهنما:

محمد فنائی اشکوری؛ استاد مشاور؛ علیرضا آل بویه،

تاریخ دفاع: ۱۳۸۲.

کد پارسا: P۱۲۸۴۱

نجات‌بخشی ادیان؛ عقاید مسیحیت:

اندیشه‌های کلامی علامه طباطبایی (شخصیت‌شناسی)

در این پایان‌نامه به ماهیت نجات از دیدگاه

اسلام و مسیحیت اشاره شده و عوامل نجات و

رستگاری انسان مورد تحقیق قرار گرفته است.

نویسنده مفهوم نجات در اصطلاح مسیحی را به

معنای 'رهایی از سیطره گناه نخستین' معرفی می‌کند

و آن را در اسلام به معنای 'رهایی از شقاوت حقیقی و

نیل به سعادت و کمال انسانی' می‌داند. از نظر

نویسنده، انسان از دیدگاه اسلام با فطرت پاک خلق

Hirofiganlik
Tabatabaai

مسیحیت. (شماره ۹۴۸)
اندیشه‌های کلامی علامه طباطبایی

آزادیان، مصطفی

«علامه طباطبائی و آموزه گناه
نخستین!» (شماره ۹۴۹)
اندیشه‌های کلامی علامه طباطبایی

اردستانی، محمد علی

«نظریه علامه طباطبائی در مورد
نفس الامر». (شماره ۷۴۷۱)
اندیشه‌های فلسفی علامه طباطبایی

آزدری زاده، حسین

«تعیین اجتماعی معرفت‌های و حیاتی
در اندیشه علامه طباطبائی». (شماره ۸۵۴۹)
اندیشه‌های کلامی علامه طباطبایی

خلیلی، مصطفی

«نگاهی گذرا به پلورالیزم دینی از
منظر سه حکیم الهی امام خمینی،
علامه طباطبائی و شهید مطهری».
(شماره ۸۶۶۲)
اندیشه‌های فلسفی علامه طباطبایی

خیراندیش، مهدی

«بررسی و تحلیل دیدگاه‌های علامه
طباطبائی پیرامون تدبیر در قرآن».
(شماره ۷۵۴۱)
اندیشه‌های تفسیری علامه طباطبایی

رضازادگان، مریم

«آراء فلسفی علامه طباطبائی در
تفسیرالمیزان». (شماره ۷۸۳۶)
اندیشه‌های فلسفی علامه طباطبایی

«۵۳۰۸- رمز موفقیت علامه
طباطبائی (ره)»، آفاق، پیاپی ۱، ص ۵۰-۵۳ فارسی.
کد پارسا: A۶۳۲۸۰

نام نویسنده ذکر نشده است.
شخصیت علامه طباطبائی

مقاله حاضر مقایسه‌ای است بین فرهنگ اسلامی
با رویکردی جامعه‌شناسانه در دو کشور اندونزی و

مراکش که نویسنده در یک سفر تحقیقاتی به این دو
کشور به آن دست یافته است. نویسنده در این تحقیق،
مراکش را جامعه‌ای با آداب و رسوم سخت و انعطاف
ناپذیر، بنیادگرایی خشن و بی‌باک، به همراه خلوص و
اعتقاد معرفی می‌کند. این در حالی است که اندونزی
بویژه منطقه میرجاوه جامعه‌ای است منعطف و جذاب،
فعال و عمل‌گرا، آرام و صلح‌جو. از نظر نویسنده این
ویژگی‌ها در همه جا و همه افراد این دو منطقه به
صورت یکدست و یکسان وجود ندارد بلکه در مجموع
فراگیر است. وی هیچ یک از این دو رویکرد را کارآمد
نمی‌داند و معتقد است که هر دو با گونه‌هایی از
تنگناها و مشکلات مشابه روبرو هستند.

رودگر، محمد جواد

«از آینه تا جمال با درنگی بر آرای
علامه طباطبائی و استاد شهید مطهری».
(شماره ۵۷۲۰)
اندیشه‌های عرفانی علامه طباطبایی

شریف‌زاده، بهمن

«علم حضوری پایه ارزش معلومات،
نیم نگاهی به آرای علامه طباطبائی».
(شماره ۷۳۵۶)
اندیشه‌های فلسفی علامه طباطبایی

شریف‌زاده، بهمن

«مناط ارزش ادراکات از منظر
شهید مطهری و علامه طباطبائی».
(شماره ۷۳۵۷)
اندیشه‌های فلسفی علامه طباطبایی

طباطبائی، سید محمد حسین
(۱۳۶۰-۱۲۸۱)

«معاد از دیدگاه علامه طباطبائی».
(شماره ۸۲۲۲)
اندیشه‌های فلسفی علامه طباطبایی

عاشوری تلوکی، نادعلی

«بررسی دیدگاه علامه طباطبائی
در نظم آیه‌های قرآن». (شماره ۷۶۲۲)
اندیشه‌های تفسیری علامه طباطبایی

عباسی، ولی الله

«رنالیسم هستی‌شناختی و معرفت
شناختی علامه طباطبائی». (شماره ۷۳۶۲)
اندیشه‌های فلسفی علامه طباطبایی

علمی، قربان

«بررسی منشأ دین از دیدگاه دورکیم
و طباطبائی». (شماره ۹۷۱)
اندیشه‌های کلامی علامه طباطبایی

عیسی زاده، نیکزاد

«منطق فهم روایات تفسیری از
منظر علامه طباطبائی». (شماره ۴۱۱۲)
اندیشه‌های تفسیری علامه طباطبایی

کاشفی، محمد رضا (۱۳۴۶-)

«معناشناختی صفات الهی از دیدگاه
علامه طباطبائی». (شماره ۸۴۳۰)
اندیشه‌های کلامی علامه طباطبایی

کریمی، محمد

«نسبت ایمان و عقل از منظر علامه
طباطبائی و شاگردان (شهید مطهری،
آیت‌الله جوادی آملی و مصباح یزدی)».
(شماره ۸۸۸۴)
اندیشه‌های کلامی علامه طباطبایی

مقی نژاد، مرتضی

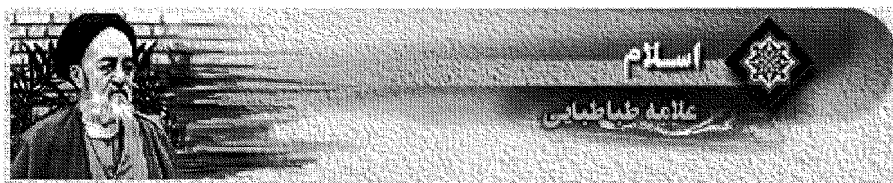
«امکان ضرورت و کیفیت معاد از
دیدگاه علامه طباطبائی». (شماره ۸۲۳۷)
اندیشه‌های فلسفی علامه طباطبایی

مجتهدی، کریم (۱۳۰۹-)

«۵۳۰۹- علامه طباطبائی از نظرگاه
هانری کربن»، خرد نامه صدرا، پیاپی ۳۴،
ص ۱۳-۱۵، فارسی.
کد پارسا: A۷۷۵۸۰

شخصیت علامه طباطبائی؛ دیدگاه‌های
هانری کربن

مقاله حاضر به معرفی چهره علمی، فلسفی و
عرفانی علامه طباطبائی از منظر هانری کربن
فیلسوف فرانسوی می‌پردازد و تأثیرپذیری وی از
شخصیت علامه را منعکس می‌نماید. کربن در یکی از
نوشته‌های خویش، به فعالیت‌های فلسفی و عرفانی
علامه طباطبائی اشاره کرده و مکتب فلسفی و عرفانی
وی را به یک کارخانه مجرد سازی تشبیه نموده که به
تحقق بخشیدن و تقویت امور روحی و معنوی کمک
کرده و قوام این نوع نگرش را باعث شده است. کربن



يادها و يادگارها خاطراتي از عارف و مفسر قرآن علامه طباطبائي

تهيه و تنظيم : علي تاجديني

تعداد صفحه: 112 ، جلد نرم ، 21.5*14.5cm - تهران : انتشارات پيام نور ، 1999 - چاپ ششم

شابك (ISBN) : 1-23-5618-964

\$7.50



طباطبائي ، محمد حسين : تفسير الميزان ترجمه فارسي (مجموعه بيست جلدي)

مترجم : محمد باقر موسوي همداني ، محمد جواد حجتى كرماني ، محمد علي كرامتي قمى

تعداد صفحه: 12336 ، جلد سخت ، 23.5*16.5cm - تهران : انتشارات بنياد علمي و فكري علامه طباطبائي ، 2002 - چاپ پانزدهم

شابك (ISBN) : 7-174-470-964

\$420.00



طباطبائي ، محمد حسين : الميزان في تفسير القرآن (مجموعه 20 جلدي/عربي)

تعداد صفحه: 8670 ، جلد سخت ، 23.5*16.5cm - تهران : انتشارات دار الكتب الاسلاميه ، 2001 - چاپ ششم

شابك (ISBN) : 4-165-440-964

\$396.50



طباطبائي ، محمد حسين : مختصر تفسير الميزان (فارسي)

تعداد صفحه: 678 ، جلد سخت ، 23.5*16.5cm - قم : انتشارات انوار الهدى ، 1999 - چاپ اول

شابك (ISBN) : 32-6223-964

\$25.50



طباطبائي ، محمد حسين : مختصر الميزان في تفسير القرآن (دوره 6 جلدي/عربي)